

صحیفه عاشورا (۴)

مجموعه سروده‌های شاعران و مرثیه سرایان

برای اقامه عزاداری در دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۵ هجری شمسی

دفتر شعر آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام (زنگنه)





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





آخرین برکت عظیم حادثه‌ی کربلا همین انقلاب شکوهمند ما است.

روز انقلاب اسلام
۱۳۷۲/۳/۲۶



سازمان اوقاف و امور خیریه



آستان مقدس امامزاده اسماعیل (ع.ک)



حلقه ادبی ریان

صحیفه عاشورا (۴)

مجموعه سروده‌های شاعران و مرثیه سرایان

برای اقامه عزاداری در دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۵ هجری شمسی

دفتر شعر آستان مقدس امامزاده اسماعیل (ع) (زرگنده)

فہرست مطالب ۲

اشعار کلاسیک ۱۳

۶۷.....	چہارپارہ شب چہارم	۱۴.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۶۹.....	غزل شب پنجم	۱۵.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۱.....	غزل شب ششم	۱۷.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۲.....	غزل شب ششم	۱۸.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۳.....	غزل شب ہفتم	۲۰.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۴.....	غزل شب ہفتم	۲۱.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۵.....	چہارپارہ شب ہفتم	۲۳.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۶.....	چہارپارہ شب ہفتم	۲۵.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۷۸.....	چہارپارہ شب ہفتم	۲۶.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۸۰.....	غزل شب ہشتم	۲۷.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۸۱.....	غزل شب ہشتم	۲۹.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۸۲.....	غزل شب ہشتم	۳۱.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۸۴.....	مثنوی شب ہشتم	۳۳.....	غزل مناسب تمام دہہ محرم
۸۶.....	مثنوی شب ہشتم	۳۴.....	چہارپارہ مناسب تمام دہہ محرم
۸۹.....	چہارپارہ شب ہشتم	۳۶.....	رباعی مناسب تمام دہہ محرم
۹۱.....	غزل شب نہم	۳۷.....	غزل شب اول
۹۲.....	غزل شب نہم	۳۸.....	غزل شب اول
۹۵.....	غزل شب نہم	۳۹.....	مخمس شب اول محرم
۹۶.....	غزل شب نہم	۴۱.....	چہارپارہ شب اول
۹۸.....	غزل شب نہم	۴۳.....	مثنوی شب دوم
۱۰۰.....	مثنوی شب نہم	۴۶.....	غزل شب سوم
۱۰۱.....	مثنوی شب نہم	۴۷.....	غزل شب سوم
۱۰۳.....	ترجیع بند شب نہم	۴۹.....	غزل شب سوم
۱۰۷.....	چہارپارہ شب نہم	۵۰.....	غزل شب سوم
۱۰۹.....	بحر طویل شب نہم	۵۱.....	غزل شب سوم
۱۱۳.....	غزل شب دہم	۵۲.....	غزل شب سوم
۱۱۴.....	غزل شب دہم	۵۳.....	مسمط مخمس شب سوم
۱۱۵.....	غزل شب دہم	۵۵.....	غزل شب چہارم
۱۱۶.....	غزل شب دہم	۵۶.....	غزل شب چہارم
۱۱۷.....	غزل شب دہم	۵۷.....	غزل شب چہارم
۱۱۸.....	غزل شب دہم	۵۹.....	غزل شب چہارم
۱۱۹.....	غزال شب دہم	۶۱.....	غزل شب چہارم
۱۲۱.....	مثنوی شب دہم	۶۲.....	مثنوی شب چہارم
۱۲۲.....	چہارپارہ شب دہم	۶۴.....	مثنوی شب چہارم
۱۲۴.....	چہارپارہ شب دہم	۶۶.....	مثنوی شب چہارم

فہرست مطالب ۲

۱۳۰.....	غزل حضرت ام البنین ؓ	۱۲۷.....	دوبیتی شب دہم
۱۳۱.....	غزل اصحاب.....	۱۲۷.....	دوبیتی شب دہم
۱۳۲.....	غزل اصحاب.....	۱۲۷.....	دوبیتی شب دہم
۱۳۳.....	غزل انتظار.....	۱۲۸.....	غزل حضرت امام سجاد ؑ
		۱۲۹.....	غزل حضرت امام سجاد ؑ

نوحہ زمینہ ۱۳۵

۱۹۰.....	زمینہ شب پنجم.....	۱۳۶.....	زمینہ مناسب تمام دہہ محرم.....
۱۹۲.....	زمینہ شب پنجم.....	۱۳۸.....	زمینہ مناسب تمام دہہ محرم.....
۱۹۴.....	زمینہ شب پنجم.....	۱۴۰.....	زمینہ مناسب تمام دہہ محرم.....
۱۹۶.....	زمینہ شب پنجم.....	۱۴۳.....	زمینہ حضرت مسلم ؑ
۱۹۸.....	زمینہ شب ششم.....	۱۴۵.....	زمینہ حضرت مسلم ؑ
۲۰۰.....	زمینہ شب ششم.....	۱۴۷.....	زمینہ شب اول.....
۲۰۳.....	زمینہ شب ششم.....	۱۵۰.....	زمینہ شب اول.....
۲۰۵.....	زمینہ شب ہفتم.....	۱۵۳.....	زمینہ شب اول.....
۲۰۷.....	زمینہ شب ہفتم.....	۱۵۵.....	زمینہ شب اول.....
۲۱۰.....	زمینہ شب ہفتم.....	۱۵۷.....	زمینہ شب اول.....
۲۱۲.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۰.....	زمینہ شب اول.....
۲۱۴.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۲.....	زمینہ شب اول.....
۲۱۶.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۴.....	زمینہ شب دوم.....
۲۱۷.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۵.....	زمینہ شب دوم.....
۲۱۹.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۷.....	زمینہ شب دوم.....
۲۲۲.....	زمینہ شب ہشتم.....	۱۶۹.....	زمینہ شب دوم.....
۲۲۴.....	زمینہ شب نهم.....	۱۷۱.....	زمینہ شب سوم.....
۲۲۶.....	زمینہ شب نهم.....	۱۷۳.....	زمینہ شب سوم.....
۲۲۸.....	زمینہ شب نهم.....	۱۷۵.....	زمینہ شب سوم.....
۲۳۱.....	زمینہ شب دهم.....	۱۷۷.....	زمینہ شب سوم.....
۲۳۳.....	زمینہ شب دهم.....	۱۷۹.....	زمینہ شب سوم.....
۲۳۴.....	زمینہ شب دهم.....	۱۸۱.....	زمینہ شب چهارم.....
۲۳۶.....	زمینہ حضرت امام سجاد ؑ	۱۸۳.....	زمینہ شب چهارم.....
۲۳۸.....	زمینہ حضرت امام سجاد ؑ	۱۸۶.....	زمینہ شب چهارم.....
		۱۸۸.....	زمینہ شب پنجم.....

فہرست مطالب ۲

نوحہ واحد، دودمہ و زمزمہ ۲۳۹

۲۵۳.....	واحد شب نہم	۲۴۰.....	واحد مناسب تمام دہہ محرم
۲۵۵.....	واحد شب نہم	۲۴۲.....	واحد شب اول
۲۵۷.....	واحد شب دہم	۲۴۳.....	واحد شب اول
۲۵۹.....	دودمہ شب پنجم	۲۴۵.....	واحد شب دوم
۲۵۹.....	دودمہ شب ششم	۲۴۷.....	واحد شب چہارم
۲۵۹.....	دودمہ شب عاشورا	۲۴۹.....	واحد شب ششم
۲۶۰.....	زمزمہ شب ششم	۲۵۱.....	واحد شب ہشتم

نوحہ شور ۲۶۱

۲۸۶.....	شور شب ہفتم	۲۶۲.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۲۸۷.....	شور شب ہشتم	۲۶۴.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۲۸۹.....	شور شب نہم	۲۶۵.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۲۹۱.....	شور شب نہم	۲۶۷.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۲۹۴.....	شور شب نہم	۲۶۹.....	شور مناسب تمام دہہ محرم
۲۹۶.....	شور شب نہم	۲۷۱.....	شور شب دوم
۲۹۸.....	شور شب نہم	۲۷۳.....	شور شب سوم
۳۰۰.....	شور شب نہم	۲۷۵.....	شور شب چہارم
۳۰۲.....	شور شب نہم	۲۷۶.....	شور شب پنجم
۳۰۴.....	شور شب دہم	۲۷۸.....	شور شب پنجم
۳۰۶.....	شور حضرت امام حسن <small>ؑ</small>	۲۸۰.....	شور شب پنجم
۳۰۸.....	شور حضرت زینب <small>ؑ</small>	۲۸۲.....	شور شب ششم
		۲۸۴.....	شور شب ششم

مقاومت و حماسہ ۳۰۹

۳۲۴.....	زمینہ	۳۱۱.....	غزل
۳۲۶.....	زمینہ	۳۱۲.....	غزل
۳۲۸.....	زمینہ	۳۱۳.....	غزل
۳۳۰.....	زمینہ	۳۱۴.....	مثنوی
۳۳۲.....	شور	۳۱۷.....	مثنوی
۳۳۴.....	رجز	۳۲۱.....	زمینہ
		۳۲۳.....	زمینہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شکر نعمت خدمت در آستان مقدس حضرات آل الله ﷺ از عهده‌ی هیچ خادمی بر نمی‌آید. از خداوند متعال و اولیای نعم خویش بر این لطف بی‌نهایت شاکریم. کسانی که در این مجموعه خدمت کرده‌اند چشم امیدشان به نگاه صاحب این اشک‌ها و این توّسّلات است. مستدعی دعای شما خوبان هستیم.

اگر طلب کند انعامی از شما حافظ
حوالتش به لب یار دلنواز کنید



خادم خادمین آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام
محمد صمیمی

«رحم الله من أحيأ أمرنا»

با توجه به استقبال مادحین و شعرای آل الله علیهم السلام از مجموعه‌های صحیفه عاشورا طی سه سال گذشته و استفاده ایشان از آثار آن‌ها در جلسات سراسر کشور و همچنین سابقه درخشان حلقه ادبی ریان در برگزاری رویدادهای و انتشار مجموعه‌های شعری، امسال نیز با همکاری دفتر شعر آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام زرگنده، اشعار شاعران محترم جمع‌آوری و از بین قریب به ۲۷۰ اثر، ۱۸۰ اثر منتخب هیئت اجرایی «صحیفه عاشورا۴» در این مجموعه انتشار یافته است.

از زحمات همه‌ی عزیزانی که در تمام این مدت در این پروژه‌ی عظیم به نحوی ما را یاری داده‌اند (علی‌الخصوص خانم‌ها محبوبه کاشیگر، زهرا الهامی و مبینا الهامی) سپاسگزاریم. ان شاء الله همه‌ی این زحمات مقبول درگاه حضرت حق و حضرات آل الله علیهم السلام قرار بگیرد.



هیئت اجرایی صحیفه‌ی عاشورا / خرداد ۱۴۰۵

شناسنامه اثر

شناسنامه اثر مجموعه‌ی «صحیفه عاشورا» مشتمل بر ۱۸۰ اثر است که به تفکیک دارای ۸۴ شعر کلاسیک و ۹۶ نوحه می‌باشد. نوحه‌های منتشر شده در این مجموعه متناسب با انواع نوحه‌های مورد استفاده در هیئات مذهبی و تجمعات از جمله ۴۹ زمینه، ۱۴ واحد، دودمه و زمزمه، ۲۵ شور و ۸ تصنیف مقاومت و حماسه است. آثار این مجموعه در ۵ بخش شامل اشعار کلاسیک، نوحه زمینه، نوحه واحد، دودمه و زمزمه، نوحه شور و مقاومت و حماسه تقسیم بندی شده است. برای تهیه این مجموعه از آثار ۲۷ نفر از شاعران گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام استفاده شده است.

اسامی شعرا:

- | | |
|------------------------|---|
| ● آقای سیدمسعود احمدی | ● خانم میترا سادات دهقانی |
| ● آقای امیر اسدی | ● آقای حسین رضائیان |
| ● آقای معین اصغری | ● آقای سیدمحمد رضوی |
| ● آقای محمد ایزدیار | ● آقای رضا سرانی |
| ● آقای پوریا باقری | ● آقای حسین طاهری |
| ● آقای مهدی بسحاق | ● آقای وحید عظیم پور |
| ● خانم طاهره توحیدی فر | ● آقای رضا فراهانی |
| ● خانم راضیه جبه‌داری | ● گروه نوحوا علی‌الحسین <small>علیهم‌السلام</small> |
| ● آقای رضا جوان بخت | ● آقای متین مدنی |
| ● خانم عاطفه جوشقانیان | ● خانم منصوره محمدی‌مزیان |
| ● آقای حسین حمیدی | ● خانم فاطمه محمودزاده |
| ● خانم فریده حیدری | ● آقای محمدحسین مهدویان |
| ● آقای حسین خدادی | ● آقای دانیال مهرانی |
| ● آقای وحید دکامین | |

راهنمای استفاده از آثار

به منظور سهولت استفاده از تصانیف، تصویر Qr-Code در صفحات مربوطه پیش بینی شده است. با اسکن نمودن تصویر Qr-Code (توسط دوربین تلفن همراه و یا برنامه های بارکدخوان) به راحتی امکان شنیدن نوحه انتخابی میسر خواهد بود.

دریافت فایل صوتی





اشعار کلاسیک

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ عاطفه جوشقانیان

عزاداریم، بعد از سوگ تو ای عشق! عیدی نیست
که جز قربان شدن در راه تو ما را نویدی نیست
سراسر آیه‌ی یأس است دنیا، ای سر بر نی!
به دنیایی که با تو اینچنین کرده امیدی نیست
پر از ذکر است شب‌ها، ذکر خیر توست بر لب‌ها
به غیر از یاد تو در این جهان حرف جدیدی نیست
تمام سال عاشورا است، ای خون سراسر شورا!
برای ما به جز تاریخ سرخت سرسیدی نیست
نماز آخرت در عرصه میدان شهادت داد
که جز آن که فدایت می‌شود هرگز سعیدی نیست
مرا از خیل یاران بدان، خیل شهیدانت
که جز اصحاب تو در صبح محشر روسپیدی نیست

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید دکامین

میان گریه کنانت حساب مان کردی
برای نوکری ات انتخاب مان کردی
به شال ماتم و پیراهن غمت سوگند
به اذن روضه گرفتن خطاب مان کردی
شهود نور تو در طور روضه ها پیداست
به جلوه ای ز جمال آفتاب مان کردی
نگفته حاجت مان را گرفته ایم اینجا
دعای فاطمه بودیم مستجاب مان کردی
به لاله های تپیده به خون در این میهن
نظر به کشور و بر انقلاب مان کردی
تو فوق رغبت ما از خزانه ات دادی
همیشه با کرم خویش آب مان کردی
به قدر بال مگس تا که چشم مان تر شد
برات عفو تو آمد ثواب مان کردی
حلاوتی که چشاندی به جان مان با اشک
به زیر بیرق عشقت شراب مان کردی
به شستشوی دل ما از این دم نوحه
زدوده زنگ کدورت گلاب مان کردی
چه قدر حسرت شش گوشه ی تو را خوردیم
خدا نکرده حسین جان جواب مان کردی؟

«فدای خواهر مظلومه‌ای که نالان گفت:» *
نَزَن به نیزه سرش را... کباب مان کردی



*علی اکبر لطیفیان

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

ای نام تو بهترین سرآغاز حسین
بی نام تو نامه کی کنم باز حسین
سر بر سر نیزه خم نکردی یک دم
ای نخل برومند سرافراز حسین
تصنیف غم تو خواند داوود نبی
شد بین پیمبران خوش آواز حسین
اسم تو شناسنامه‌ی آزادیست
رسم تو هم آسمان پرواز حسین
گفتم که به جز حسین کو راه نجات
فرمود خداوند بگو باز حسین
ای لهجه‌ی مردمان تبریز حوسین
ای گویش مردمان اهواز حسین
سرمایه‌ی ما فقط تویی در صف حشر
ای مهر تو بهترین پس انداز حسین
بر مرده علی اصغرت جان بخشید
از طفل تو بر می‌آید اعجاز حسین
عشاق دو عالم از ازل تا به ابد
قربان تو ای الهه‌ی ناز حسین
ما نوکر نوکران عباس تویمیم
ما را پی دیگران نیانداز حسین
رفتی سر نیزه و پی‌ات زینب رفت
از کوچه‌ی مردم نظر باز حسین

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

روزها با بینوایان هم نوایی می‌کنم
شب در میخانه‌ی مستان گدایی می‌کنم
من کجا اینجا کجا این لطف صاحب‌خانه است
این که با عشاق کویش هم صدایی می‌کنم
می‌فروشم عیش را درد محبت می‌خرم
با همین درد محبت چه صفایی می‌کنم
می‌نشینم با سلاح گریه‌ام در روضه‌ها
با گناهان خودم زورآزمایی می‌کنم
اصل کاری اوست از او غیر او را خواستم
من حواسم نیست دارم بی‌حیایی میکنم
صاحب این خانه خیلی می‌کشد ناز مرا
خاک عالم بر سرم بی‌اعتنایی می‌کنم
بچه وقتی خانه‌ی باباست خیلی راحت است
در نجف هر لحظه احساس رهایی می‌کنم
تنگ شد هر جا دلم رو به خراسان می‌کنم
چشم‌هایم را علی موسی‌الرضایی می‌کنم
آنقدر از مشهدش تا کربلا پر می‌زنم
تا کبوترهای صحنش را هوایی می‌کنم
اینقدر دم می‌زنم از شاه مظلومان حسین
آخرش کل جهان را کربلایی می‌کنم
دیدم از باب الجوادش گوشه‌ی شش‌گوشه را
پیش آقا زاده مرثیه‌سرایی می‌کنم

می‌روم تشییع جسم ارباً اربا با حسین
پیکرش را جمع در بین عبایی می‌کنم
می‌شنیدم شمر ملعون گفت با خنده حسین
آخرش جسم تو را هم بورایی می‌کنم

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

گفت آن شهید تشنه‌ی مظلوم بی کفن
تشنه بمیر، لب به شراب ستم نزن
آزادگی رها شدن از بند جامه نیست
از بند احتیاج به بیگانه دل بکن
در کربلا حسین نماد شرافت است
او دل برید از همه حتی ز پیرهن
فرمود تن به ذلت بیعت نمی دهم
فرمود و نیزه خورد بر آن نازنین دهن
فردا زنند نغمه‌ی لبیک یا حسین
امروز هم که هلله باشد جواب من
فردای کربلا شده لبیک یا حسین
قوم حسین پا شده لبیک یا حسین

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

درد من قیمت دوا رو نداشت
آخه دل شوق وصل یار و نداشت
من زمستونم و بهار اونه
این هوا عطر اون هوا رو نداشت
این غباری رو که به پا کردم
ارزش اشک اون چشمارو نداشت
نکنه توی غربت اینو بگه
شيعه‌ی ما هوای ما رو نداشت
دل من واسه هرکسی جا داشت
جا برا خلوت خدا رو نداشت
شدم اونی که درد دنیا داشت
غصه‌ی غربت آقا رو نداشت
غافل از عشق میشدم گاهی
عشق، از من این انتظار و نداشت
برمی‌گردم به اون روزایی که
تو دلم این برو بیا رو نداشت
روزایی که بگم عزیز دلم
چون ما قابل شما رو نداشت
برمی‌گردم به روزایی که دلم
تاب دوری کربلا رو نداشت
برمی‌گردم به روضه‌های حسین
آخه دنیا هوای ما رو نداشت

ته گودال جوری آروم بود
تو نماز مؤمن این قرار و نداشت
سر پیراهنش هیاهو بود
اون ولی غصه‌ی عبا رو نداشت
خامس خاندان آل کسا
نای پیکار با ناکسا رو نداشت
جای سالم نموند رو بدنش
حتی قدر نگین یه جا رو نداشت
شمر فهمید مادرش اومده
نانجیب اما اون حیا رو نداشت
نتونس تو چشش نگاه کنه
چاره جز ذبح از قفا رو نداشت
خیلی آروم بود حسین اما
تاب آتیش تو خیمه‌ها رو نداشت

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

چون راه زلف معشوق بی در دسر نمانده
عاشق رهش بدون خون جگر نمانده
ای خوش به حال آن که با زلف رفته در باد
دل داده است بر باد از او اثر نمانده
من خلق را ببینم اما تو را نبینم
دیگر به هیچ روی میل نظر نمانده
این خواب ماندگان را بیدار کن به گریه
ما غافلیم و چیزی تا به سحر نمانده
من هیچ هیچ هیچ این هیچ را نسوزان
از هیچ رفته بر هیچ چیزی دگر نمانده
بال کبوترت را زخم زبان شکسته
گفتی بپر، ولی خب جان پپر نمانده
خاک ره تو بودن خیلی مقام دارد
بیچاره من که حتی خاکم به سر نمانده
دیدم خراب جرمم اما مرا خریدی
غیر از تو بین بازار بنجل بخر نمانده
دیدم که بین بازار بیچاره می خریدی
من را بخر که از من بیچاره تر نمانده
من را ببر از اینجا دور نجف بگردان
که در حنای دنیا رنگی دگر نمانده
در این هوای مسموم هو می کشم نجف را
که ذره در هوای او در به در نمانده

مهر علی امان است از آتش جهنم
در جنگ نفس، بر من، جز این سپر نمانده
من را علی سپرده دست حسین جانش
در ظلمت شب من جز یک قمر نمانده
شوقم فقط حسین است ذوقم فقط حسین است
جز کربلا به جایی میل سفر نمانده
چون بنده‌ی حسینم آزادم از دو عالم
تا با خبر از اویم از من خبر نمانده
ز آن یار دلنوازم لب تشنه سر بریدند
زینب به قتلگه رفت که دید سر نمانده
رفته سر حبیبیم در خورجین خولی
در بین خیمه‌ها هم غیر از شرر نمانده
در کربلای ماتم غیر از سنان ملعون
با زینب عفیفه یک همسفر نمانده
پرده نشین عالم راهی شده به بازار
در کوچه‌ها خدایا پای گذر نمانده

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

ای شاه غیور یا اباعبدالله
ذلت ز تو دور یا اباعبدالله
پاک است همیشه دامن مستنانت
ای جام ظهور یا اباعبدالله
اسم تو حلاوت است و یادت نمک است
شیرینی و شور یا اباعبدالله
ای جمع نقیضین که هم همّ و غمی
هم سور و سرور یا اباعبدالله
پای صف نذری تو مردم جمعند
تا روز ظهور یا اباعبدالله
با آشپز و چایچی و شربت ریز
شد جنس تو جور یا اباعبدالله
از لات محله سینه زن می سازی
ای یار صبور یا اباعبدالله
گودال تو سجده گاه زخمی تو بود
مکروب شکور یا اباعبدالله
نان سر سفره یادم انداخت که تو
رفتی به تنور یا اباعبدالله
بر زخم تو بدجور نمک پاشیدند
ای گریه ی شور یا اباعبدالله
لعنت به کسی که تاخت بر روی تنت
با سم ستور یا اباعبدالله

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

زاغ بوده ایم اما چون کبوتریم اینجا
زیر منت زهراست هر چه می پریم اینجا
اشک روضه ی ما را، جبرئیل می بوسد
آدم حسینیم و، از ملک سریم اینجا
خانه ی حسین اینجا تکیه ها و هیئت هاست
می رویم و می آییم، سائل دریم اینجا
کار ما گدایی بود ما کجا پی کیفیم
کیف مال شاهان است ما که نوکریم اینجا
شاخه ی حسینیم و ریشه در نجف داریم
خوشه های انگور باغ حیدریم اینجا
زیر طاق ایوانش با علی علی مستیم
فارق از دو دنیایم جور دیگریم اینجا
هر که پیش استادی زانوی ادب زد، ما
محضر ابوفاضل فیض می بریم اینجا
عرش هم اگر برویم خاک پای عباسیم
شاه هم اگر باشیم کم می آوریم اینجا

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

من بی خبرم از تو و تو با خبر از من
سوزانده همین بی خبری‌ها جگر از من
یک عمر گذشتی و به آغوش کشیدی
این مرتبه هم رحم کن و در گذر از من
هر دفعه به ایوان حیاطت که بیایی
فریاد کمک می‌شنوی پشت در از من
من بچه‌ی لوس و نرم صبر ندارم
دلتنگی من گریه گرفت اینقدر از من
دشمن نزد این رنج که از دوست کشیدی
رنجیده‌ای از خلق، ولی بیشتر از من
هر چیز نباشم بدم کلب تو باشم
پوزه بکشم تا تو ببینی هنر از من؟
صدبار هرس کردی و یک میوه ندیدی
انگار نمی‌خواستی اصلاً ثمر از من
بشکن دل من را که به دنبال صوابم
قهر از تو و ناز از تو و چشمان تر از من
مشتاق زیارت شده بودم که تو گفتی
راهی نجف باش که خرج سفر از من
اوقات خوش آن بود که در صحن نجف بود
هستند در آن با خبران بی خبر از من
ایوان نجف دنج‌ترین جای جهان است
در سایه‌ی خورشید چه گرم است سر از من

دیر آمدم و رفت به گودال، حسینت
سوزانده همین دیر رسیدن جگر از من
رفتند و کشیدند و شکستند و بریدند
ای کاش تنی بود که می شد سپر از من
فرمود بیا شمر که مشتاق وصالم
بنشین به روی سینه که تیغ از تو سر از من
این ضربه‌ی درد آور اثنی عشر از تو
آن منتقم دلبر اثنی عشر از من

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

در روز پر التهاب گفتیم حسین
در شام پر اضطراب گفتیم حسین
در اول این کتاب گفتیم علی
تا آخر این کتاب گفتیم حسین
گفتند دل شما کجا آرام است
یک مرتبه با شتاب گفتیم حسین
تا پیر و جوان مان از این دنیا رفت
در ماتم شیخ و شاب گفتیم حسین
رفتیم نجف به خاطر مادر آب
در صحن ابوتراب گفتیم حسین
در روز جزا حساب مان با زهراست
اینقدر که بی حساب گفتیم حسین
رفتیم به کشتی نجاتش محزون
با چشم غریق آب گفتیم حسین
لب تشنه شدیم هی صدایش کردیم
خوردیم دو قطره آب گفتیم حسین
گفتند گل لاله‌ی زهرا له شد
با اسم گل و گلاب گفتیم حسین
رفتیم به زیر سایه گفتیم حسین
ماندیم در آفتاب گفتیم حسین
گهواره‌ی طفل شیرخواری دیدیم
شادی دل رباب گفتیم حسین

از بزم حرام زادگان گفت کسی
لعنت به می و شراب گفتیم حسین

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ وحید عظیم پور

خاک کف پات چشمه‌ی آب حیات
تر شد لب ما نیز ز خاک کف پات
بی ذکر تو رودخانه‌ها تشنه‌ی آب
بی روی تو شفاف‌ترین آینه مات
در جمع نقیضین تو ماندم که شدی
هم آب حیات هم قتیل العبرات
سوغات سفر تحفه‌ی شهر سفر است
من خاک تو را به خانه بردم سوغات
پیراهن قاسم تو یوسف پرور
گهواره‌ی اصغر تو کشتی نجات
داود ملازم علی اکبر توست
یحیی ببرد تبرک از خاک عبات
فطرس نرسد به گرد عبداللهت
آنجا که دوید سمت مقتل به هوات
یعقوب دخیل گریه‌ی سجادت
ایوب به سر زنان می‌آید به عزات
تو حرّ ذلیل را عزیزش کردی
یا مبدل السيئات بالحسنات
با اهل و عیال رفته‌ای مسلخ عشق
ای عشق، من و اهل و عیالم به فدات
ای آب حیات آه ای آب حیات
عباس به عشق تو نَرَد لب به فرات

سرنیزه که شد قلم تو را انشا کرد
پس اشک رباب و زینبت بود دوات

غزل مناسب تمام دهه محرم

◀ فاطمه محمودزاده

از ازل در سینه دارم شعله ای بی اختیار
مست نامت گشته ام، ای در دو عالم افتخار
نبض هستی با نوای نام تو دارد تپش
این دل آواره دارد با غمت عهد و قرار
هر کجا اشکی برای کربلایت ریخته
می شود آن دیده از لطف تو صاحب اعتبار
کاش می شد در میانِ روضه هایت جان دهم
در صف عشاق تو، دل داده و چشم انتظار
عالم و آدم پریشان غم عظمای توست
خوش به حال آن که تا محشر بماند داغدار

چهارپاره مناسب تمام دهه محرم

◀ منصوره محمدی مزینان

از بنده به خدای مهربونش!
خدا جونم خدااااا صدامو داری؟
میشه یکم باهم صمیمی تر شیم؟
تو بیشتر از همه هوامو داری

باز اوادم با کوله بار غصه
باز اوادم با دست و بال خالی
باز اوادم ولی نمی دونم که
صدات کنم دوباره با چه حالی؟

حق داری که دلت بگیره از من
اما نگفتی که دوسم نداری
همیشه تو لحظه‌ی ناامیدی
یه راهی پیش پای من میداری
خوب می دونی چه کاره‌ام اما باز
خودت نمی‌خوای که به روم بیاری
وقتی که انقد خوب و مهربونی
مگه میشه بهم محل نزاری؟

خیلی خراب کردم و خوب می‌دونم
خیلی بدم... ولی بازم نگام کن
من که همش گناه به بار آوردم
خدا... خودت دوباره روبه‌رام کن

از تو که پنهون نمیشه خدایا
باز اوادم نگفته‌هامو گفتم
یه فرصت دیگه بهم بده باز
خدا نیاره از چشت بیوفتم

رباعی مناسب تمام دهه محرم

◀ عاطفه جوشقانیان

رودیم و همیشه بی قرار آمده ایم
اشکیم و دوباره سوگوار آمده ایم
از لطف پدر همین برایم کافیست
ما گریه کن حسین بار آمده ایم

غزل شب اول

◀ طاهره توحیدی فر

در ازدحام کوچه‌ها مردی غریب است
بین هجوم سایه‌های پرفریب است
طومار طومار از وفاداری نوشتند
ایمان‌شان از عهد و پیمان بی‌نصیب است
آمد که با یک یا علی بیعت بگیرد
این حجم نفرت از علی خیلی عجیب است!
در بین نامردان زنی مردانگی کرد
شهر از وجود مرد میدان بی‌نصیب است
این مرد تنها در میان خیره‌سرها
ذکر تسلّایش فقط اَمَن یُجیب است
زیر لیش می‌گوید از یک راز غم‌بار
مولای من در کربلا خَدَّ التریب است
ای کاش با اهل حرم، کوفه نیاید
ذات و نگاه مردمانش نانجیب است
اینجا رقابت بین سنگ و تیر و نیزه‌ست
اما تَقْلای سه شعبه بی‌رقیب است

غزل شب اول

◀ میتراسادات دهقانی

با سنگ و چوب و آتش و خنجر نوشته‌ست
با جوهر خون روی هر دفتر نوشته‌ست
تنها، میان کوچه‌های کوفه، تنها
تاریخ از یک مرد بی سنگر نوشته‌ست
از ماه خونین، زلف بر دارالاماره
از غربت او لحظه‌ی آخر نوشته‌ست
شهری که بیعت نامه‌ها را پاره کرده‌ست
هر بار بغض و کینه را از سر نوشته‌ست
از کوفه این شهر هزاران رنگ بگذر
این نامه را مسلم به چشم تر نوشته‌ست

مخمس شب اول محرم

◀ حسین طاهری

وحی از سما رسید که هنگامه‌ی غم است
آمد ندا که لحظه‌ی تعویض پرچم است
ذکر لب زمین و زمان جمله این دم است:
باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

بر طاق عرش میزندش حضرت امین...

پیراهن کسی که به خاتم بود نگیں

از آه مادرش همه عالم شود حزین

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

قطره به قطره می چکد از گوشه‌ی سبو

وقتی که روضه‌خوان شما گفت از گلو

در پای روضه‌ی تو شود مرگم ارزو

این صبح تیره باز دمید از کجا کزو

کار جهان و خلق جهان جمله درهم است

عرش خدا به لرزه درآید از این عذاب...

ناموس مرتضی‌ی چو بیفتد به اضطراب

ریزد بهم تمام جهان با همین حساب

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب

کآشوب در تمامی ذرات عالم است

ماه فلک ز ماه غمت رو سفید نیست
جز گریه در عزای تو، کاری سعید نیست
روزی شبیه روز امام شهید نیست
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
آن رستخیز عام که نامش محرم است
در دشت پر ز گرگ که جای غزال نیست
آری میان معرکه جای عیال نیست
اطراف دخت فاطمه چشم حلال نیست
در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
در ماتم تو تیر و کمان نوحه می‌کنند
سنگ و سنان به بودن شان نوحه می‌کنند
با هر نفس تمام جهان نوحه می‌کنند
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است

چهارپاره شب اول

◀ سیدمسعود احمدی

چون پدید آمد آن هلال عزا
طبل غم را مدام کوبیدند
جامه‌ای غرق خون علم کردند
و سپس مثل ابر باریدند
حلقه‌ای از ملائکه دورش
غرق اشک و فغان و شیون و آه
منتظر مانده‌اند تا برسد
صاحب اصلی عزا از راه
چشم‌ها می‌رود به آنجا که
سایه‌ای قد خمیده می‌آید
همه چشم انتظار یک نفرند
مادری داغ دیده می‌آید
با نوای غریبِ این مادر
دل عالم بسی دگرگون شد
عرش حق لرزه بر تنش افتاد
اشک چشمان اولیا خون شد
روضه اش «ای غریبِ مادر» بود
بهر پیراهن و تنی بی سر
نال‌اش «شعله‌ی محرم شد»
السلام علیک یا مُضطر
مادرش ذکر نوحه را دم داد
رزق سینه‌زنی فراهم شد
حیدر آمد، عجب قیامتی است
ذکر واغْرَبَتَا دمام شد

پرتو نور مادرت زهرا
غالب ظلمت زمین شده است
حزن این معرکه ز عرش خدا
راهی قلب مومنین شده است

نوکرت آمده ببین آقا
آمده او به دعوت زهرا
من بمیرم بر آن زمانی که
پیکرت مانده در دل صحرا
می زدند هرچه بود نامردان
به تن پاره پاره ای ارباب
بی حیایی مدام، هی می ریخت
دور گودال، قطره قطره ای آب

جلوی چشم او نوشید آب
پسر فاطمه است لب تشنه
جرعه آبی علاج بود اما
درد او شد دوا به یک دشنه

خواهرت شاهد است از روی تل
که زدی بین خاک و خون پرپر
می دَرَد خنجر تو را ای وای
شمر با ضرب خنجر لب پر

مادرت دید خیل زخم تنت
می رود در کنار تو از حال
پدرت روضه خوان آن بدنی
که شده زیر دست و پا پامال

مثنوی شب دوم

◀ وحید عظیم پور

قافله عزم کربلا دارد
قافله مقصد خدا دارد
امتحان، امتحان توحید است
کاروان، کاروان توحید است
کاروان در خط امام حسین
می شود ملت امام حسین
کاروان، کاروان بیداریست
چشمه سار خداست که جاریست
مکتبش مکتب امام حسین
راوی اش زینبِ امام حسین
می رود کاروان به سمت ظهور
می رسد عاقبت به خیمه ی نور
لشکر ای لشکر بنی هاشم!
سر نکن خم مقابل ظالم
زندگی بی حسین کامل نیست
کربلا جای شک و دل دل نیست
کربلا آسمان پرواز است
حق روی نیزه هم سرافراز است
کربلا قتلگاه عشاق است
تا ابد خاک کربلا داغ است
آی دنیا قسم به خون حسین
مرگ بر زندگی بدون حسین

انبیا پشت کاروان دنبال
فاطمه آمده به استقبال
همه‌ی مشک‌ها پر از آبند
روی محمل ستاره‌ها خوابند
اول قافله امام التّاس
آخر قافله عمو عباس
دور محمل پر از جوان غیور
روی ناقه مخدرات صبور
نال‌های سر نرفته تا افلاک
چادر دختران نخورده به خاک
بانوان حجاز می‌آیند
ناق‌ها با جهاز می‌آیند
عقر یعنی به صید امان ندهند
صیدها نیز ساده جان ندهند
نیزه را می‌زنند از پهلو
خنجری می‌رود به زیر گلو
نه ولی این ذبیح تشنه لب است
قاتلش هم شدید بی ادب است
پهلویش نیزه‌ی فراوان است
ای خدا این قتیل عریان است
چقدر شیب مقتلش تند است
چقدر تیغ ذبح او کند است
بعد از این‌های و هوی گودالی
مشک‌ها می‌شود همه خالی

روضه خوان از خيام و نار نگو
از عَلَيكُنَّ بِالْفَرَارِ نگو

قصه طول و دراز خواهد شد
ناقه ها بی جهاز خواهد شد

غزل شب سوم

◀ میتراسادات دهقانی

از روزگار سهم دلش آه و ناله است
بیمار و بی‌قرار و کبود و مچاله است
هر چشمه بسته است دخیلی به چشم او
چون قطره‌های چشمه‌ی کوثر، زلاله است
آنقدر تازیانه به او خورده است که
این روزها شبیه به گل‌های لاله است
در خواب می‌دود پی آن باغبان سبز
بر گلستان گونه‌ی او رد ژاله است
از اشک او بپرس که قرآن ناطق است
زخم تنش ببین که خطوط رساله است
او که نشسته است به کنج خرابه‌ای
از خاندان پاک نبوت سلاله است
درهای بسته را به نظر باز می‌کند
باب‌الحوائجی که شهید سه ساله است

غزل شب سوم

◀ وحید عظیم پور

یار اگر کار مرا امروز و فردا می کند
دانه دانه دارد از کارم گره وا می کند
من خود اسباب عقب افتادن کار خود-ام
من خرابش می کنم او هم مدارا می کند
هر که باشد به خدا جز مهربان مولای من
جور دیگر با من بی آبرو تا می کند
خواستم عاشق شوم دیدم که لایق نیستم
او ولی من را میان عاشقان جا می کند
عشقی یوسف قعر زندان را بهشتش می کند
کاخ ها را نیز زندان زلیخا می کند
خسته بودم که به ایوان نجف بردم پناه
بچه کم می آورد تکیه به بابا می کند
می پرستم آن خدا را که خدای حیدر است
آن خدایی که مرا محتاج زهرا می کند
شخص زهرا عهده دار دوست داران علیست
او محبان را در آتش نیز پیدا می کند
بچه ام تب کرد به خانم سه ساله رو زدم
نسخه ی ما را رقیه خانم امضا می کند
آی مردم کار دست دختر اریاب ماست
ناز دختر پیش بابا خوب غوغا می کند
ناز دختر بچه را شمر و سنان بر هم زدند
استخوان گونه با سیلی ترک وا می کند

وای از آن لحظه که در هول و ولای دختران
بین صحرا زجر دختر بچه پیدا می‌کند
ناز دختر بچه را عمه برایش گریه کرد
شانه‌ای با موی آتش خورده دعوا می‌کند

غزل شب سوم

◀ وحید عظیم پور

ماه شام است که در وقت سحر می آید
این رقیه ست که زینب به نظر می آید

روی تیغ دودم گریه و آهش نقش
ها علی بَشْرُ کَيْفَ بَشْرُ می آید

باب حاجات صغیر است و کبیر است الحق
نام بی بی به رقیه چقدر می آید

شام افتاد به تسخیر سپاه گریه
این فقط از نوهی فاطمه بر می آید

سر عباس سر نیزه سلامت باشد
وسط همهمه ی شام قمر می آید

وسط همهمه ی شام ز اولاد علی
دختری هست که چادر به کمر می آید

نوهی فاتح خیبر گذرش خورده به شام
پدر قوم یهود است که در می آید

سنگ باران بلا شد ولی از پا ننشست
عمر ظلم آخر از این صبر به سر می آید

خیزران را بشکن بر دهن نحس یزید
یا رقیه! فقط از دست تو بر می آید

غزل شب سوم

◀ وحید عظیم پور

یا به دیر راهبی یا در تنور کافری
هر کجا که می روی از مردمش دل می بری
صورتت نیلوفری موهات هم خاکستری
با همین آشفستگی ها نیز خیلی محشری
تو ته گودال رفتی من میان ازدحام
از تو عمامه کشید این قوم، از من روسری
سوره هایت یک طرف آیات کوثر یک طرف
صد پسر در خون بغلتد گم نگرده دختری
هر که گفته بی حجابم بشنو و باور نکن
روی نی رفته عمویم تا نیافتد معجری
ناز ما را دارد این اّام سیلی می خرد
دست شیطان می خورد بر صورت حور و پری
شام خلوت بود قبل از ما ولی حالا شده
کوچه ها پر جمعیت بازارها پُر مشتری
با همین احوال شی شیرین زبان هه هستم و
با همین سس سر، تُو هم باز پ پ پدری
زودتر من را بیا بردار از این جا ببر
تا نیافتاده برایم اتفاق بدتری

غزل شب سوم

◀ وحید عظیم پور

چرا رأس تو عریونه بابایی
عبات دست رقیبونه بابایی
دل اهل حرم خیلی گرفته س
آخه زلفت پریشونه بابایی
بیا و ما رو برگردون مدینه
دلَم از این سنان خونه بابایی
به روی صورت حوریه هامون
رد دستای شیطونه بابایی
چراغونی شده بازار شامات
گمونم عید قریبونه بابایی
سرا سوخت و حجابامون نیافتاد
حُب این از غیرتمونه بابایی
نمی خندم یه وخ بغضت نگیره
رخ خنده به دندونه بابایی
یکی از دندونای شیرین من
شهید سنگ بارونه بابایی
بخشید اما چون خیلی گرسنه م
گمون کردم سرت نونه بابایی
سرش میش کونم آخر خیزرونو
که دندونتو می شکونه بابایی؟

غزل شب سوم

◀ وحید عظیم پور

آسمانت سرخ اما آسمان من کبود
بعد تو بابای خوبم آسمان آبی نبود
من تو را می خواستم دیدم تو با سر آمدی
آمدی جانم به قربانت ولی دیگر چه سود
در تنور آن شب که خاکستر شدی من سوختم
تو گرفتی بوی نان و من گرفتم بوی دود
داغ سنگین تو قدّ کوچک من را شکست
بعد تو یا در رکوعم دائماً یا در سجود
بچه های شام با من سنگ بازی می کنند
بچه های شام می خوانند دور من سرود
فکر کردم بعد تو من را مدینه می برند
نامسلمانان مرا بردند بازار یهود
از شتر وقتی که افتادم سوالی داشتتم
آه بابای من از مرکب چطور آمد فرود؟
با عمو عباس می گویم چه آمد بر سرم
شاید اخمی کرد از نیزه به شمر بی وجود

مسمط مخمس شب سوم

◀ وحید دکامین

نیمه‌ی جان افتاده در سوسو، پریشانم چو شمع
بر لبِ مشک است اشکم، ابرِ بارانم چو شمع
من که شب‌ها تا سحر بی‌خواب و سوزانم چو شمع
«در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
شب‌نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع»*

ای به فرمانت سماء و ماسوا و هر چه هست
بی‌حیایی، دخترت را در اسیری دست بست
از غم و درد یتیمی خواب در چشمم شکست
«روز و شب خوابم نمی‌آید به چشمِ غم پرست
بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع»

گنج این محنت سرا بابا دلم تفتیده شد
در اسارت کار بر عمه چنان پیچیده شد
جای معجر روی ما با آستین پوشیده شد
«رشته صبرم به مقراض غمت بُریده شد
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع»

زخمِ پاهایم پدر چشم انتظارِ مرهمت
رونمای دیدنِ تو جان سپارم قدمت
کاش برگردی، رقیه گشته شد از ماتمت
«کوه صبرم نرم شد چون موم در دستِ غمت
تا در آب و آتشِ عشقت گدازانم چو شمع»

دیده با یادِ تو و داغِ تو، گوهرِ بارِ تو
تا نیایی در خرابه، جانِ من تب‌دارِ تو
این چنین این آخری‌ها می‌کنم اظهارِ تو
«همچو صبحم یک نَفَس باقیست با دیدارِ تو
چهره بنما دلبرا تا جان برافشانم چو شمع»
شام را آتش زدم با گریه‌های آتشین
زودتر بابا بیا و دخترِ خود را ببین
می‌رسی و می‌بری با خود مرا، دارم یقین
«سرفرازم کن شبی از وصل خود ای نازنین
تا منور گردد از دیدارت ایوانم چو شمع»



* ابیات داخل گیومه تضمین از حافظ می باشد

غزل شب چهارم

◀ فریده حیدری

هرگز نمی‌شد آنچه که می‌دید باورش
زینب نشست، رأس برادر برابرش
تنها نبود خواهر او پیش کوفیان
با سر رسیده بود به کوفه برادرش
رنجیده بود خاطر زینب به خاطرش
دیگر نداشت طاقت از این بیش خواهرش
لب بر سخن گشود و حقیقت نمود یافت
حرفش حسین بود و تقاضای آخرش
حرف حسین، حرف خدا بود و پخش شد
در گوش دشت نغمه‌ی الله و اکبرش
قرآن به نیزه بود و ملائک کنار آن
از روی نی چکید کدام آیه از سرش!؟

غزل شب چهارم

◀ فریده حیدری

لب تشنه بود تشنگی اش را نشان نداد
در راه عشق رفت، و بیهوده جان نداد

فرصت نبود تا که بگوید برادرم
فرصت نبود، دشمنی دشمن امان نداد

لب بست تا که کوه غریبانه نشکند
در خود شکست ضعف به دشمن نشان نداد

با دست رفت و بی سر و دست آمد از فرات
آورده بود تا لب و ... دندان! توان نداد

دشمن گرفت خیمه و خرگاه بعد از او
حتی مجال ضجه زدن به زنان نداد

شیطان که بست نای گلو را به روی نی
فرصت برای گریه به خرد و کلان نداد

دیگر صدای یَنْصُرُونی نیست گوش کن!
دنیا سکوت کرد، مؤذن اذان نداد

غزل شب چهارم

◀ وحید دکامین

تا حشر جاودان است، راه و مرام زینب
هم در مُجلدِ عشق، دفتر به نام زینب
در کسب علم و حکمت، از خاندان عصمت
خوردند انبیا هم، جرعه ز جام زینب
دریاست قطره پیشش، نامنتها صفاتش
گفتند و باز مخفی ست، درک مقام زینب
از عصمت نگاهش، از حلم و صبر و جاهش
باید هنوز گفتن، از احترام زینب
او در منا دو قربان، کرده نثار جانان
معنی این جهاد است، سنگ تمام زینب
آتش به جان عالم، افتاد از آن همه غم
در بین شعله می سوخت، وقتی خیام زینب
غم را برابرش دید، رگ های حنجرش دید
زخمی میان گودال، مظلوم امام زینب
داغ برادرانش، این روضه ها به جانش
نگذاشت تا که دنیا، باشد به کام زینب
با رأیت کرامت، برخاست با شجاعت
هنگامه ای بپا شد، وقت قیام زینب
ذکر خدا به لب داشت، او از علی نَسب داشت
از هیبت کلامش، شد کوفه رام زینب
وقت سخنوری شد، در جلوه حیدری شد
با خطبه ای برون شد، تیغ از نیام زینب

آئینه‌دار غیرت، چون کوه با صلابت
کاخ ستم فرو ریخت، نطق و کلام زینب
پیراهن حسینش، از او جدا نسازید
این آخرین توسل، حُسنِ ختامِ زینب
با «کهنه یادگاری»، با اشک و آه و زاری
این‌گونه سر شد از عشق، هر صبح و شام زینب
ثابت نمود با جان، ماندن به پای ایمان
آزادگان گرفتند، درس از پیام زینب
عُمری بر این کرانه، خوردیم آب و دانه
منزل کجاست بهتر، از کوی و بام زینب
با عشق او سرشته، حق، نام ما نوشته
ریزه‌خورانِ خوانِ لطفِ مدامِ زینب
هرکس کشید آهی، شد سوی روضه راهی
مهمان شده محرم، در بارِ عامِ زینب
روز جزا به محشر، در پیشگاه داور
ای کاش نام ما هم، باشد غلامِ زینب
هر دل که با حسین است، مشغول یا حسین است
آید به چشم زینب، بر او سلامِ زینب

غزل شب چهارم

◀ وحید عظیم پور

مدد گرفتم دمی بگویم به اذن پروردگار، زینب
چنان که دریا وسیع زینب، چنان که کوه استوار زینب

اگر به قلب علی قراری ست می شود آن قرار زهرا
اگر به قلب حسین قراری ست می شود آن قرار زینب

نه مثل مریم، نه مثل حوا، نه مثل هاجر، نه مثل سارا
فقط خودش بود و بر زنان بود مایه ی افتخار زینب

علیمه زینب، حلیمه زینب، کریمه زینب، فهیمه زینب
نجیبه زینب، شریفه زینب، عقیقه زینب، وقار زینب

طهور زینب، شکور زینب، صبور زینب، غیور زینب
ملیکه زینب، عقیله زینب، نابغه ی روزگار زینب

شفیعه زینب، کفیله زینب، عابده زینب، سیده زینب
فصیحه زینب، بلیغه زینب، نجمه ی دنباله دار زینب

نفیسه زینب، قدیسه زینب، امینه زینب، ولیّه زینب
علیمه ای که دمی ز عمرش نداشت آموزگار زینب

علی سلامش، علی کلامش، علی علی پرچم قیامت
چنان که در شام و کوفه گفتند صاحب ذوالفقار زینب

علم به دستش گرفت از کربلا به کوفه، ز کوفه تا شام
صلابتش کم نشد اگر داشت بر روی شانه بار زینب

چنان که زهرا به روی ناقه می گذرد از صف قیامت
گذشت از شام و کوفه روی محمل غیرت سوار زینب

بیا بیا حاجیا طوافی به دور این کعبه الرزایا
به کربلا گشته دور کعبه شکسته و زخم دار زینب

خدای منصوره‌های عالم همیشه حق گفت و حق ادا کرد
ولی به جایش برادرش سر سپرد بر روی دار زینب
غمش در افلاک می‌نشیند به چادرش خاک می‌نشیند
به روی محلمش به قدر سوزن نمی‌نشیند غبار زینب
به جان احمد زدند او را زدند؟ نه! بد زدند او را
ولی همیشه حسین را بود اولین پای کار زینب

غزل شب چهارم

◀ وحید عظیم پور

شب را به تابش قمرش خورد می کند
دل را به سوزش جگرش خورد می کند
با خطبه هاش بزم شراب یزید را
با تاج و تخت و سیم و زرش خورد می کند
پای علی اگر برسد مجلس شراب
چوب یزید را به سرش خورد می کند

مثنوی شب چهارم

◀ منصوره محمدی مزینان

برخیز و ببین شور رجزخوانی زینب
توفندگی خطبه‌ی طوفانی زینب
آورده نسیم سحری جذبه‌ی بویت
افتاده چهل فاصله بین من و رویت
فریاد انا السَّاحِقِ دلجوی تو آید
زینب به تماشا به سر کوی تو آید
ای زخم مکرر شده، ای مرهم جانم
ای آن که توان داده به شمشیرِ بیانم
برخیز و ببین هیمنه‌ی قافله‌ام را
کوبندگی پای پر از آبله‌ام را
پلکی بزن و جان بده بر جان من ای جان
آشفستگی‌ام را به نگاهت بده سامان
برگشته‌ام از کوفه و شام ای تن بی سر
نستوه و شکوهنده چنان فاتح خیبر
با خطبه‌ی فتحم شدم آیین‌ه‌ی اسلام
خواندم به ستیغ سخنم فاتحه‌ی شام
معموره‌ی پوشالی این سکه پرستان
از آه یتیمان حریمت شده ویران
از عطر دل انگیز تو در جوش و خروشم
یک موی تو را هم به دو عالم نفروشم
شد فصل تماشا، بده ای اشک امانم
از بهر تسلای نگاه نگرانم

سزّی که در این سیرالی‌الله نهان است
اشکی است که بین من و تو نامه‌رسان است

افتاده سرت لیک نیافتاده سپرها
سودای سرت تا به ابد مانده به سرها

حاشا که دمی معجر من از سرم افتد
حاشا به سراپرده‌ی ما یک نظر بد

گر خسته شد این کوه و بیابان و در و دشت
زینب به خدا لحظه‌ای از خون تو نگذشت

یاد پدر انداخت مرا، بستن دستم
هی زخم روی زخم نشست و نشکستم

زخمی شدم از دیدن قرآن ته گودال
یاسین، سر نی رفته و والفجر لگدمال

زخمی شدم از بوسه خنجر به گلویت
زخمی شدم از دیدن خاکستر مویت

زخمی شدم از راه که با داغ تو شد طی
زخمی شدم از دیدن بزم طرب و می

شرمنده نگیر از گل آلاله سراغی
هر گوشه‌ی قلبم شده آیینه‌ی داغی

ای آنکه حرم را به خداوند سپرده‌ست
آسوده بمان دختر حیدر که نمرده‌ست

شد آب بقا زنده به نام تو برادر
دریا شده لب تشنه‌ی کام تو برادر

دنیا پس از این در پی تکثیر حسین است
صبرم همه جا تیغه‌ی شمشیر حسین است

مثنوی شب چهارم

◀ منصوره محمدی مزینان

یک جهان از نام ارباب دو عالم منجلی است
نام تو آرامش جان حسین ابن علی است
بانوی ماه ای شعاع پرتو پنج آفتاب
ای که بودی با سپاهی از ستاره هم رکاب
کیستی ای محکم و استاده تر از قله ها
ماه بشکوهی که درآورده سر از قله ها
کیستی ای مرد میدان نبرد آیا زنی؟
کاین چنین نستوه و شیر و محکم و بیل افکنی
خطبه های آتشینت از زبان شعله هاست
شرح جانسوز تو خارج از بیان شعله هاست
تازه در پایان روز واقعه آغاز توست
لشکرت گل واژه هایند و غزل اعجاز توست
چشم هایت زادگاه ابرهای بی قرار
روضه می بارد ز چشمت همچنان ابر بهار
آه از آن سیر و سلوکت از حرم تا قتلگاه
آه از آن طی طریق تو بدون سر پناه
داغ هایت را نه مرزی هست و نه محدوده ای
نیست بی حکمت که تو ام المصائب بوده ای
خطبه ی توفنده ی تو باز طوفان کرده است
آیه آیه خطبه ات تفسیر قرآن کرده است
صبح شان را شام کردی شام شان را شام تر
زنده شد اسلام و نام مرتضی خوش نام تر

راه تو بسیرِ اِلَى اللّٰهِ و صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
خطبه فَتَحُ الْفُتُوحِ شَامِ تَوْفُوزِ الْعَظِيمِ
صاعقه از چشم‌های آن چنان برخاسته
که سپاه شام از دم مرگ خود را خواسته
از تنور خطبه‌های نان کوفه آجر است
خشت خشت کوفه از شور رجز‌های پُر است
واژه‌ها خیل‌گدایان و به کوی تو مقیم
هر چه از حسن تو می‌گوییم کم می‌آوریم

مثنوی شب چهارم

◀ فاطمه محمودزاده

در نگاهش داغ گودال است و آه کربلا
مانده زینب، بی کس و تنها، میان نیزه‌ها
خیمه می‌سوزد در آتش، دشت گشته غرق خون
کودکان بی پناه و گوش‌های لاله‌گون
بر سرِ اولاد زهرا سایه افکند این بلا
گشت جاری اشک ماتم در فضای خیمه‌ها
دشت پر شد از هجوم نابرابر، در غبار
تیغ‌ها بر پیکر یاران عاشق، بی‌شمار
داغ عباس و علی‌اکبر نشسته در دلش
لیک باید می‌شنید عالم پیام مقتلش
چشم او بر قتلگه افتاد و آن جسم غریب
خواند زینب زیر لب با گریه اش اَمَّنْ یُجیب
کاروان داغداران می‌گذشت از آن مسیر
داغ هفتاد و دو خورشیدش نشسته در ضمیر
چون به شام آن خطبه‌ی طوفانی زینب رسید
پایه‌های ظلم از آن گفتار آتشگون خمید
نام حیدر زنده شد در صولت گفتار او
گویی از لب‌های او می‌گفت حیدر مو به مو
قصه‌های کربلا را زینب کبری سرود
«کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود»

چهارپاره شب چهارم

◀ وحید عظیم پور

دم دمای آخر عمر منه
چشامو نمی تونم تکون بدم
زیر آفتاب بذارید بسترمو
روا نیست من زیر سایه جون بدم

کاش می شد برادرم بیاد پیشم
غمامو بهش بگم دونه دونه
راضی ام به اینکه بازم برا من
با سر بریده قرآن بخونه

غم کربلا رو من میگم شما
هر کس و دیدید بهش بگید چی شد
آخه از بالای تل تو قتلگاه
هیشکی اندازهی من ندید چی شد

یکی با نیزه به پهلوهاش می زد
یه نفر عصا می زد روی تنش
تنها بین یه سپاه افتاده بود
بدجوری غریب گیر آوردنش

لحظه لحظه تو هوای قتلگاه
شبیه برگای پاییز شدم
برا اینکه کمتر اونو بزمن
حتی با شمر گلاویز شدم

کی دیده بچه های انبیا رو
با چنین وضعی اسارت ببرن
سر شیش ماهه رو می بُرن که هیچ
حتی گهواره شو غارت ببرن

سری که رو نیزه رفته رو کجا
این همه با سنگ نشونه می‌گیرن
دختر بی پناه و آخه کجا
راهشو با تازیونه می‌گیرن

کجای دنیا دیدید که مردمی
توی جشن شون عزادار ببرن
کی دیده با لباس پاره زنو
برا تحقیر به بازار ببرن

اون روزا خیلی زیاد دقم دادن
بدجوری تو غصه آبم کردن
هیشکی سایه مم ندیده بود ولی
راهی بزم شرابم کردن

توی گودال، سر نی، بزم شراب
هرجا رفت حسین منم پشت سرش
دل من تنگشه کاش این آخرا
داداشم بیاد کنار خواهرش

غزل شب پنجم

◀ وحید دکامین

به تنگ آمد در آن خیمه دلش از دوری جانان
به شوق پر زدن می خواست اذن رفتن میدان
به روی پنجه‌ی پایش به هر سختی که شد برخاست
غریب کربلا را دید عطشان و به خون غلطان
عمو را در هجوم نیزه و شمشیرها می دید
عمو را دید در مقتل، که زخمی گشته و بی جان
به زاری داد زینب را قسم بر چادر زهرا
قسم بر عصمت طاها، قسم بر عترت و قرآن
رهایم کن که تا یک بار دیگر هم شده عمه
رسانم دست خود را این دم آخر به آن دامان
دل غمدیده در سینه خودش را بر قفس می زد
به هر جان کندنی می شد، برای لحظه‌ای، یک آن
کشید از دست عمه دست خود را و به میدان زد
سراسیمه دوید از خیمه تا گودال غم، گریان
به نعره گفت تا ابنُ الحسن، بغض جمل گل کرد
رجز می خواند و صف را می شکست و شد به پا طوفان
دلش می خواست از قاسم نماند او عقب در عشق
به یاری امام خود شود با جان بلاگردان
به نیزه گیسوی خونین او شانه شد آخر سر
ز بدکرداری قوم خدانشناس و بی ایمان
در آغوش عمو در قتلگاه افتاد آن مضطر
به دستی که جدا از پوست آویزان شد و لرزان

دگر بوی مدینه بر مشام کربلا آمد
سیر افتاد و با تیر سه شعبه طفل شد قربان

غزل شب ششم

◀ میتراسادات دهقانی

پیداست با ردای سپید و عمامه کیست؟
او که به رزم آمده بی رزم جامه کیست؟
این ماه در نقاب که همچون فرشته هاست
این گام‌های کوچک و پر شور گام کیست؟
او که چنین دلاور و بی باک می برد
قد قامت حماسه‌ی خود را اقامه کیست؟
پرسید مرگ در نظر تو چگونه است؟
شیرین تر از عسل مزه‌ی آن به کام کیست؟
او که دویده است که با خط سرخ خون
امضا کند به شیوه خود عهدنامه کیست؟
او کیست؟ او که عاشق و سرمست، می دهد
با جان خویش راه حسن را ادامه کیست؟
او قاسم است، او حسن دیگر است، او
سبط نبی ست، او پسر مرتضی علیست

غزل شب ششم

◀ وحید عظیم پور

آیینہ جمال و جلال خدا حسن
جمع صفات فاطمه و مرتضی حسن
پیراہنی ز حسن خودش بافت فاطمه
هر تار را به پود که زد گفت یا حسن
از کنیہی علی به مقام حسن برس
جایی کہ گفت ختم رسل یا اباحسن
در جادہی کرم ہمہ جا رد پای اوست
پوشیدہ است کفش کرامت به پا حسن
وقتی نبی زره به تنش میکند علیست
وقتی نبی به تن بنماید عبا حسن
توحید، ضرب کردن واحد به واحد است
ہستند مجتبی علی و مرتضی حسن
بر دوش مصطفی دو حرم جا گرفته است
یک شانہ را حسین و دگر شانہ را حسن
ہرکس کہ ہدیہ ای بہ عزیزش عطا نمود
بخشیدہ دو نگین بہ شہ کربلا حسن
بایک نفس تمام جہان می شود حرم
گویند اہل شیعہ اگر یکصدا حسن
بہر ورود ہر حرمی باب لازم است
باب الکریم ما ہمہ شہزادہ قاسم است

غزل شب هفتم

◀ وحید عظیم پور

تیر در چله‌ی کمان انداخت
زلزله در دل زنان انداخت
تا پدر را ز پا بیاندازد
به گلوی پسر نشان انداخت
شمر گفتا حسین سرو قد است
حرمله گفت می‌توان انداخت
با همان تیر که به کودک زد
می‌شود چند تا جوان انداخت
این قدر تشنه بود علی اصغر
به نوک نیزه هم زبان انداخت
تیر دشمن به جای دست پدر
سر او را به آسمان انداخت
گفت: مردم حسین حیران شد
اولین طعنه را سنان انداخت

غزل شب هفتم

◀ وحید عظیم پور

هی نکن گریه پیش آب رباب!
نرو هی زیر آفتاب رباب!

چنگ بر صورتت نکش این قدر
اینقدر غش نکن رباب! رباب!

از کبودی روی تو خیلی
دل زینب شده کباب رباب!

خاک عالم سر فرات بریز
که به طفلت نداد آب رباب!

پی اصغر نگرد دور و برت
تا که پا می شوی ز خواب رباب!

چقدر بازوی کبودت را
داده ای تاب در طناب رباب!
تو و زهرا دو دسته گل دادید
اجرتان با ابوتراب رباب!

معجرت سوخت آری آری سوخت
پارچه پیش آفتاب رباب!

هرکجا معجری به غارت رفت
آستین تو شد حجاب رباب!

چشم عباس دور، بردندت
بین بازار بی نقاب رباب!

تو عزیزی، عروس فاطمه ای
تو کجا مجلس شراب رباب!

چهارپاره شب هفتم

◀ راضیه جبه‌داری

بی زره، بی کلاه خود و سپر
روی ناقه‌ست و اسب جنگی نیست
میمنه بیشتر مراقب باش!
ای کماندار چپ درست بایست!

چیست در دست‌هایش زیر عبا
خوب معلوم نیست! فاصله است
مصحف آورده است در میدان؟
نکند قصد او مباحله است!؟

قرص ماه است روی دستانش
گرچه کوچک ولی برازنده است
کودک مُرده با خود آورده!؟
نه! تکان خورد! ظاهراً زنده است!

ماهی افتاده است دور از آب
مردنش را فقط تماشا...!؟ نه!
آه یک قطره آب! کودک مُرد
مانده رحم و مروتی یا نه!؟

گفته بودید جنگ مردانه است
مرد جنگی کجا و این طفلک
قصد این طایفه اگر جنگ است
باخود آورده پس چرا کودک!؟

شُبّه افتاده در دل لشگر
گوش تا گوش گرم ولوله است
یک نفر قصه را تمام کند
چاره کار دست حرمه است

چهارپاره شب هفتم

◀ وحید دکامین

لبش از هُرم تشنگی می سوخت
آتش افتاده بود در جانش
نیمهٔ جان گر لبش بهم می خورد
بود تفسیر درد پنهانش

دست و پا می زد او به گهواره
مثل ماهی که بر لب دریاست
جگر پاره پاره، آثارش
روی لب‌های خشک او پیداست
حرفِ خود را به گریه می فهماند
این تلّطی.. نه، اذن میدان است
جان بر لب رسیده اش می گفت
کمک او فقط همین جان است

تا که بی یاری پدر را دید
در دل خیمه شور برپا کرد
با بهانه گرفتن از گریه
آخَر آنقدر او تقلاً کرد...

... پدر آمد به خیمه دنبالش
اصغرش را گرفت در آغوش
تا که بوی بهشت را حس کرد
روی دستِ حسین شد خاموش

داد آهسته بوسه اش با با
گُل لبخند او شکوفا شد
گوئیا آرزوی او این بود
که به یک جلوه، آشکارا شد

حرمله با سه شعبه‌ای از دور
به گلوی علی نظر دارد

طاقت شیرخواره و این تیر؟!
قصد خون کردنِ جگر دارد

کار خود کرد و آخرین لحظه
گلوی طفل را نشانه گرفت
روی دست پدر تکانی خورد
آتش غم ز دل زبانه گرفت

وسط هلهله در آن غوغا
روی دست حسین بالا رفت
جسم او روی دست بابا ماند
روح اصغر به عرش اعلی رفت

گشت خاموش و از نَفَس افتاد
با سه شعبه به جای لالایی
کاش قد می کشید تا که حسین
از لبش می شنید «بابایی»

غرق خون، تیر خورده شش ماهه
رشته رشته شده ست حنجر او
با چه رویی به خیمه برگردد
چه جوابی دهد به مادر او

چه بلایی سر رُباب آورد
سر او روی نیزه‌ها تا شام
پیش مادر ز نیزه می افتاد
هیچ سنگی خطا نرفت از بام

چهارپاره شب هفتم

◀ وحید عظیم پور

بزم آن روز بزم جایزه بود
روی تختش نشست ابن زیاد
همه دنبال ارتقاء مقام
همه دنبال سکه های زیاد
هرکه با هر چه داشت آمده بود
با یکی قطعه ای ز پیراهن
یک نفر داشت مشک مرطوبی
یک نفر تکه های یک جوشن
یک نفر یک عمامه ای که ز هم
تار و پودش گسسته آورده
پیر مردی رسیده لنگ زنان
یک عصای شکسته آورده
یک نفر دست خالی آمد و گفت
صله باید که خرج ناطق کرد
من سلاحی نداشتم اما
اینقدر طعنه اش زدم دق کرد
عده ای آمدند و داد زدند
که در آن عصر غیر منتظره
نعل تازه زدیم و در گودال
بر تنش تاختیم ده نفره
ناگهان های و هوی ساکت شد
لعنت الله نوبه اش آمد
سر کشان از میان جمعیت
حرمله با سه شعبه اش آمد

گفت این تیر را که می بینید
پهلوان را ز پا می اندازد
طفل را ذبح می کند این تیر
شاه را زیر پا می اندازد

همگی شاهدید با این تیر
چشم آن ماه را در آوردم
بعد با ذبح طفل نوزادش
اشک آن شاه را در آوردم

یک قدم رفت خیمه و برگشت
همه بهت حسین را دیدیم
باز هم رفت خیمه و برگشت
همه با هم بلند خندیدیم

تشنه بود و زدم همان موقع
همه جا بوی آب می آمد
بیشتر از صدای هلهله ها
نالهای رباب می آمد

دار دنیا همینقدر پست است
آخرت کربلاست دنیا شام
به خدا هر چه هست در عالم
نمی ارزد به قطره اشک امام

غزل شب هشتم

◀ وحید عظیم پور

برداشت از زمین ثمر تکه تکه را
بوسید اباالشهید سر تکه تکه را
خورشید دست می‌کشد و جمع می‌کند
این صد ستاره‌ی سحر تکه تکه را
فریاد هفت تا ولدی تا به خیمه رفت
لیلا گریست این خبر تکه تکه را
با هر صدا زدن موی زینب سفید شد
پیریست چاره‌ی جگر تکه تکه را
انداخت با شتاب خودش را به روی خاک
زنده بغل کند پسر تکه تکه را
افتاده روی زانوی خود پا نمی‌شود
باید چه کرد این کمر تکه تکه را
خواهر رسیده است خدایا تو رحم کن
بردار از حرم نظر تکه تکه را
ای کاش یک عبا بکشد روی زینبش
تارد شوند این گذر تکه تکه را
آری حسین با علی اکبر شهید شد
بردند در عبا پدر تکه تکه را

غزل شب هشتم

◀ وحید عظیم پور

قاری والشمس و والضحی علی اکبر
حضرت داود کربلا علی اکبر

بود مسیحا حسین، دم پسرش بود
حضرت موسی حسین، عصا علی اکبر

قامت حُسنش ضریح اهل حرم بود
یوسف مصری کجا، کجا علی اکبر

کرب و بلا را جناب کعبه حسین است
مروه ابافضل شد، صفا علی اکبر

جبهه‌ی پیشانی‌اش چراغ هدایت
زلف سیه، رایة الهدی علی اکبر

حیّ علی الکربلا نشسته به لب‌هاش
مأذنه‌ها را زده صدا علی اکبر

ماه در آئینه از ستاره خبر خواست
آینه فرمود ائما علی اکبر

گفت که افتادگی نشان کمال است
دید که رفته است زیر پا علی اکبر

گر بدهد صد پسر خدا به حسینش
اصغر است، اوسط است، یا علی اکبر

پیرها حبیب، طفل‌ها علی اصغر
هرکه جوان بود گفت یا علی اکبر

جلوه‌ی تمثیل، کربلای معلاست
اکبر اگر احمد است، آمنه لیل است

غزل شب هشتم

◀ وحید عظیم پور

این نفس پر حجاب به دردم نمی خورد
این روی صد نقاب به دردم نمی خورد
دل بی حضور یار بگو قصری از طلا
این خانه ی خراب به دردم نمی خورد
چشمان بی قرار مرا مست گریه کن
این جام بی شراب به دردم نمی خورد
پایی بزن که چشمه ی زمزم کنی مرا
دشت پر از سراب به دردم نمی خورد
من موج یاغی ام که به ساحل پناه برد
من پوچم و حباب به دردم نمی خورد
مویم سفید گشت و به دردت نخورده ام
این دوره ی شباب به دردم نمی خورد
من را ببر نجف که برای قیامتم
جز مهر بوتراب به دردم نمی خورد
با مرتضی علی دل شب، روز روشن است
بی حیدر آفتاب به دردم نمی خورد
این گریه ها اگر نشود مرهم حسین
اصلا بگو ثواب، به دردم نمی خورد
از روی اسب خورد زمین در غم پسر
یعنی دگر رکاب به دردم نمی خورد
گلبرگ های دسته گلم قطعه قطعه شد
دیگر گل و گلاب به دردم نمی خورد

حتی ورق ورق بشود اکبر من است
کی گفته این کتاب به دردم نمی خورد؟

مثنوی شب هشتم

◀ وحید دکامین

توحید مجسم شده یعنی، علی اکبر
هر گفته ز حق را شده معنی، علی اکبر
سر تا به قدم آینه‌ی حُسن خداوند
خورده‌ست به قد قامت تو معجزه سوگند
ای گیسوی تو سوره‌ی وَاللَّیْلِ به معنا
در روی تو شد سوره‌ی وَالشَّمْسِ هویدا
آوازه‌ی تشبیه تو خَلَقاً به محمّد..
بوده‌ست به کردار و به گفتار زبانزد
ای سرو دل آرا و دلآرام، علی جان
نام تو چو قند است به هر کام، علی جان
ممسوس به ذات احدیت دل و جانت
تکبیر تو دل می‌برد و لحن اذانت
آیات رجزخوانی تو شور به پا کرد
از میمنه تا میسره در دشت چه‌ها کرد
طوفان تو در دشت بلا کرد قیامت
شمشیر تو از خشم خدا داشت روایت
بس کشته فتاد از اثر تیغ تو از پا
شد پهنه‌ی آن دشت ز خون چون لب دریا
باید که به اشک غم او دیده بشویم
از مقتل اکبر دو، سه خط روضه بگوییم
تا گفت علی ابن حسین ابن علی‌ام
اصلم به نبی می‌رسد و جان ولی‌ام

از بارش تیر از همه سو گشت پریشان
می رفت که ملحق شود او هم به شهیدان
یک کوچه در آن همهمه وا شد چو مدینه
شد پیکرش آماج دو صد تیغ، ز کینه
تا سرو رشید از فرس افتاد به میدان
با ناله فقط گفت: «أَبَةُ» «یا أَبَةُ» از جان
در لشکر جراحه تنش گشت گرفتار
آمد که رهایش کند از آن همه آزار
جاری شده خون از سر او، روی جبین بود
قرآن حسین، آیه به آیه به زمین بود
ای مصحف صدپاره‌ی شیرازه گسسته
برخیز... پدر آمده با قلب شکسته
برخیز، عصای سر پیری پدر باش
برخیز و به او راحت جان، نور بصر باش
از گریه بلند است ز داغ تو صدایش
باید که کند جمع تنت را به عبایش

مثنوی شب هشتم

◀ حسین طاهری

خواندم برای وصف تو مدح ابوتراب
ای مرتضی قافله‌ی ماه و آفتاب
پیغمبری شمایل و حیدر خصایلی
دست تهی نرفته ز کوی تو سایلی
ممسوس در خدای یگانه شدی علی!
مثل حسن کریم زمانه شدی علی!
پا جای پای فاطمه آخر گذاشتی
تو طاقت غریبی من را نداشتی
گفتم عصای پیری من می‌شوی علی
حالا که بی‌کس است پدر می‌روی علی
خیری پس از تو نیست علی جان برای من
ای کاش من به جای تو بودم تو جای من
زانوی من برای کسی خم نشد ولی
حالا به پیش جسم تو زانو زدم علی
با هر علی علی که به روی لبم نشست
با خنده دشمن تو نشانم دهد به دست
بابای پیر را به تمنا کشیده‌ای
حرفی بزن مگر تو ز من دل بریده‌ای
دشمن به حاجت دل خود عاقبت رسید
آخر صدای داد مرا در غمت شنید
بنگر نمی‌شود دلم آرام در غمت
رحمی نما چگونه کنم جمع پیکرت

تکه به تکه از تن تو روضه‌ای جداست
پهلوی شبیه فاطمه، سر مثل مرتضی‌ست
جسمت شبیه فاطمه گشته به هر نظر
آه از غمی که تازه شود با غم دگر
یک کوچه در مدینه و یک کوچه کربلا
آتش کشیده جان مرا داغ کوچه‌ها
دنبال گوشواره در آن روز مجتبی
امروز در پی تن تو کلّ خیمه‌ها
چیزی ز پیکر تو نمانده برای من
از تو خلاصه‌ایست به روی عباي من
صورت به روی صورت تو می‌نهم علی
چیزی نمانده تا که منم جان دهم علی
با ذوالجناح تا برسم پیش پیکرت
عمه رسیده پای پیاده به محضرت
خوش غیرتم به حالت عمه نظر نما
برخیز چاره‌ای تو به حال پدر نما
پنجاه سال سایه‌ی او را کسی ندید
حالا نشسته در وسط لشکری پلید
داغی که در عزای تو دیدم به یک طرف
خاکی شده‌ست چادر دردانه‌ی نجف
چشمم به زینب‌ست و به روی لبم علی
گریه کنم برای تو یا زینبم؟ علی
دنیا به انتهای خودش داشت می‌رسید
بابای خسته، دل ز جوانش نمی‌برید

سبط نبی که جان به لبانش رسیده بود
زینب قسم به موی پریشان خود نمود
آشفته می‌کنم به خدا موی خویش را
گر با من خمیده نیایی به خیمه‌ها
از گریه‌ی تو آمده جان بر لب همه
داری ز دست می‌روی ای جان فاطمه

چهارپاره شب هشتم

◀ وحید عظیم پور

ارباً اربا یعنی پا نشی دیگه
عصای دست بابا نشی دیگه
یه جوری بپاشه از هم بدنت
که رو دست بابا جا نشی دیگه

ارباً اربا یعنی کینه رو بیاد
شمشیراشون تا روی ابرو بیاد
یه جوری داغتو رو دل بذارن
که بابات سمت تو با زانو بیاد

ارباً اربا یعنی پرپرت کنن
تیغا رو راهی پیکرت کنن
ارباً اربا یعنی اکبر باشی و
دشمنها هزار تا اصغرت کنن

ارباً اربا! یعنی پاییزت کنن
کشته ی شمشیرای تیزت کنن
بعد از این که تیگه تیگه کردنت
بشینن دوباره ریز ریزت کنن

ارباً اربا! یعنی زیر جوشنت
پاره پاره بشه حتی پیرھنت
وقتی نیزه ها میکوبن بشینه
روی هر کدوم یه تیگه از تنت

ارباً اربا یعنی اونقد بززن
که زنا ناله ی ممتد بززن
پسرت رو جلوی چشمای تو
بززن بد بززن بد بززن

ارباً اربا یعنی نزدیک فرات
پسرت رو بکشن جلو چشات
بشینی گریه کنی گریه کنی
دشمنات هو بکشن به گریه هات

ارباً اربا یعنی اکبر دیگه نیست
أشبه النَّاس به پیمبر دیگه نیست
ارباً اربا یعنی بعد از این داداش
رو سر خواهرا معجر دیگه نیست

غزل شب نهم

◀ عاطفه جوشقانیان

نسیم آمده با سوزِ آهِ سرد به خیمه
نمانده است به جز رنگ و روی زرد به خیمه
شتافت سمت فرات و سکینه در دل خود گفت
کمی بنوش عمو! تشنه برنگرد به خیمه
همین که تیر به مشکش نشست، شد متحیر
نگاه کرد به مشک و نگاه کرد به خیمه
همینکه تیر به چشمش نشست هلهله برخاست
حواس تیر به مرد و حواس مرد به خیمه
نگاه کوه به سوی خیام مانده مبادا
نگاه چپ بکند باد هرزه گرد به خیمه
عمو، عمود حرم بود و با تمام وجودش
نمی گذاشت جسارت کند نَبَرَد به خیمه

غزل شب نهم

◀ وحید دکامین

ای عیان در روی ماهت آفتاب
ساقی طفلان پور بوتراب
نُه فلک در آسمان‌ها تا سحر
روشنایی از تو کرده اکتساب
«ابر و باد و ماه و خورشید و فلک»
می شود لب تر کنی پا در رکاب
چشمه‌ی آب بقا را خاستگاه
زندگانی چیست بی تو؟ جز سراب
عبد صالح، ای مطیع امر حق
سر آیات الهی در کتاب
اجر آنها که تو را زائر شدند
فوقِ اِحْصاء و شمارش از ثواب
در دل عشاق تو در روزِ حشر
با «گفانا» نیست هرگز اضطراب *
باب حاجات دو عالم الدخیل
ای کفیل هر دعای مستجاب
ای پناه خیمه‌گاه شاه دین
حضرت ماه، ای قمر، عالیجناب
در تلطّی اصغر شش ماهه است
چشم بر دستان تو دارد رباب
اذن میدان رفتن از مولا گرفت
سینه‌اش بود از غم طفلان کباب

در میان آن سپاه بی‌شمار
کرد راهی تا شریعه انتخاب
گفت تکبیر و به رزمی آشکار
زد شرر بر قلب دشمن چون شهاب
تا که چشمش خورد بر آب فرات
این چنین با نَفَس گفت او با عتاب:
دست تو آب روان را لمس کرد
می‌کشد از تشنگی مولا عذاب
مشک‌ها بر دوش کم کم می‌رسید
از شریعه تا به خیمه، با شتاب
در هجوم تیرها و نیزه‌ها
چون سپر می‌خورد زخم بی‌حساب
تا که تیر آمد به قلب مشک‌خورد
کرد پای او ز رفتن اجتناب
چشم او با تیر و خون تا بسته شد
ناامیدانه ز خجالت گشت آب
آن چنان بر پیکر او تاختند
استخوان‌های تنش شد آسیاب
تا تو بودی هیچ‌کس جرأت نداشت
دست زینب را ببندد با طناب
روی نی بودی کنار محملش
کربلا تا کوفه و شام خراب

بعد تو آقا سری در بین طشت خیزران می خورد در بزم شراب



* یا امیرالمؤمنین! کفانا لِأجلِ هذا المَقامِ الیَدانِ المَقْطُوعَتانِ مِن ابْنی العَبَّاسِ؛ ای امیرمؤمنان! دو دست بریده پسر عباس، برای ما در مورد مقام شفاعت کافی است.

غزل شب نهم

◀ میتراسادات دهقانی

جز غم ندیدم در نگاه آخرش چیزی
حتی نماند از مشک‌های پیرپش چیزی
در آتش این شرمساری سوخت حتی باد
با خود نیاورده ست از خاکسترش چیزی
آن ساقی لب‌تشنگان با چشم خونین دل
بارید و بارید و نماند از ساغرش چیزی
خم شد زمین افتاد کوه قامتش ای داد!
خم شد نماند از شانهای پهناورش چیزی
از هر طرف تیغ و عمود و نیزه می‌آمد
سربسته می‌گویم نماند از پیکرش چیزی
هم ابر و باد و هم مه و خورشید می‌گریند
دیگر نپرس از چشم‌های خواهرش چیزی

غزل شب نهم

◀ وحید عظیم پور

هر بنده اگر رو به خدا داشته باشد
حق است تو را قبله نما داشته باشد
بی دانه هم از دام تو جایی نپریدم
این عشق محال است هوا داشته باشد
ماندن در این خانه به ما می رسد و بس
حق است که نان خورده وفا داشته باشد
از در زدن ممتد ما خورده نگیرید
خوب است گدا هول و ولا داشته باشد
آن عشق قشنگ است که عاشق بدهد جان
معشوق ولی ناز و ادا داشته باشد
روزی خور شاه نجفم، کاش همیشه
رزاق به مرزوق عطا داشته باشد
آن خانه که اهلش نبرند اسم علی را
آن خانه محال است صفا داشته باشد
بستم در دل را به روی بازی دنیا
تا خوب غم کرب و بلا داشته باشد
ای شاه سفارش به ابا الفضل خودت کن
یک نیم نگاهی سوی ما داشته باشد
افتاد دو دستش به زمین تا که بگوید
کی دیده که یک دست صدا داشته باشد
با تیر عمو را به حرم بدرقه کردند
ای وای اگر قوم جفا داشته باشد

چشمان ابالفصل حیا داشت ولی حیف
از حرمله دور است حیا داشته باشد
سخت است برادر برسد پای برادر
از درد ولی قد دوتا داشته باشد

غزل شب نهم

◀ وحید عظیم پور

گفت جز ما رو نکن سوئی دگر گفتم به چشم
با خبر از ما وز عالم بی خبر، گفتم به چشم
گفت من عَشَّقْتُهُ فَتَلَّنُهُ گفتم چه خوب!
گفت تو عشق منی خون کن جگر، گفتم به چشم
گفت عاشق هدیه بر معشوق خود می آورد
گفتمش من چه بیارم؟ گفت سر، گفتم به چشم
گفت ای سرمست کارت چیست گفتم ساقی ام
گفت آبی بهر طفلانم بیر، گفتم به چشم
مادرم ام الوفا بوده ست، این دانست و گفت
مشک را پر کن خودت عطشان گذر، گفتم به چشم
دید دندان تیز کرده تیغ دشمن بهر مشک
گفت دستت را برایش کن سپر، گفتم به چشم
دستم افتاد و گره از کار مشکم وانشد
گفت با دندان گره واکن پسر، گفتم به چشم
گفت جای بچه های فاطمه، گفتم به دل
گفت جای رفتن تیر خطر، گفتم به چشم
گفتمش من پیش مرگ شیرخوارت، گفت آه
می خورد اول کجا تیر سه پر؟ گفتم به چشم
گفت از بس چشم گفتمی چشم هایت چشم خورد
چشم هایت را بیوشان از نظر، گفتم به چشم
گفتمش اعجاز از من بر می آید امر کن
گفت خواهم از سرت شق القمر، گفتم به چشم

گفتمش من ساقی لب تشنگانم گفت پس
نیزه‌های تشنه را بر جان بخر، گفتم به چشم
گفتمش من غیرت اللهم، عزیز الله گفت
گریه کن بر دختران در نظر، گفتم به چشم
آخرش هم گفت چشمت را به روی نی ببند
تا که زینب را نبینی در گذر، گفتم به چشم

مثنوی شب نهم

◀ وحید عظیم پور

نماز نافله‌ات را تمام کن ساقی
نظر به هول و ولای خیام کن ساقی
جماعت است تو قد قامت الصّلات بگو
اذان تشنه‌ی ما را لب فرات بگو
تو که مکبر تکبیرة الحسین استی
تویی که دست نداری چه قامتی بستی
تو در خدات خودت را چه خوب حل کردی
رکوع رفته‌ای یا مشک را بغل کردی
کنار علقمه یک ذره کم سجود بیا
بیا و لا اقل آرام‌تر فرود بیا
فدای نافله‌ی ظهرهای عرفانیت
عمود خورده چرا رد مهر پیشانیت
بخوان تشهد با چشم خونی و گریان
سلام کن به خدا مشک برده بر دندان
قبول باشد ابالفضل دست و پا زدنت
که زیر نیزه و شمشیر ریز شد بدنت

مثنوی شب نهم

فاطمه محمودزاده

ای یل ام‌البین، ای ساقی دشت بلا
ای علمدار حسین ای مظهر جود و سخا
ای که از شرم لب تو، آب شد در خود فرات
موج دریا سر به زیر انداخت پیش دست‌ها
ساقی اطفال عطشان بودی و مشکل‌گشا
تشنگانِ خیمه را بودی پناه و جان‌فدا
گوش بر فرمانِ حق بودی و تسلیمِ امام
جز به امرِ او نرفتی در مسیرِ این قیام
شمر آمد با امان‌نامه، به سودای فریب
تا جدا گرداند از یاری حق، دست حبیب
خشمگین گشتی و گفتی: ای تو ننگِ عالمین
من جدا هرگز نگردم یک دم از مولا حسین
زینب از خیمه نگاهش بر تو و بر قامتت
اشک می‌ریزد به یاد حیدر و این غیرتت
کودکانِ تشنه لب در اضطراب و التهاب
مشک بر دوشش کشید آن ساقی پا در رکاب
آمد آن دردانه‌ی ارباب با یک آرزو
خسته جان و تشنه ام، ای ساقی خوبان، عمو
بوسه زد بر گونه اش، گفتا بمان ای نازنین
می‌روم آب آورم، ای غنچه‌ی دشتِ حزین
مشک بر دوش و علم در دست آن شیرِ خدا
سوی دریا راند اسبش، در دلِ کرب و بلا

چون رخ اصغر به یادش آمد و سوزِ عطش
آب را بر آب ریخت، آتش به پا شد در دلش
موج آب آمد به سویش، کرد با دریا وداع
تا نماند تشنه لب، مولا حسین در این نزاع
شد جدا دستش که گردد تکیه‌گاه عالمین
تا نگردد شرمسار از روی مولایش حسین
تیر بر مشکش نشست و شد امیدش ناامید
بانگ «آدرک یا آخا» بر گوش آقایش رسید
دید چون صدپاره بر خاک بلا آن قرص ماه
شد جهان تیره به پیش دیده‌ی گریان شاه
بعد آن کوهی که سد فتنه بود و تکیه‌گاه
دست طوفان شد پناه غنچه‌های بی‌پناه
زینب از داغ برادر، قامتش گردیده خم
خون دل می‌بارد از چشم عزیزان حرم

ترجیع بند شب نهم

◀ وحید عظیم پور

شب شب مستان ابوفاضل است
ساقی میخانه ابوفاضل است
ای گره‌ی کور بیا کربلا
کار به داستان ابوفاضل است
پشت در خانه‌ی ام البنین
دست گدا نان ابوفاضل است
گره گشای شه کربوبلا
صورت خندان ابوفاضل است
ترس نداریم ز هر مدعی
میدان میدان ابوفاضل است
پشت وطن گرم به این هیبت است
ایران ایران ابوفاضل است
زینبیون هم دلشان گرم به
ذکر حسین جان ابوفاضل است
داغ ترین شعار ما بیتی از
آذربایجان ابوفاضل است
هانسی گروهون بله مولاسی وار
شیعه لرین حضرت عباسی وار

سلسله در سلسله در سلسله
ابروی پیوسته‌ی بی فاصله
طرح تبسم روی لبهای ماه
شادترین لحظه‌ی این قافله
روز، دل آینه مشتاق او
مست نفسهای شبش نافله
زلف، سر راه نسیم حسین
هروله در هروله در هروله
شانه نگو بلکه بگو رشته کوه
تکیه نگو کاشف هر مسئله
اخم نگو داغ تراز آفتاب
غضب نگو رعشه تراز زلزله
چشم نفوذنده‌ی عباس ما
فیصله داده‌ست به هر غائله
بود ابالفضل برای حسین
یک دله‌ی یک دله‌ی یک دله
هر چه که خوبان همه دارند را
داده خداوند به این شاکله
هانسی گروهون بله مولاسی وار
شیعه لرین حضرت عباسی وار

دلخوش آنم که دلم دست اوست
شادی ام از اوست و غم دست اوست
باب کرم بود اگر مجتبی
کلید این باب کرم دست اوست
روزی من روزی اولاد من
روزی مادر پدرم دست اوست
دادسرا دست ابوفاضل است
بین همه حکم و حکم دست اوست
لوح و قلم دست حسین است و بس
کتابت لوح و قلم دست اوست
قبل حسین رو به ابالفضل کن
اذن دخول به حرم دست اوست
شکایت از ظلم به عباس کن
شکستن پای ستم دست اوست
می شکنند گردن کفار را
خاطرتان جمع علم دست اوست
کربوبلا بین همه اهل بیت
بیشترین نوحه و دم دست اوست
هانسی گروهون بله مولاسی وار
شیعه لرین حضرت عباسی وار

ام بنین ای زن شیر آفرین
به اینچنین تربیت آفرین
داده خدا پر به ابوفاضلت
می پرد اندازه ی روح الامین
هدیه نشانی ست برای عزیز
هدیه ی تو بود ولی بهترین
هدیه ات انگشتر خوش نقش بود
حیف شکستند ز رویش نگین
اهل جفا یار وفا را زدند
ضرب عمودی به سرش آهنین
داغ حسین ابن علی تازه شد
برادر افتاد چو روی زمین
ماه من است او نکشیدش زمین
آن من است او نزنیدش چنین
نقشه کشیدند برای حرم
بر سر آن غیرتی مه جبین
قصه دگر قصه ی ناموس شد
دست درازی سوی پرده نشین

چهارپاره شب نهم

◀ وحید عظیم پور

بی علمدار بشیم همینه
شمر میاد پا میکوبه رو سینه
بی علمدار بشیم همینه
سرت به روی نیزه ها می شینه

بی علمدار بشیم همینه
رباب داغ بچه شو می بینه
بی علمدار بشیم سکینه
کبود برمی گرده تا مدینه

بی علمدار بشیم بد میشه
شمر جلوی دخترا سد میشه
بی علمدار بشیم بد میشه
رباب از بازار شام رد میشه

بی علمدار بشیم به زودی
حرم میره محله ی یهودی
بی علمدار بشیم به زودی
می شینه روی صورتا کبودی

بی علمدار بشیم آه از غم
میون شام میشه قد خواهر خم
بی علمدار بشی آه از غم
زینب میره مجلس نامحرم

بی علمدار بشیم واویلا
رباب میره بزم شراب با لایلا
بی علمدار بشیم واویلا
هم میشه بی پسر رباب هم لایلا

بی‌علمدار بشیم دل خونه
دست درازی به حرم آسونه
بی‌علمدار بشیم دل خونه
رقیه میشه راهی ویرونه

بحر طویل شب نهم

◀ وحید عظیم پور

این امان نامه را بگیر
تا به پاس این امان
در امان بمانی از سیوف و از سنان
چشم را به ما بگو
تا برای چشم تو
حرمله نیاورد کمان
این امان نامه را بگیر
و با برادران خود
از زمین کربلا برو
از حسین
هیچ چیز
جز بلا
به شما نمی‌رسد
ولی یزید
در تمام گنجه‌های زیورش گشوده است روبروی تان
آفت است از حسین هرچه می‌رسد
از حسین غیر دردسر چه می‌رسد
ماه هاشمی نسب
در تقابل حسین با یزید
پای خویش را بکش عقب
حساب تو
از حساب او جداست

لحظه‌ای سکوت شد
 و چشم‌های نافذالبصیره‌ی علم به دوش کربلا
 ناگهان سکوت را شکست
 من ابوالفضایلم
 من فقط به سمت قبله‌ی حسین مایلم
 من ابوالفضایلم
 حسین کشتی نجات
 و من برای این سفینه‌ی النجات ساحلم
 من ابوالفضایلم
 من به فیض پارکابی حسین نائلم
 خاک حیدر است شاگله‌م
 پاسبان خیمه‌های هاشمیه‌ام
 من ابوالفضایلم
 حرف دشمنان حق
 جز دروغ نیست
 امان دشمن خدا
 جز فریب نیست
 شما دروغ گفته‌اید
 امان نامه می‌دهید
 ولی پس از امان
 امان نمی‌دهید
 به جنایت همیشگی‌تان ادامه می‌دهید
 ولی کلام من
 هم مسیر با حقایق است
 وعده‌هام حق مطلق است
 همیشه صادق است

من ابوالفضایلم
کاشف الکروب سرورم حسین
غصه‌هاش را
چاره می‌کنم
آن امان‌نامه را
وا نکرده پاره می‌کنم
تا که زنده‌ام
امان به دشمن برادرم نمی‌دهم

یزید اگر درستکار بود
راه آب را نبسته بود روی بچه‌های ما
یزید اگر درستکار بود
نمی‌کشید لشکر سنان و نیزه را به کربلای ما
یزید اگر درستکار بود
تیغ روی پیر و کودک و جوان نمی‌کشید
نقشه بر اسارت زنان نمی‌کشید
به روی طفل شیرخواره که کمان نمی‌کشید
یزید اگر درست بود
به بهانه حقوق هر بشر
تیغ ظلم را نمی‌کشید روی مؤمنین بی‌سپر

من ابوالفضایلم
تن به ذلت امان فاسقان نمی‌دهم
می‌برم امان ظالم و شرور را
به دشمن حسین امان نمی‌دهم

دست به حسین می‌دهم
ولی
پا به پای کوفیان
زیر ذلت امان نمی‌دهم
چشم می‌دهم ولی رفیق آن یزید کوردل نمی‌شوم
عمود می‌خورد سرم
ولی به زیر پرچم حرام لقمه‌ها نمی‌روم
تکه تکه هم اگر شوم
بر فراز نیزه‌ها
یا به زیر دست و پا
تکه تکه‌ام
داد می‌زنند
یا حسین

غزل شب دهم

◀ عاطفه جوشقانیان

ای دست خدا بر سر تاریخ، سرت کو؟
پیدا نتوان کرد تنت را، اثرت کو؟
دلخوش به که باشیم پس از رفتنت ای نور؟
والفجر جهان، می روی اما قمرت کو؟
آن سرخ ترین، سیب ترین شاخه کجا رفت؟
ای باغ خزان دیده، بگو برگ و برت کو
ای ماء مَعین، واسطه ی رزق دو عالم
لب های تو خشک است، نفس های ترت کو؟
هرکس که مرا دید بدون تو برادر
پرسید که: تنها شده ای، همسفرت کو؟
صد حنجره فریاد شدم تا تو بمانی
تاریخ نمی پرسد از این پس خبرت کو!

غزل شب دهم

◀ عاطفه جوشقانیان

ببین پشت سرت را ای همه آرامش زینب
که خواهر می دود، فاله خیز حافظاً بر لب
تپش‌هایم تپش‌هایم تپش‌هایم پریشان است
چه دارد می‌کند با قلب من هر گام این مرکب؟
تویی ذبح عظیم دین ابراهیم و در این دشت
به اسم دین تو را سر می‌برند این قوم لامذهب
چه می‌آید به روز این جهان بعد از غروب تو؟
کمر خم می‌کند بی ماه رویت آسمان امشب
زمین خونین، زمان غمگین، جهان عطشان، حرم حیران
ببین می‌سوزد از داغ وداعت خیمه‌ها در تب
قرار بعدی‌ام با تو میان قتلگاه اما
نمی‌دانم که بعد از تو چه می‌آید سر زینب

غزل شب دهم

◀ حسین حمیدی

پادشاهها کجاست پس گفت؟
کفنی بهر پاره‌های تنت
کفنی کو که پر کند شاید
جای خالی کهنه پیرهنت
پس چرا دست بر نمی‌دارند
چه مگر مانده از تو و بدنت
هر که از راه می‌رسد انگار
چشم دارد به خاتم یمنت
بشکند دست آن که با نیزه
زده این گونه بر لب و دهنت
بس که زخم است بر تنت حتی
جای یک بوسه نیست بر بدنت
آه از لحظه‌ای که شمر رسید
آه از وقت زیر و رو شدنت
لشکری ایستاده بود آن جا
به تماشای دست و پا زدنت
ناگهان مادرت رسید ای وای
پیکرت را برهنه دید ای وای

غزل شب دهم

◀ میتراسادات دهقانی

از روی تل شتاب زنان گریه می کند
زینب رسیده است و جهان گریه می کند
این سو سری به نیزه و آن سو تنی به خاک
گاهی بر این و گاه بر آن گریه می کند
پایان گرفته جنگ و به دستان حرمه
دارد هنوز تیر و کمان گریه می کند
پای سه ساله های جهان خار می رود
گهواره ای تکان به تکان گریه می کند
بعد از هزار سال غم خواهرت هنوز
بر روی بوم فرشچیان گریه می کند
راز نماز آخر تو چیست؟ که مدام
الله اکبرانه اذان گریه می کند

غزل شب دهم

◀ وحید عظیم پور

کشتی طوفان زده لنگر نگه دارد چطور
شاه بی کس اکبر و اصغر نگه دارد چطور
جسم عریان تو مانده زیر داغ آفتاب
ریگ داغ از شرم، این پیکر نگه دارد چطور
بر حصیر روستایی‌ها مگر جمعیت کنند
یک کفن یک جسم را پرپر نگه دارد چطور
مادرت دنبال خاتم بود در گودال، حیف
دست بی انگشت انگشت نگه دارد چطور
خیمه‌ها مثل حجابی بود بر اهل حرم
خیمه‌ای که سوخته معجز نگه دارد چطور
دانه دانه بچه‌هایت بین صحرا گم شدند
لشکر آواره را خواهر نگه دارد چطور
پشت هم می‌افتی از نیزه به روی خاک‌ها
چوب نازک، سنگ خورده سر نگه دارد چطور

غزل شب دهم

◀ وحید عظیم پور

دهم ماه حرام قمری ذبحش کرد
ثمر فاطمه را بی ثمری ذبحش کرد
خبر از عرش خدا داشت ولی بر روی خاک
یک نفر آمد و با بی خبری ذبحش کرد
هر چه گفتند پُر حوصله‌ی ما سر رفت
شمر با حوصله‌ی بیشتری ذبحش کرد
داشت از حجت اثنی عشری دم می‌زد
شمر با ضربه‌ی اثنی عشری ذبحش کرد
دم مغرب سر او راهی شامات که شد
ساربان آمد و وقت سحری ذبحش کرد

غزال شب دهم

رضا جوان بخت

دامن تکانده
در گوشه‌ی گودال پیراهن تکانده
از گندم ری
بر خوشه چین‌ها یک جهان خرمن تکانده
با کینه می‌زد
با چکمه‌اش بر صورت آینه می‌زد
هر ضربه‌ای را
با نیت بغض علی در سینه می‌زد
مسکین نواز است
باب کرامت بین این گودال باز است
انفاق می‌کرد
شاه جهان از هر دو عالم بی‌نیاز است
وقت اذان شد
گودی زیر حنجرش سهم سنان شد
در ظلمت شب
انگشتر و انگشت وقف ساربان شد
تشریح کردند
اعضاش را چون دانه‌ی تسبیح کردند
از ظهر تا عصر
با قتل او در قتلگه تفریح کردند
یک لا قباها
بردند حتی هم عبا و هم قبا را
افتاده آخر
در زیر دست و پای‌شان نعلین آقا

قرآن ناطق
عمامه‌اش افتاده در دستان سارق
تاج ملائک
تقسیم شد دارایی‌اش بین خلائق
رخت تنش را
کنند و بردند از تنش پیراهنش را
با نیزه برده
هر نیزه داری تکه‌ای از جوشنش را
رختش که کردند
هر تکه را بر روی یک سر نیزه بستند
تحت الحنک را
بردند و جایش در گلو سرنیزه کردند
با فتنه کشتند
با نیزه و سنگ و عصا و دشنه کشتند
نامرد مردم
بین دو نهر آب او را تشنه کشتند

مثنوی شب دهم

◀ وحید عظیم پور

مادر سلام، خانه‌ی خولی چه می‌کنی؟
ای گنج، در خزانه‌ی خولی چه می‌کنی؟
من آمدم درآرمت از گنج این تنور
با بازوی کبود، عزیزم، ولی به زور
مادر فدای چانه‌ی آتش گرفته‌ات
لب‌های خشک با سر نیزه شکفته‌ات
دست شکسته بر سر و رویت کشیده‌ام
خاکستر تنور ز مویت کشیده‌ام
با چوب یا وسیله‌ی دیگر بریده‌اند؟
این طور ناشیانه چرا سر بریده‌اند
پایت چقدر کار به دعوا کشیده؟ ها؟
روی لبان تو چه کسی پا کشیده؟ ها؟
بر روی حنجری که گل بوسه چیده‌ام
حالا دوازده اثر ضربه دیده‌ام
یک زخم نه، دو زخم نه، زخم لبالب است
این قدر نیزه خورده سرت نامرتب است
ای جان به لب رسیده بگو پیکرت کجاست؟
آن یار جان به لب شده آن خواهرت کجاست؟
او را به سوی کوفه پریشان می‌آورند
ناموس حق به ناقه‌ی عریان می‌آورند

چهارپاره شب دهم

◀ وحید عظیم پور

ذبح احکام متقنی دارد
آب باید دهی به قربانی
بعد هم رو به قبله اش بکنی
ذبح را پشت و رو نچرخانی

باید اول سر از تنش بپُری
بعد سلاخی اش کنی آن را
ذبح را با لگد نخواستانی
نشکنی زیر پات دندان را

خنجر کُند استفاده نکن
خنجرت را نکش به پشت سرش
سر بریده نشد به ضربه نَبْر
یا نباشد شلوغ دور و برش

سرِ مذبوح را جدا کردی
پای از روی سینه اش بردار
راحتش کن که دست و پا بزند
نیزه بر روی پهلویش نگذار

جلوی مادرش نَبْر سر را
جگرش پاره پاره خواهد شد
جلوی بچه هم نَبْر سر را
که دلش پُر شراره خواهد شد

اصلاً این ذبح نیست این نحر است
نحر هم باز دارد احکامی
دسته جمعی سر از تنش بُبرید
بکشیدش زمین به آرامی
نحر را نیزه نیزه اش نکنید
بگذارید یک نفر بزند
هر که بر روی زانوبش انداخت
نگذارید بیشتر بزند
تا که افتاد هلهله نکنید
بر تنش چوب یا عصا نزنید
بگذارید جان دهد اول
پوست را زنده از تنش نکنید

چهارپاره شب دهم

◀ رضا فراهانی

عطش و آفتاب و زخم زیاد
برده بود از حسین تاب و توان
اندکی ایستاد تا قدری
به تن خسته باز آید جان
سنگ‌ها بی‌امان رها و یکی
روی پیشانی‌اش فرود آمد
خون چنان روی چهره جاری شد
گویا بر سرش عمود آمد
پیرهن را گرفت بالا که
خون ز چشمان خویش برگردد
تا برای دفاع از اهلش
حمله بر خصم را ز سر گیرد
شد نمایان سپیدی سینه
حرمه تیر در کمان بگذاشت
آن سه شعبه برای انس و جان
ارثی از داغ جاودان بگذاشت
تیر بر قلب او همین که نشست
عالمی ایستاد از ضربان
تا که از صدر زین به زیر افتاد
ناله برخاست از زمین و زمان
تک و تنها، غریب و بی‌یاور
ماند بر خاک در دل گودال
نه توانی که باز برخیزد
نه سلاحی به دست بهر قتال

دور تا دور او کمان داران
تیرها سمت او رها می شد
تیر اندازها فزون ز شمار
تیر بالای تیر جا می شد

تیر اندازها که خسته شدند
وقت جولان نیزه داران شد
تن مجروح شاه روی زمین
بی سپر بود و نیزه باران شد

لشکر کوفه دوره اش کردند
چقدر بر تنش جسارت شد
بود زنده هنوز، وقتی که
از تنش هر چه داشت غارت شد

هر کسی داشت حربه ای در دست
با قساوت به پیکرش می زد
پیرمردی عصا به لب هایش
دیگری سنگ بر سرش می زد

در هیاهوی حمله ی اشرار
ناگهان شمر با شتاب آمد
عقده ها داشت در دل از حیدر
پی تسویه ی حساب آمد

خنجرش را که از غلاف کشید
کربلا تازه کربلا گردید
وای، از آن دوازده ضربه
سر چه سخت از بدن جدا گردید

کس نداند چه کرد بعد از آن
با تن او چهل سم مرکب
وای از عصر روز یازدهم
وای بر حال خواهرش زینب

نعل تازه چه کرد با جسمش!
بر تنش ده سوار وقتی تاخت
بند بندش چنان ز هم پاشید
دخترش هم جنازه را نشناخت

پیکر بی سرش سه روز و دو شب
مانده بر روی خاک صحرا بود
این سه روز آن چه می‌رسید به گوش
هق هق گریه‌های زهرا بود

وقت دفنش بنی اسد گفتند
چقدر نامرتب است این تن
بوریاپی برایش آوردند
حیف‌شان آمد از دو تکه کفن

دوبیتی شب دهم

◀ منصوره محمدی مزینان

حسین آرامش دل، نور عینم
به روضه هات یه عمره زیر دینم
چی داره اسمت انقد گریه داره
حسینم وا حسینم وا حسینم

دوبیتی شب دهم

◀ منصوره محمدی مزینان

بمیرم، زیر و رو کردن تنت رو
نبینم، روز تنها بودننت رو
چه جوری دیدم و باز زنده موندم
غم دزیدن پیراهنت رو

دوبیتی شب دهم

◀ منصوره محمدی مزینان

بمیرم شد تنت پامالِ پامال
کنارت، مادرت هی میره از حال
حسینم وا حسینم وا حسینم
چه جور ریختن سرت آخه تو گودال

غزل حضرت امام سجاد علیه السلام

◀ عاطفه جوشقانیان

چشم‌های دیگران خواب و تو بیداری هنوز
آفتاب صبحی و ماه شب تاری هنوز
گرم استغفار هستی از گناهانی که نیست
آخر ای ابر پریشان از چه می‌باری هنوز؟
ای غروبِ سرخ عاشورا طلوع گریه‌ات
کم غمت را درک کردیم و تو بسیاری هنوز
ماجرای خیمه آتش زد تو را خورشید من!
شعله شعله آه می‌سوزی، عزاداری هنوز
صبح و شب دشنام و شام از خاطرت بیرون نرفت
خنده‌ها در یاد تو، گریان بازاری هنوز
نیمه‌شب‌ها فکر طفلان یتیمی، ماه من!
مانده بر دوش تو از جدت علی باری هنوز

غزل حضرت امام سجاد علیه السلام

◀ محمدحسین مهدویان

چشم‌هایت دو رود شورانگیز، سینه‌ی غرق آتشت دریاست
لب خشکت - حدود سی سال است - وارث داغ‌های کرب و بلاست
کوهی از خاطرات شعله‌وری، آب هم می‌زند تو را آتش
اشک‌های مدام هر روزت، جلوه‌ی کُلِّ یومِ عاشورا است
تو علی هستی و شبیه علی، مرد میدان فتنه‌ها هستی
در هیاهوی کارزار نفاق، دست‌های تو ذوالفقار دعاست
هر قیامت شکوه افلاک است، هر قعودت شرافت خاک است
آسمان زاده‌ای و سجده‌ی تو سبب اتصال ارض و سماست
کربلا اوج لطف معبود است، پیش چشمان عارفانه‌ی تو
و تو هم مثل عمه‌ات زینب، هرچه آن روز دیده‌ای زیباست

غزل حضرت ام البنین علیها السلام

◀ وحید عظیم پور

پرپر شدند گل پسرانی که داشتم
آن چار پهلوان جوانی که داشتم
در کربلا عصای مرا خورد کرده اند
از دست رفته تاب و توانی که داشتم
یک شب سراغ ماه مرا سائلی گرفت
گفتم عمود خورد نشانی که داشتم
انگشتر بدون نگین مدینه ام
صد تکه شد عقیق یمانی که داشتم
گفتند از سر پسر موی نیزه ها
گفتم فدا حسین همانی که داشتم
گفتند از محاسن روی حسین من
صد ریش شد دل نگرانی که داشتم
ای کاش پا به زیر سرش می گذاشتم
مادر نداشت شاه جوانی که داشتم

غزل اصحاب

◀ عاطفه جوشقانیان / از زبان ام وهب عليها السلام

سر می‌دهیم تا که برایت سپر شویم
مانند شمع، پای غمت شعله‌ور شویم

از جانب مسیح به سوی تو آمدیم
تا با دمت شهید شده، زنده‌تر شویم

ما را مباد مثل طرّمّاح آمدن
در راه دوست کاش که آسیمه‌سر شویم

برکت مفصل است سر سفره‌ی غمت
حاشا اسیر زندگی مختصر شویم

ما کی در این مسیر سر از پا شناختیم؟
گیرم که در هوای تو بی‌پا و سر شویم

ما را پسر به کار نیاید بدون تو
ای کاش در رکاب شما بی‌پسر شویم

غزل اصحاب

◀ میتراسادات دهقانی

از بین انگشتان او تقدیر پیدا بود
لبخند اما بر لب یاران هویدا بود
بر گرد او اصحاب چون پروانه‌ای سرمست
چشم خدا آن لحظه را غرق تماشا بود
زینب نمی‌ترسید از تنهایی و گودال
شمشیر تا وقتی که در دستان آنها بود
همراه با مولای خود تا واپسین لحظه
در چشم مردان خدا این مرگ زیبا بود
از خوان دنیا جام زرین شهادت را
برداشتند و آری آن شربت گوارا بود
ای کاش حر قلب من سوی تو بر می‌گشت
این روسیاه ای کاش آنجا بود آنجا بود

غزل انتظار

◀ وحید عظیم پور

از شب گذر کن و به سراغ سحر بیا
یک روز صبح از دل آن خانه در بیا
افتادم از نفس، نفس تازه ای بده
من قاصرَم تو از پس این هجر بر بیا
ما سنگ ریزه ایم و تو سرچشمه ی زلال
از جرم سنگ ریزه گذر کن گذر بیا
بی تاب وصل گریه ی طفلانه می کند
اشک مرا نگاه کن و زودتر بیا
بر من که در بصیرت کورم نشسته ام
بگذار منی و دمی در نظر بیا
صحرائنشین فاطمه سامان بده مرا
به روبه راه کردن این دربه در بیا
من باد یاغی ام که به طوفان رسیده ام
چاره م فقط تویی تو نسیم سحر بیا
عطر شریف آمد و این روضه گر گرفت
از این به بعد هیئت ما بیشتر بیا
آقا به جان مادر پهلو شکسته ات
که مانده بود در دل دیوار و در بیا





نوحه زمينه

زمینه مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین حمیدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

به تو و لطف تو یه عمره که مدیونیم
من و این دل که با محبتت آباده
منم عمریه که به پات دخیل افتادم
یه نگاه کن به این که پای تو افتاده

می دونی چن وقته که دور از تو دلم پریشونه
دلیل این حال منو جز تو کسی نمی دونه
اگه تو هم ردم کنی هیشکی برام نمی مونه
شاهنشاه عرصات / دستم به دامت
یا قتیل العبرات / دستم به دامت
صاحب کشتی نجات / دستم به دامت

◀ بند دوم

می‌دونی که دلم با اسم تو آرومه
می‌دونی که من از همه به جز تو سیرم
نفسای منم شده به تو وابسته
شده حتی یه دم بدون تو می‌میرم
همه نفس‌های منو نذر تو کرده مادرم
تا میون سینه‌م نفس دارم گدای این درم
محاله که روزی هوای تو بیفته از سرم
از وقتی خاطرمه / من زیر پرچم
توو جمع سینه زمام / گریون این غمم
من با جونم تا ابد / پای محرمم

◀ بند سوم

تا میاد اسم تو همیشه هر جا هر وقت
چه قدر خوبه که چشم برات گریونه
همه‌ی دلخوشیم همین دو قطره اشکه
واسه دردای من محرمت درمونه
واسه‌ی من گریه برات عین نفس کشیدنه
می‌تپه قلم اسم تو علت این تپیدنه
تموم آرامش من اسم تو رو شنیدنه
با سمت پر می‌گیره / دل تا هوای تو
تا زیر سایه‌ی تو / تا کربلای تو
این بیتابی برا من / جونم برای تو

زمینه مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین خدای

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

غمگین تر از بارون / لبریز احساسم
من عشقو تنها با / اسمتو میشناسم

دنیای بی تو یه ارزن نمی ارزه
دستامو ول نکنی حتی یه لحظه
توی آغوش تو آرامش محضه

با تو چقدر زندگی شیرینه / حسین جانم
تویی همون رفیق دیرینه / حسین جانم
منو حرم ضریح شیش گوشت / حسین جانم
قشنگ ترین تصویر عشق اینه / حسین جانم

آقای من / تویی همه دنیای من

◀ بند دوم

شب‌های مهتابی / دلتنگ تو میشم
دلتنگ شش گوشه / قشنگ تو میشم

حسرت یعنی که بمونی توی غربت
یعنی باشه تو دلت شوق زیارت
گریه با عکس حرم یه کنج خلوت

عشق تو دنیا مو عوض کرده / حسین جانم
دور از حرم قلبم پر از درده / حسین جانم
یه کاری کن عاشقت جاموندت / حسین جانم
یه روز بیاد به خونه برگرده / حسین جانم
خونم کجاست / همه می دونن کربلاست

◀ بند سوم

پای غمت آقا / عمرم سر کردم
با روضه های تو / چشمام تر کردم

مقتل می‌گه تو رو تنها گیر آوردن
واسه کشتنت چقدر شمشیر آوردن
تشنه بودی ولی آبو دیر آوردن

سرت رو از قفا جدا کردن / حسین جانم
تنت رو رو خاکا رها کردن / حسین جانم
تو دست و پا زدی دم آخر / حسین جانم
یه عده ایستادن نگا کردن / حسین جانم
ای وای من / برات بمیرم آقای من

زمینه مناسب تمام دهه محرم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

واسه هر مصیبتی
یک بار گریه کردم
یک بار غم کشیدم
اونم زود از دلم میره

واسه ی مصیبتت
هر سال گریه کردم
هر بار گریه کردم
داغت جون تازه می گیره

نشونتو می زنم رو سینه م
لباس سیام زره جنگیمه
خیسه اگه چشمای مغرورم
نترسیدم! از رو دلتنگیمه

به تو وابسته ام من بی سامون
با تو آرومم بی تو سرگردون
که تویی لیلا لیلا لیلا
که منم مجنون مجنون مجنون

اباعبدالله یا اباعبدالله

◀ بند دوم

از مرام نوکرت
وادادن به دوره
زیر حرف زور
نامردی نمیره تا مرگش
وایسادم تا پای جون
پای اعتقادم
من با خونواده‌م
حتی پاش بیفته تا جنگش
خونه خرابم بشم باکی نیست
سرم بره اسم تو می‌مونه
چه خوب شد دنیا هم فهمیدش
به کی می‌گن آدم دیوونه
آره دیوونم دیوونت آقا
من بی‌طاقت من بی‌پروا
می‌زنم فریاد فریاد
یا حسین مولا مولا مولا
اباعبدالله یا اباعبدالله

◀ بند سوم

هر کسی هلهله کرد
تو قتلت شریکه
قتل پیکری که
زیر چکمه‌ها شده پامال

آخرش به یاری
این محنت کشیده
یک قامت خمیده
وارد میشه گوشه‌ی گودال

میگه بنیّ گل بی تابم
آب نخورد لعل آتش دارت
بعد یه عمر زندگی با عزّت
افتاد با کی سر و کارت

نفست رفته لب تو عطشان
به سرت نیزه به تنت پیکان
حرمت دلخون دلخون دلخون
بدنت عریان عریان عریان
اباعبدالله یا اباعبدالله

دریافت فایل صوتی



بند اول

پسر عمو مولا می و، یہ عُمریہ کہ بِنَدَّتَم
دلَم می خواست غوغا کنم، ولی حالا شرمندتم
شرمنده از اینم، کہ گفتم، بیایی
حالا کہ غریبم، حبیبم، کجایی

دارم می میرم خدا
چچور بگم آقا نیا
برگرد جان بچه ها

بند دوم

نیا عزیزِ فاطمه، عَلَیْهِنَّ این جا همه
بدجوری بی مَعْرِفَتَن، هر چی بگم بازم کمه
دعوتنامه هاشون، دروغ بود، حسین جان
حتی یہ نفر هم، باهات نیست، به قرآن

تمومشون نامردن
توو کوچه دوڑم کردن
غریب گیرم آوردن

◀ بند سوم

می ترسم آخر مثلِ من، سرت جدا شه از تنت
خدا نکرده کوفیا، سنگ بزَنن به بدنت

اینجا همه تِشَنن، عزیزم، به خونت
با نیزه و شمشیر، میفتن، به جونت

می کِشنت توو غربت
می کُشنت با نیت
نامردای بی غیرت

دریافت فایل صوتی



◀ بنداول

من اولین فدایی تم / آقا نیا به کوفه
فدایی آقایی تم آقا نیا به کوفه

نیا که حرفاشون دروغه
خورشید کوفه بی فروغه
نامردی توی ذاتشونه
بازار شمشیرا شلوغه

منو که تنها گذاشتن / وای به حال تو
رحم و مروت نداشتن / وای به حال تو
با لبای تشنه کشتن / وای به حال تو

◀ بند دوم

مردای اینجا نامردن / آقا نیا به کوفه
در و به روم وا نکردن / آقا نیا به کوفه

کاشکی می دونستم کجایی
نامه نمی دادم بیایی
با دخترات خدافظی کن
اینجا میاد بوی جدایی

می ترسم آخر اسپرشن / وای به حال من
تو بازار کوفه پیرشن / وای به حال من
از داغ تو زمین گیرشن / وای به حال من

◀ بند سوم

به خاطر علی اکبر / آقا نیا به کوفه
به خاطر علی اصغر / آقا نیا به کوفه

حرمه این جا در کمینه
گلوی اصغر و می بینه
شیرخوارها ت و یه وقت نیاری
گلت رو از ساقه می چینه

می گیره از گلت گلاب / آه و واویلا
تیر میشه جواب آب / آه و واویلا
می ریزه اشکای رباب / آه و واویلا

زمینه شب اول

◀ سیدمسعود احمدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

آزادم

تا به دام تو افتادم

به هوای تو دلدادم

نوکرت همه اجدادم

برس آقا به فریادم

من سینه می‌زنم پسر فاطمه / مددی

نذرت سر و تنم پسر فاطمه / مددی

دلدادت منم پسر فاطمه / مددی

امیدم

تویی صبح سپیدم

سمت تو من دویدم

طعم عشقو چشیدم

پای داغت خمیدم

آقا / مارو بخر

به کربلا / مارو ببر

آقا / مجنونتیم

ما رو ببین / گریونتیم

◀ بند دوم

غمبارم
نگا کن به دل زارم
تو بری دیگه بیچارم
توی صحرا من آوارم
بعد سقا علمدارم

زینب داره می‌گه پسر فاطمه / بیا برگرد
با اضطراب و ترس و با واهمه / بیا برگرد
میگن تموم نخلای علقمه / بیا برگرد

نگارم
همه دار و ندارم
بیا بازم کنارم
اگه روت و نبینم
چقدر بی‌قرارم

ای وای / بال و پرم
میری و من / کجا برم
ای وای / از بی کسی
می‌میرم از / دلواپسی

◀ بند سوم

دلگیره

آسمون داره می‌گیره

دل خیمه پیشش گیره

لحظه‌ای که نفس‌گیره

وقتی آقا زمین‌گیره

آه از دمی که نیزه اومد فرود / رو تنت

با هر سلاح و با هر چیزی که بود / زدنت

جز بوریا و خاک و حصیری نبود / کفنت

خمیده

شاه در خون تپیده

قاتل از راه رسیده

حنجرت رو دریده

خنجر لب پریده

آه از / آه حسین

راه خدا / راه حسین

آه از / آه حسین

رو نیزه‌ها / ماه حسین

زمینه شب اول

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

رسیده از راه / ماه غم تو
بوسه زدم دوباره من به پرچم تو
صفا گرفته / تموم این شهر
خداوشکر بازم دیدم محرم تو

کوچه ها / رخت عزات و پوشید
آسمون / میخواد برات بباره
خون تو / جاریه تا به ابد
همیشه موندگاره

با اجازه‌ی مادر تو
من با ناله‌ی خواهر تو
می‌خوام اشکامو هدیه کنم
واسه زخمای پیکر تو
ابی عبدالله

◀ بند دوم

پیچیده هرجا / نسیم ماتم
نوحه میخونه مادری با قامت خم
میگه بُتّی / آبت ندادن
مادره بمیره واسه ی لبای بچم
این دهه / فاطمه روضه داره
روی دست / پیرهنت و میاره
خون شده / قلب تموم عالم
آقام کفن نداره

بمیرم واسه حنجر تو
واسه رأس منوّر تو
روی نیزه سرت رو زدن
پیش چشمای خواهر تو
أبی عبدالله

◀ بند سوم

دلم گرفته / چشم پر آبه
دوری از حرم برام عین عذابه
نگاهی کن به / دستای خالیم
نظر به حال این گدا عین ثوابه

کربلا / دلیل اشک چشمام
حاجتی / جز حرمت نمیخوام
وقتی که / اسم ابالفضل میاد
دلتنگ مشک سقام

پیش چشمای مضطر تو
روی خاکه برادر تو
گریه کردی و خنده زدن
تا که پاشیده لشکر تو
ابی عبدالله

زمینه شب اول

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

ماتم گرفته، قلب و دلامون
حَى عَلی العزا داره می خونه بارون
کوچه به کوچه، نسیم ماتم
خداروشکر پیچیده باز بوی محرم

با ناله‌ی مادرش دوباره
قلب همه عالمین گرفته
ذرات زمین و آسمون‌ها
ذکر و دم یا حسین گرفته

حَى عَلی العزاء
حَى عَلی البُكاء
فی ماتم الحُسین
غریب کربلا
حسین

◀ بند دوم

بر تن عالم / رخت عزا شد
با ناله‌ی مادر تو روضه بپا شد

پیراهن تو / تو عرش اعلا س
این دهه روضه خون تو حضرت زهراس

میگه ولدی برات بمیرم
لب تشنه غریب گیرت آوردن
دست بافته‌ی من رو توی گودال
از تنت کشیدن چرا بردن؟

افتادی رو زمین
میون قتلگاه
صَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ
ذَبِيحٍ بِالْقَفَا
حسین

زمینه شب اول

◀ حسین خدای

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

غم نهفته توی اسمت
چشای نوکراتو تر کرد
نون حلال پدramون
بود که تو روضه ها اثر کرد

دوباره ماه / غمت اومد و بازم
زدم سر در قلبم سیاهی محرم
گرفته ماتم / دل عالم و آدم
یه مادر با قد خم / تو روضه میگیره دم

یا بُنَّی / قَتْلُوکَ، دَبْحُوکَ
و من الماءِ مَنَعُوکَ

◀ بند دوم

پیرهن عزا تنم کرد
بابام با دست پینه بسته اش
گریه تو روضه رو یادم داد
قربون اون دل شکسته اش

نمیره عشقت / حسین جان رو به سردی
من و با یه نگاهت / آقا دیوونه کردی
پای غم تو / چشمام کاسه ی خونه
شب جمعه ها زهرا / برات روضه میخونه
یا بُنَّتِی / قَتَلَوْکَ، دَبَّحَوْکَ
و مِنْ الْمَاءِ مَنَعَوْکَ

◀ بند سوم

مسیر روضه ات داره آقا
میره به سمت ته گودال
سخته برام روضه بخونم
تنت رو خاکه زبونم لال
سرت رو نیزه اس / جلو چشمای زینب
تنت مونده رو خاکا / به زیر سم مرکب
چقدر شلوغه / دور پیکرت آقا
زبون میگیره واسه ات / خود حضرت زهرا
یا بُنَّتِی / قَتَلَوْکَ، دَبَّحَوْکَ
و مِنْ الْمَاءِ مَنَعَوْکَ

زمینه شب اول

◀ رضا فراهانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

محرم آمد و بهار گریه و غم شد
ماه عزای اشرف اولاد آدم شد
چه شورشی به جان ذرات جهان آمد
چه محشر و قیامتی به عرش اعظم شد
کتیبه‌های محتشم دوباره پیدا شد
سر درِ خونه‌ها با بیرق تو زیبا شد
رنگ عزا زده غمت به زندگی هامون
گریه برای غربت تو روزی ما شد
حور و ملک برای تو گرفته ماتم
بساط اشک و آه و نوحه شد فراهم
ذکر لب همه شده: حسین حسین جان
نالهی فاطمه شده: حسین حسین جان
حسین من حسین من حسین جان

◀ بند دوم

دوباره هر پیر و جوون رخت عزا تن کرد
دنیا رو غربتت پُر از ناله و شیون کرد
تو روضه‌هاات زنده می‌شه هرکی دلش مرده
سیاهی‌های هیئتت عالمو روشن کرد
سینه‌ی عاشقات حسینی‌ی داغ توست
زخم دلم همیشه تازه از فراق توست
تشنه‌ام و هوای کربلا به سر دارم
دوای این عطش فقط، خاک عراق توست
نمانده در دلم دگر توان دوری
ندارم از فراق کربلا صبوری
تو کشتی نجاتی و چراغ راهی
تو پادشاهی و برای عالمی پناهی
حسین من حسین من حسین جان

◀ بند سوم

تنت به روی خاک‌ها زخمی و عریان است
سرت به روی نیزه همراه اسیران است
به شام و کوفه روضه‌خوان خواهرت هستی
سر بریده‌ی تو هم، قاری قرآن است
نگاه خسته‌ای به روی نیزه‌ای مانده
حسین برس به داد این یتیم درمانده
سخن بگو که طفل کوچکت پریشان است
محتضر است و با دم تو می‌شود زنده
رود ز دیده اشک زینبت چو باران
شنیده‌ام صدای آشنای قرآن
نبوده در خیال زینب تو حتی
روان شدن پی سر تو در بیابان
حسین من حسین من حسین جان

زمینه شب اول

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

ای کشتی نجات / دنیامه کربلات
با اذن فاطمه / مشکى می پوشم برات

سلام ای ماه دوست داشتنی

سلام ای پرچم دیدنی

سلام ای طبل و سنج و علم

سلام ارباب تو عشق منی

سلام ای محرم

سلام اشک نم نم

سلام نور پرچم

سلام ای محرم

◀ بند دوم

ای مصباحِ هدی / رمزِ قالوا بلا
غمتم مثلِ عسل، یا سیدالشهدا
غم عشقت چقد شیرینه
به دل و جونمون می شینه
هر کی دیوونه‌ی تو نشه
از دین خدا دورترینه
سلام قلب قرآن
سلام اصل ایمان
سلام ای حسین جان
سلام ای حسین جان

◀ بند سوم

اومد ماه عزا / بر پا شد روضه‌ها
روشن شهرمون، از نور کتیبه‌ها
چی شده / مادرش مضطره
به گمونم روز محشره
توی عرش / روضه می خونه و
حرف انگشت و انگشتره
میره توی گودال
زیر اسبا پامال
می شه بی پر و بال
بُنَّی بُنَّی

زمینه شب اول

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

از عشق تو دم می‌زنم / مقصود و هدف کربلا
مبتلای ماتم شدم / تو راه نجف کربلا
پیرن سیام و از دستای بابا علی
گرفتم و / پوشیدم
خدا گواهی از دوری محرمت
هزار دفه / پوشیدم
گریه‌هام رسیده به دادم
دستام و گرفت نخ پرچم
آرزومه تا که بمیرم
بین روزه‌های محرم

◀ بند دوم

ای سوره‌ی یاسین عشق / ماجرای شیرین عشق
آغشته به خون بلا / خونت شده تضمین عشق

شمیم عطر سیب آورده عطر تو
از کر بلا / شاه غریب
میوندار همه سینه زنا امام رضاس
با نوحه‌ی / یابن شبیب

رزق این دو ماه عزامون
می‌رسه از سمت خراسان
هر یه یا حسینی که میگم
از لطف توئه امام رضا جان

◀ بند سوم

خاطرات تو برگ به برگ / سرمایه‌ی من بعد مرگ
پیروزی من با توئه / توو روز هم آورد مرگ
من از خدا می‌خوام یک لحظه‌م جدا نشم
ازت حسین / تا دنیاس
رو قلب عاشقات حک میشه صل علی
کوه وفا / یا عباس

زندگیم تو دست اباالفضل
راه غم رو بسته اباالفضل
ما رو بنده‌ی خونه‌زاد کرد
ناز نازشصت اباالفضل

زمینه شب دوم

◀ سیدمسعود احمدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

اومده از راه / قافله با شاه
علم داره موج می‌زنه دست حضرت ماه
دلا گرمه برا این که سرحاله گل یاس
همه بچه‌ها شادن کنار عمو عباس
مشکا پر از آبه و / رقیه تو خوابه و
صورت طفل رباب / شبیه مهتابه و
می‌خونه یه خواهر شُکراًلله
سر تو سلامت یا تارالله
حسین جان حسین جان ابی عبدالله

◀ بند دوم

نوای خواهر / قسم به مادر
بیا که تا دیر نشده برگردیم برادر
دلم مضطر و بی تاب، از این که بشی تشنه
دوای تشنگیه، تو آخر بشه دشنه
تا نشده خیمه‌ها / طعمه اهل جفا
بیا بریم خونمون / که خائنن کوفیا
بیا تا نرفتی بین گودال
و جسم نحیفت نشده پامال
بریم و رها شیم از این جنجال

زمینه شب دوم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خورشید از کدوم طرف می تابه
دل ها توی سینه ها بی تابه
یک صحرا و کاروونی تنها
اینجا خاک ماتم اریابه

تنها اومدی
با زن و بچه چرا اینجا اومدی
تنها اومدی
غریبونه وسط صحرا اومدی
تنها اومدی
واسه مهمونی نامردا اومدی

صدا زد زینب کجایی داداش / چرا بوی غم میاد از این جا
با گریه گفتی به زیر لب هات / اعود بالله من الکربلا

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا

◀ بند دوم

خیمه‌ها یکی یکی برپا شد
دلشوره سهم دل مولا شد
با گریه اهل حرم رو می‌دید
شاه عشق به کربلا تنها شد

این‌جا کربلاست
چند روز دیگه تورو دورت می‌کنن
این‌جا کربلاست
دونه دونه گل‌هاتو از ته می‌زنن
این‌جا کربلاست
حتی پیرهن تو رو غارت می‌برن

پیاده شد با وقار عقيله / کنارش هستن اکبر و عباس
امان از روز آخر این‌جا / به دور زینب لشکر اعداس

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا

زمینه شب دوم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

از راه داره میاد
یه کاروان آه داره میاد
ستاره با ماه داره میاد
آبی عبدالله داره میاد
دلشوره و ترس افتاده توی دلا
تا زیر لب خوندی با غصه این نوا
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا
تا علم رو می کوبه سقا
شد شروع قصه از اینجا
خیمه ها همه گشته برپا
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا

◀ بند دوم

خوبه حال همه
الحمد لله جمعمون جمه
زینب میگه غصه نخور رباب
خدا رو شکر نزدیک علقمه
وقت نمازه و اکبر میگه اذن
خیره به گوداله اما اربامون
خون شده قلب خواهر دل نگرون
شاه عالمین گشته تنها
زیر لب میگه اِنَّا لله
آه از اون غروب عاشورا
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا

◀ بند سوم

می سوزه خیمه ها
آتیش می گیره معجر زنا
جلو نگاه مضطر حرم
رفته سر حسین به نیزه ها
با عزّت و با احترام اینجا رسید
بعد غروب عاشورا زینب خمید
دور و برش یک محرمی حتی ندید
آیه های کوثر می سوزه
چادرا و معجر می سوزه
روسری دختر می سوزه
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكَرْبِلا

زمینه شب دوم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دارم می بینم ناپیدایی
کجای این دشت و صحرائی
دارم می میرم از دلشوره / می بینم تنهایی
بین نیزه هاشون و / سر به آسمون کشیده
شیرخواره همراهمونه / رباب ترسیده ترسیده
بی پناه و دلگیرم / بیا برگرد
از سفر دیگه سیرم / بیا برگرد
بی حسین می میرم / بیا برگرد

◀ بند دوم

شکسته شد بغض خواهر تا
که خیمه ها این جا شد بریا
برای قلب مضطرب داداش / می خونم یا زهرا
تو و خاک این بیابون / منو غربت اسارت
از غربتت پر از خونه / دل، غم دیده غم دیده
خواهش دل زارم / بیا برگرد
غصه ی تو رو دارم / بیا برگرد
مثل ابر می بارم / بیا برگرد

◀ بند سوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ از جنجال و
از اون دمی که رفتی از حال
أَعُوذُ بِاللَّهِ از عاشورا / امون از اون گودال
تو خوابم نمی‌دیدم / ببینم رو نیزه‌هایی
ابر عطش توو آسمونه / لبات، خشکیده خشکیده
رو لبات به جای آب / پراز خونه
تو چشای زینب مو / چ بارونه
خواهرت پریشونه / هراسونه

زمینه شب سوم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

یه چند شبه میشه / خوابت و می بینم
تو رویاهام بابا / تو بغلت می شینم
دیدم تو خواب برا من / یک گل سر خریدی
موهامو شونه کردی / ناز من و کشیدی

دلتنگی ام حدی داره بابا

یه سر بزن به دخترت

نگاهی کن تو حال و روزم و

شدم شبیه مادرت

گله نمی کنم ولی بیا

اسیره این کبوترت

خرابه رو سُستم / با اشک ترم

آخه مهمون دارم / میاد پدرم

خوابم یا بیدارم / چشم یکم تاره

با سر رسیدی تو / لحظه ی دیداره

من رو ببخش بابا / دستم به دیواره

بابا حسین

◀ بند دوم

خیره به چشما تم / میون دستامی
ای سر بی پیکر / همیشه بابامی
خاکی شده موهات / سوخته بین موهام
از بس که راه رفتم / آبله زد پاهام
شیرین زبونیا م و یادته
حالا به لکنت افتادم
یه مرد بی ادب منو زده
هنوز نرفته از یادم
خبر داری تو صحرا گم شدم
نیومدی به امدادم
شکسته په لوم و / می سوزه سرم
خمیده دارم میرم / وای از کمرم
تو کوچه و بازار چقد زمین خوردم
من رو چه بد میزد سمت و می بردم
عمه نبود بابا صد دفعه می مُردم
بابا حسین

زمینه شب سوم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

باباجون کجا بودی دلم برات تنگ شده بود
سر گوشواره هام و النگو هام جنگ شده بود
جایی رو خوب نمی دیدم ولی درد و حس می کرد
صورت مثل گلم دیگه مته سنگ شده بود

انقده داد زدن بابا سرم درد گرفت
آخرش گوشوارمو زجر نامرد گرفت

باباجون من و بیخش / که دلم انقد پُره
می دونم به غیرتت / بابایی برمی خوره

بابا جون حسین حسین

◀ بند دوم

بابا جون بیا بین تو کودکی پیر شدم
مته مادرت منم زار و زمین گیر شدم
بس که تازیانه خوردم عوض آب و غذا
دیگه از زندگی کردن به خدا سیر شدم

یه شبی خواب بودم با لگد بیدار شدم
یه روزم کشون کشون راهی بازار شدم

بابا جون از چی بگم / که غمام بی شماره
ولی تا تو رو دیدم / دیگه پام درد نداره

بابا جون حسین حسین

◀ بند سوم

بابا جون راستی نگفتم از محله ی یهود
که محله شون پر از آدمای بی حیا بود
به جای تموم ما عمه همش کتک می خورد
روی ماه عمه جون شبیه من شده کبود
روی خاک نوشتم اسمت و با گریه هام
همش به عمه می گفتم بابام و می خوام
بابا جون خسته شدم / دیگه برگرد از سفر
تو رو جون فاطمه / من و با خودت ببر
بابا جون حسین حسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

کشون کشون آوردنم / تو مجلس یزید بردنم
تو اون هیاهو شد معجزم / آستین پاره‌ی پیرنم
از دست نگاهشون / کجا باید فرار کنم
خولی و سنان که هیچ / حرمله رو چیکار کنم
من فقط سه سالمه / که این همه نگاه دنبالمه
من فقط سه سالمه / که این کبودیا رو بالمه
مردم و زنده شدم به عالمه
موهات سوخت موهام سوخت
لبات سوخت لبام سوخت
انقده گریه کردم / چشم سوخت

◀ بند دوم

تصورش سخته یه کم / حراجی بازار شام
فرشته‌های مرتضی / تو کوچی‌ی پراز ازدحام
با اشکام صدات زدم / میون اون شلوغیا
داغ دلم رو تازه کرد / محله‌ی یهودیا
من فقط سه سالمه / که این جوری موهام و می‌کشن
من فقط سه سالمه / که بی‌بهبونه‌هی من و زدن
از رو نیزه می‌دیدى قشنگ من؟
سرت سوخت سرم سوخت
پرت سوخت پرم سوخت
انقده گریه کردم / دلم سوخت

◀ بند سوم

گفته بودم بابام میاد / که داره قلبم می‌زنه
به همشون نشونت میدم / این بابای قشنگ منه
دلم می‌خواد بشینم و / تا صب فقط نگات کنم
دست بکشم رو ابروهات / قد یه عمر صدات کنم
من فقط سه سالمه / گرد یتیمی روی شونمه
من فقط سه سالمه / که این کبودیا رو گونمه
غیرت مادرم تو خونمه
بریدی بریدم
خمیدی خمیدم
من آخر به وصال / رسیدم

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

مثلاً عزادارم / این چه استقبالیه
کی می‌گه کتک خوردن / درمون بی‌حالیه
کی به یه یتیم می‌گه / جای بابات خالیه
درسته که / این دردام / اراده‌ام و / محکم کرد
کور بشه / چشماتون / نگاهتون / خستم کرد
حاجیه خانوم بودم / الان سر بازارم
دیگه من و میشناسن / با این لباس پارم

◀ بند دوم

مثلاً همین دیروز / بچه‌ها تو کوچه‌ها
یه دفه هُلم دادن / سرم داد زدن تو نیا
تو که بی‌کس و کاری / یتیم کجا و ما کجا
بهم می‌گن / می‌لنگی / کبوده دست و پاهات
اگه با ما / هم بستنی / چرا سفیده موهات
زخم زبوناشونو / شنیدم و صبر کردم
منو ببر از این جا / من نمی‌خوام برگردم

◀ بند سوم

مثلاً الان خوبم / تو خرابه مهمونیه
چادری که سر کردم / همونی که می دونیه
کی میگه موهات سوخته / کی میگه لبِت خونیه
خوش اومدی / خورشیدم / کجا بودی / محبوبم
حال من و / می پرسی / تو خوب باشی / من خوبم
بده برام باباجون / این همه تنها باشی
باهات میام این دفعه / نمی دارم تنهائی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

تووی ویرونه‌ی شهر / یکی بود یکی نبود
صورت دختر تو / شده گنبد کبود
من پای / قرارمون موندم
اشکام و / از همه پوشوندم
رو نیزه / چشاتو تا بستی / قصه برات خوندم
بازم یادم افتاد / دلم بغل می‌خواد
لبات و بوسیدم / غمام رفت از یاد

◀ بند دوم

می‌رسه به آسمون / یه صدای زیر لب
با بابا حرف می‌زنه / تو سکوت نیمه شب
تا حالا / اصن کجا بودی
یک ماهه / ازم جدا بودی
جای این / که پیش من باشی / رو نیزه‌ها بودی
تو حسرت باباش / رقیه هم جون داد
من که بهت گفتم / دلم بغل می‌خواد

◀ بند سوم

واسه من مونده فقط / یه دعای مستجاب
توی بیداری نشد / می‌رسم بهت تو خواب
می‌ترسم / دردسر عمه
تقصیر / اشکای من باشه
می‌ترسم / ببوسمت بازم / زخم لب و اشه
آروم می‌شم وقتی / تو هم بیای پیشم
تو مهمونم می‌شی / من مادرت می‌شم

زمینه شب چهارم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

چشمامو وا کردم تورو دیدم
وقتی که می خندیدی خندیدم
من روز اول با نگاه تو
قلبم رو بخشیدم

هرجا تو بودی با تو بودم من
سخته جدایی از تو و رفتن
قربونیا مورده نکن داداش
فدا سرت هستن

خودم آماده شون کردم / بیان سرباز تو باشن
ببین شوق شهادت رو / نبین طفلن اینا مردن

جون خواهرت، بذار برن به میدون
بچه هام نرن، خودم میشم فداتون
حالمو ببین من زینم پریشون

أمیری حُسین و نَعَمَ الأمیر

◀ بند دوم

نجمه بین قاسم رو آورده
شهزاده‌ی لیلا برات یاره
زینب مگه بی لشکرِ داداش؟
چه لشکری داره

فرمان پذیرن مست و بی تابن
مرد نبردن مثل اصحابین
شوق شهادت توی چشماشون
غلامه اربابن

خودم میرم توی خیمه / تا که بفرستیشون میدون
ایشالا رو سفید شم من / بیفتن پای تو در خون

سهم زینبه، دو تا جوونم آقا
مادر شهید، بشم منم ایشالنه
غریبتو، نبینم یابن الزهرا
آمیری حُسین و نَعَمَ الأمیر

زمینه شب چهارم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

حالا که وقت وفاداری شده
پس چرا به بچه هام میگی نَرَن؟
سن و سالشون کمه ولی داداش
دوتاشون عین دایی هاشون یکن

یه طرف از نسل حیدر
یه طرف از نسل جعفر
دست به دست هم که میدن
دوتایی میشن یه لشگر

نذا شرمنده ی اکبرت بشن
بذا هدیه های خواهرت بشن
بذا تا فدایی سرت بشن

ای غریب حسین من حسین من

◀ بند دوم

حالا که جنگ به زنا حروم شده
پس بذار به جای من گلام بیان
به خدا که عاشق شهادتَن
غیر تو هیچی توو دنیا نمی خوان

یکی شون سرو و صنوبر
اون یکی شیر دلاور
دست به دست هم که میدان
دوتایی میشن یه لشگر

دوس دارم گلای پریرم باشن
یعنی دلخوشی مادرم باشن
دوتاشون فدای دلبرم باشن
ای غریب حسین من حسین من

◀ بند سوم

مگه خواهرت داداش مُرده باشه
که بذاره تو تک و تنها بشی
اگه افتادن زمین من نمیام
که مبادا تو خجالت بکشی

دیگه رفتن پیش اکبر
توی آغوشِ پیمبر
چشاشون لبریزِ شوقِ
برای دیدنِ مادر

الهی قریونِ اون چشات بشم
این جوری گریه نکن فدات بشم
فدای ترک‌های لبات بشم
ای غریب حسین من حسین من

زمینه شب چهارم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

ما دو تا زینب زاده / به دائی مون دل داده
دل از مو نازک ترمون / دنبالت راه افتاده

بعد اکبر دنیا خراب / شد روی

سرمون / دایی حسین

تو نذاری می مونه این / غصه رو

دل مون / دایی حسین

ما دو تا شرمنده میشیم / پیش مادر مون / دایی حسین

ما رو تنها نذاری بری

پس فدای تو شدن چی میشه

زندگی نوه های علی

بعد تو زندگی نمیشه

◀ بند دوم

ما دو تا نور راه / جعفر طیار هستیم
حرف مردونگی باشه وسط / حیدر کزار هستیم
تو فقط لب تر کن ببین / سربازات اومدن / دایی حسین
غیرتی که داریم بردیم / ارث از دایی حسن / دایی حسین
عشقه عشقه برات / تیکه تیکه شدن / دایی حسین
هر جا که کار به مو می‌رسه
قسم حضرت زهرا رو داریم
چادر خاکی واسطه مون
سر رو دامان تو می‌ذاریم

◀ بند سوم

وقتی که دیدن داداش / تو غریب و تنهایی
خون شون به جوش اومد اومدن / تا بشن عاشورایی
ببینن رخت اسارت و / دق می‌کنن می‌میرن / برادرم
ببینن خیمه و غارت و / دق می‌کنن می‌میرن / برادرم
ببینن بزم جسارت و / دق می‌کنن می‌میرن / برادرم
سهم خواهر اگر چه کمه
کل عالم به فدای حسین
زینب هر چی داره شده
نذر روی بچه‌های حسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شلوغه گودال / دل بی قرارم
عمه بذار برم دیگه / طاقت ندارم
عمو حسینم / غریب و تنهاست
باید برم ای عمه جان / تو گودی دعواست
ای عمو جون، دیگه تو رو بیچاره کردن
توی گودال، پیراهنت رو پاره کردن
کاش نبینم، حرم تو آواره کردن
سپرت و جاگذاری، من سپرت میشم عمو
حالا که پسر نداری، من پسر میشم عمو
واویلا عمو حسین

◀ بند دوم

از بعد قاسم / چشم انتظارم
غربتتو دیدم عمو / همش می بارم
وقتش رسیده / برات فدا شم
تنگه تو گودال اما / می خوام که جاشم
روی سینت، فدائیہ آخر شدم من
دست شکسته، دیگه مته مادر شدم من
پر کشیدم، برای تو بی سر شدم من
زیر سم مرکب شدم، مثل تو چه درهم عمو
توی بغلت جون دادم، تا نغن که بچم عمو
واویلا عمو حسین

زمینه شب پنجم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نمی‌تونم بینم گودال و
گرفته عمه چشمام و با دست
صدای شمره که داره میگه
هنوز زنده است هنوز زنده است

دستام و ول کن عمه
دیگه صبرم تمومه
اونی که زیر نیزه‌اس
هم بابام و عمومه

به سمت قتلگاه / دارم میام
پناه بی‌پناه / دارم میام
ای شاه بی‌سپاه / دارم میام
عمو حسین عمو حسین جانم

◀ بند دوم

شلوغه قتلگاه تو عمو
چقدر تنگه جات دست و پا نزن
رسیدم گفتم نامرد خنجر و
بزن به من بزن به من
پیش چشمای خسته‌ات
دست من رو دوتا کرد
از آغوشت عمو جون
خولی من رو جدا کرد
شدم یه دردسر / حلالم کن
میرم پیش پدر / حلالم کن
ولی بی‌بال و پر / حلالم کن
عمو حسین عمو حسین جانم

زمینه شب پنجم

◀ وحید عظیم پور

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

چه خبره توی میدون
وسط اون تیر بارون
میون اون همه ظلمت
داری می تابی عمو جون

همه دست به دست هم دادن که بکوبنت زمین ولی
تو زمین نمی خوری آخه خدا با توئه ابوعلی

تو ذکر خدایی و فراموش نمیشی
تو نور خدا هستی و خاموش نمیشی
پایان نداری و سرآغاز می مونی
تو پرچم حقی و سرافراز می مونی
یا نورالله یا اباعبدالله

◀ بند دوم

چه خبره ته گودال
که داره حق میشه پامال
حرم ما همه گریون
دشمنامون همه خوشحال
تیر و تیغ و نیزه می زنن که تو رو ذلیل کنن ولی
تو عزیز می مونی تا ابد خدا با توئه ابوعلی
وایسادی و عزت رو به تصویر کشیدی
تنهایی جلو ظالم شمشیر کشیدی
افتادی که خاک و به سر دنیا بریزی
پیراهنتم بردن و تو باز عزیزی
یا نورالله یا اباعبدالله

زمینه شب پنجم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

چه گرد و غباری! / چه دود عجیبی!
چقد تیر و نیزه! / چه بوی سببی!
خیلی بی قرارم / چه دلشوره دارم
نمی تونم اصلاً / طاقت بیارم

دیگه عموم و نمی بینم
نمی تونم اینجا بشینم
باید منم کاری کنم
برا بقای دینم

دارم میام عمو جون
بذار پیام تو میدون
کاری کنم کارستون
عمو عمو عمو جون

◀ بند دوم

الهی بمیرم / که رو خاک گودال
تن نیمه جونت / افتاده بی حال
چقد زخم شمشیر / چقد جای نیزه
بیا روی دوشم / بریم به خیمه
با همه تُوون می برمت
پیش عمه جون می برمت
حتی سَرمم بره تا
خیمه مون می برمت
کاشکی بباره بارون
روی لبات عمو جون
نفرین به این آسمون
عمو عمو عمو جون

◀ بند سوم

آهای قوم کافر / مگه دین ندارید؟
چرا پا به روی / قرآن می ذارید؟
آهای شمر ملعون / بکش پاتو از روش
نزن بی مُروت / نیزه به پهلوش
دست از عموم بر نمی دارم
به خدا که من نمی دارم
باید از نعش من رد شی
من نوهی کژارم
سرم فدای دلدار
شدم مَث علمدار
عمو خدانگهدار

زمینه شب پنجم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دلم، پر آشوبه / حرم، غم بارونه
خودم، این جا با چشم گریون / دلم، تو میدونه

عمه / زبونم لال یه وقت نیفته رو زمین

عمه / زبونم لال یه وقت نرن بالا سرش

عمه / زبونم لال یه وقت نیفته حرمله

به جون پیکرش

یه کم دیگه دووم بیار

عمه رو راضی می‌کنم

خودم میام فدات میشم

به روح بابا حسنم

◀ بند دوم

با دستای خالی / منم مرد میدونم
میرم با دستای بی جونم / عمومو برگردونم

عمه / خیالت جمع خودم میرم میارمش
عمه / خیالت جمع تمومه دیگه دلهره
عمه / خیالت جمع می بینی دیگه خنجرش
سر و نمی بُره

بدو بدو همین الان
برم به زنده‌ش می‌رسم
تو رو خدا بذار برم
به حرمت بابام قسم

◀ بند سوم

منم مثل بابام / سراپام آتیشه
جلو چشم من اسیر باشی / میدونی چی میشه

عمه / تو که دیدی بابام موهاش سفید شده
عمه / تو که دیدی مدینه رو تو اضطراب
عمه / تو که دیدی نذار که من بینمت
تو مجلس شراب

فکر اسارت حرم
آتیش به جونم میزنه
سراسر وجود من
غیرت بابام حسنه

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

می‌خوام برم تو حرف موندن نزن
ببین برات نوشته بابام حسن
نوشته وقتی اگه تنها شدی
پسرم هست فدات میشه جای من

بعد علی نمی‌تونم
میون خیمه بشینم
برمی‌خوره بهم عمو
غریب و تنهات ببینم

میرم / به زیر سم مرکب‌ها / به یاد کوچه و زهرا / به یاد زخم سینه
سوختم / به عمری از غم مادر / رسیده لحظه‌ی آخر /
اینجا شده مدینه

افتادم از پشت فرس
عمو به فریادم برس

◀ بند دوم

زره نداشتم من و سنگم زدن
پیرهن دامادی من شد کفن
بارون سنگ او مد تا وقتی گفتم
إِنْ تُنْكِرُونِي فَأَنَا بِنُ الْحَسَنِ

زیر سم اسبا عمو
له شده جسم لاغرم
عبات و بردار و بیار
منم ببر سمت حرم

میرم / به زیر سم مرکبها / به یاد کوچه و زهرا / به یاد زخم سینه
سوختم / به عمری از غم مادر / رسیده لحظه‌ی آخر /
اینجا شده مدینه

افتادم از پشت فرس
عمو به فریادم برس

زمینه شب ششم

◀ سید محمد رضوی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

من خودم، کفن تَتت کردم
نظر، به رفتنت کردم
کنون،

نشسته ام محو رد پاهایت
که مانده برجا از قد رعنایت

از آن عذار یاسمن
ز سوی آهوی ختن
چه شود گر یک صدا برسد
نفحات جانفزا برسد

چو ماه نورانی و
چو شیر طوفانی و
شکن اندر شکن زلف پریشان
پسر پور بطل
پدر شیر جمل
یل گردن شکن آمد به میدان

بین پشت سرت
چقدر دل آمده
همین دل کندنت
قلب مرا آتش زده

◀ بند دوم

تا پسر، به خاک صحرا خُفت
عمو، اشهد خود را گفت
پدر،

رسید از عرش و بین دستانش
گرفت آن کاکل پریشانش

از آن دو لعل خوش غزل
کز تَرکش چکد عسل
چو بگویی عمو مگر چه شود؟
دل من وا شود اگر بشود

چنین آهوی من
برِ زانوی من
مکش پا بر زمینِ رحمی به حال
تنت آتش فشان
نمانده استخوان
دگر بعد از علی طاقت ندارم

عسل در کام تو
شده با خون عجیب
شدی خس خس کنان
با چکمه‌ها نقش زمین

◀ بند سوم

گیسویت، به نیزه‌ها رقصان
تو را، برند حنابندان
چه زود،
تو قد کشیدی شاخه‌ی شمشاد
باز عبايم رسد به فریادم

به جای آینه اگر
به چشم تو کنم نظر
ز دلم می رود غم دنیا
پس چرا بسته‌ای تو چشمت را

ضریح خفته‌ای
مرا آشفته‌ای
غزل بودی کنون گشتی قصیده
به زیر نعل نو
همه بندبند تو
شده چون موم کندویی کشیده

فراق قاسم
چقدر مشکل شده
بیا زینب ببین
ماه‌م به زیر گل شده

زمینه شب ششم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شاگرد قمر بنی هاشم
به سوی بهترین عمل عازم
قاسم و قاسم و قاسم

به نام نامی حسین
به نام نامی حسن
میرم به جنگ اشقیا
میرم به جنگ تن به تن

حریف می طلبم
دلور نسبم
قلندر لقبم

◀ بند دوم

منم عصاره‌ی تموم پنج تن
رجز می خونم و می پوشم کفن
یا حسن و یا حسن و یا حسن

به اذن مرتضی علی
به اذن ماه علقمه
شمشیر می کشم برا
شادی قلب فاطمه

یلِ صف شکنم
عقیقِ یَمَنم
سفیرِ حسنم

◀ بند سوم

وارث جنگاوری حیدرم
فاتح قلب فاتح خیبرم
لشگرم و لشگرم و لشگرم

وقت خدا حافظیه
عمو بیا عمو بیا
شدم مئه موم عسل
به زیر سمّ مرکبا

شکست استخوانم
پر از خون چشم
میرم پیش بابام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دنیا چه دلگیره، دلم خونه، عزیزم
واسه لبه خشکت، دارم من اشک می ریزم

این جور نمی مونه، عمو میاد، ایشالا
گریه نکن مادر، بخواب عمرم، لالا لالا

آه، نفس نداری

مادرت بمیره

کاش دعا کنی تا

یکم بارون بگیره

با گریه دادمت به دست بابا رفتی
صدات زدم ولی علی چه بی صدا رفتی
تو خیمه منتظر نشستم تو کجا رفتی

علی علی علی لای لای

◀ بند دوم

دلشوره دارم من، توی میدون شلوغه
میگن تو رو کشتن، ایشالا که دروغه

زیر عبایی تو، داری میای با بابا
حتماً در گوشت، داره می خونه لالا

وای، عزیز جونم
غرق خونی مادر
کاش آبت می دادن
تا بمونی مادر

بزار یه بار دیگه ببوسمت ای جونم
چه جوری توی قبر با خاک تو رو بپوشونم
بعد تو من دیگه بریدمو نمی تونم

علی علی علی لای لای

زمینه شب هفتم

طاهره توحیدی فرد

دریافت فایل صوتی



بند اول

لالا لالا لالا لالا لالی

عزیز من گل شب بو لالی
چشات مثل چش آهو لالی
لالا لالا لالا لالی

لالا دردت به جونم
گلوت خشکه می دونم
چشات نایی ندارن
خوابیدی روی شونه ام

عمو رفته برامون آب بیاره
میدونم حرمله فکر شکاره
رو دوشش تیر غم داره همیشه
که چشمای سه شعبه اش سیر نمیشه

لالا لالا لالا لالی
عزیز من گل شب بو لالی
چشات مثل چش آهو لالی
لالا لالا لالا لالی

◀ بند دوم

غم عالم رسیده
بابا رنگش پریده
عمو شد غرق در خون
قد بابا خمیده

گل نازم چرا بیداری مادر
گمونم عزم میدون داری مادر
امامت رو یه وقت تنها نداری
که تو خوش غیرت و حیدرتباری

لالا لالا لالا لالا لالی
عزیز من گل شب بو لالی
چشات مثل چش آهو لالی
لالا لالا لالا لالی

◀ بند سوم

لا لا ریحون و نعنا
میره رو دست بابا
به هم میگن ملائک
چقدر مظلومه آقا

الهی حرمله دستت قلم شه
گلوی اصغرم بدجوری پخشه
ملائک قدر بچه ام رو میدونن
دارن دور سرش باهم میخونن

لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لایی
عزیز من گل شب بو لایی
چشات مثل چش آهو لایی
لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لایی

زمینه شب هفتم

گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



بند اول

آتیشم می زنه مادر
ترک های روی لب هات
می میرم وقتی می بینم
غم چشمت

خدایا بد گرفتارم
یه قطره ام شیر ندارم
داره می میره بچم
چه جور طاقت بیارم
لا لالا لالایی، داد از غم جدایی

بند دوم

یه کم طاقت بیار نازم
عموت رفته بیاره آب
بمیرم که دو سه روزه
شدی بی خواب

عموت خیلی جوون مرده
به من قول داده برگرده
ولی دل شوره گرفتم
آخه خیلی دیر کرده
لا لالا لالایی، داد از غم جدایی

◀ بند سوم

عمو جون برنگشت آخر
بابا اومد چشِ گریون
حالا تنها دعام اینه
بیاد بارون

قد بابا دیگه خم شد
بدون یار و همدم شد
عَلَى الْعَبَّاسِ وَأَوِيلَا
نوحه ی اهل حرم شد
لا لالا لالایی، داد از غم جدایی

◀ بند چهارم

الهی بشکنه دستش
چه جور آخه دلش اومد
یه تیری زد که جا در جا
گلم پرزد

بخواب ای غنچه ی بی سر
بخواب ای هستی مادر
منم پروانه تو شمعی
می سوزم می زنی پرپر
لا لالا لالایی، داد از غم جدایی

زمینه شب هشتم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خورشید از حرم درآمده
باز انگار پیمبر آمده
با هیبت به سمت معرکه / شبیه مرتضی
/ ز خیر آمده

شده خیمه ز رفتنش نالان
همچو یوسف که رفته از کنعان
علی اکبر قدم قدم می رفت
پدرش از قفا شده گریان

نور محفلم خداحافظ
عشق و حاصلم خداحافظ
میوهی دلم خداحافظ
می کشی مرا علی اکبر

◀ بند دوم

ای نور نگاه من علی
قوت سپاه من علی
تنهاتر شدم بدون تو / کجایی ای همه / پناه من علی

تا صدایم زدی بیا بابا
لحظه‌ای بعد کنارت افتادم
ارباباً اربا برابریم بودی
پیش جسم تو جان خود دادم

تکه تکه‌ای در این صحرا
چیدمت روی عبایم تا
خیمه‌ها رویم نمان اینجا
می‌کشی مرا یا علی اکبر

زمینه شب هشتم

◀ پوریا باقری

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نمیبینه هیچ جا رو این چشمای تارم
کجا زمین خوردی همه دار و ندارم
غبار می بینم صحرا رو / نمی بینم من هیچ جا رو
کجایی بابا / پسرم / دلشوره دارم
یه نفسی بکش / صدام بزن / بذار بشنوم صداتو
یه کاری کن بابا / نمی بینم / چرا هیچ جا ردّ پاتو
یه کمکی بده بابات و

از داغت

می سوزه پسرم جیگرم
وای وای وای
پسرم پسرم پسرم

◀ بند دوم

خدا میدونه رفت همه تاب و توونم
دارم میام، زنده بمون، دردت بچونم
چرا تنت پخشه رو خاکا / کی ارباً اربات کرده بابا
ای خوش قد و / بالا علی / ای پهلوونم
پاتو نکش زمین / دووم بیار / الان میارن عمام و
چشمات و هی نبند / علی علی / بابا می شنوی صدام و
پاشو ببین تنهایی هام و

واویلا

پسرم پسرم پسرم

تا خیمه

چه جوری تنت و ببرم

زمینه شب هشتم

◀ مهدی بُسحاق

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

الله اکبر

از داغ اکبر

أشهد أن لا اله الا الله

أشهد أن على أشبه النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ

ای یار باوفا

ای هستی بابا

پاشو از روی خاک

حَقَّ عَلَى الصَّلَاةِ

◀ بند دوم

صحرا معطر

رو خاکه پرپر

من گواهم که تو جون بابایی

ای عصای پیری من اکبر من ارباً اربایی

پاشو ای یاورم

پاشو ای لشکرم

آخه چه جور تنت

رو ببرم حرم

زمینه شب هشتم

◀ طاهره توحیدی فرد

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

توی مسیری / داری میری
که میشی آخر / غرق در خون
میون میدون / بی نظیری
که با تو دشمن / شده حیرون

نگات می‌کنم
بازم تماشات می‌کنم
چه قد و قامتی

نجوا می‌کنم
هی اسمت و صدا می‌کنم
عجب صلابتی

داری میری و / چشم به راهه
سر تا پام / همش نگاهه
بعد تو / عمرم چه کوتاهه

بعد تو / نفرین به دنیا
بعد تو / غم میشه پیدا
بعد تو / دل‌تنگ میشه بابا

عَلَى الدنیا بَعْدَكَ العَفَا
علی علی علی علی علی

◀ بند دوم

با هر شکارت / توی میدون
بلند می خونیم / با علمدار
لا فَتَى الْآلِ عَلِيٍّ
لا سَيْفٍ / الْآلِ ذَوِ الْفَقَارِ

شمشیر می زنن
سر و با تکبیر می زنن
چه استعاره ای

از عمد می زنن
چقد علی بد می زنن
چه دانه دانه ای

داری میری و / قدم خمیده
خوب ببین / موهام سفیده
دشمنم / بد بهم خندیده

بعد تو، نفرین به دنیا
بعد تو، غم میشه پیدا
بعد تو، دلتنگ میشه بابا

عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا
علی علی علی علی علی

زمینه شب هشتم

◀ حسین حمیدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

تو افتاده / من افتاده تر
نشستم بالا سرت با چشمای تر
پاشو عمه زینب و تا خیمه ببر
یه بار دیگه پاشو آبروم و بخر

تو غرق خون / منم نیمه جون
یه خورده دیگه کنار بابا بمون
بین با من گریه میکنه آسمون
یه بار دیگه پاشو آبروم و بخر

از زیر پلکای غرق خون می بینی؟
عالم رو با چشمای گریون می بینی؟
می بینی بابا رو سرگردون؟ می بینی؟

غم گرفته چشمامو
بین لرزش پامو
داغ تو علی بابا
سیاه کرده دنیامو

حالا کی تو این صحرا / می رسه به دادم تا
پس بگیرم از خاکا / گل ارباباً اربامو

◀ بند دوم

پیشونن / تموم حرم
چشات و وا کن بازم به چشم ترم
تو رو جون حال مضطر خواهرم
پاشو برگردیم حرم علی اکبرم

ببین دستام / می لرزه ببین
ببین بابات از رو مرکب افتاد زمین
یه بار دیگه پاشو و کنارم بشین
پاشو برگردیم حرم علی اکبرم

خون دل از چشمام روی خاک می شینه
می دونی داغ تو واسه من سنگینه
پاشو که دشمن داره ما رو می بینه
خشکی لبای تو دلم رو می سوزونه
هیشکی جز خدا حال دلم رو نمی دونه
دل بریدی از بابا / پرکشیدی و رفتی
حالا کل این دنیا / برا من یه زندونه

◀ بند سوم

غریبیم و / می بینی حالا
شده از بس پیکر تو از هم جدا
نمی مونه چاره ای به غیر از عبا
داری آتیش میزنی به جونم بابا

چه بی تابی / برا پر زدن
رو دستام اینجوری آخه پر پر نزن
یه لشکر داره می خنده به حال من
داری آتیش میزنی به جونم بابا

تو زخمی، تو بی جون، من بی تاب، من حیرون
کاشکی می شد برداشت جسمت رو از میدون
کاشکی می دیدی تنهاییم و باباجون

میری و نمی بینی رباب میشه آواره
روی نیزه ها میره سر طفل شیرخواره
میری و نمی بینی / عمه میشه سرگردون
میری و نمی بینی / حرم بین بازاره

زمینه شب هشتم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

پاره پاره‌ی تن تو ریخته دور و برم / پسرم
نمی‌دونی که چقد درد گرفته کمرم / پسرم
پاشو از روی زمین ببین که بابات داره / می‌میره
دست و پا نزن که داره می‌سوزه جیگرم / پسرم
جلو چشمام / قد و بالات / پُر از خونه
پاشو بابات / دیگه زنده / نمی‌مونه
علی جانم، علی جانم، علی جانم

◀ بند دوم

رو عمام جمع کنم پیکرت و تا ببرم / پسرم
تا دم خیمه همش میزنم روی سرم / پسرم
تو شهید اول قافله‌ای با داغت / چه کنم
چقد آشوب شده با غم تو بین حرم / پسرم
با داغ تو / دیگه روی / لبم جونه
پاشو بابات / دیگه زنده / نمی‌مونه
علی جانم، علی جانم، علی جانم

◀ بند سوم

تو چه جوری رفتی، حالا چه جوری اومدی / پسر
کاشکی با بابات دوباره یه کم حرف می‌زدی / پسر
تسلیت می‌گه یه لشگر به بابای پیرت / با خنده
حالا من موندم و این ناله‌ی «وا وُلْدی» / پسر

بدون تو / برام دنیا / یه زندونه
پاشو بابات / دیگه زنده / نمی‌مونه
علی جانم، علی جانم، علی جانم

زمینه شب نهم

◀ محمد ایزدیار

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

اینجوری نگام نکن دلم می ریزه
حرف رفتنت من و به هم می ریزه
اشک از چشم همه اهل حرم می ریزه
خاک غم رو به سرش خواهرم می ریزه
می خوای بری برو / ولی نگاه به اصغرم کن
می خوای بری برو / فقط فکری برا حرم کن
می خوای بری برو / داداش رحمی به خواهرم کن
ابالفضل / بدون تو بی پناهم
عزیزم / تویی تنها تکیه گاهم
امید / من و اهل خیمه گاهم
ابالفضل / ای علمدار من

◀ بند دوم

تا صدا زدی ایا حرم غوغا شد
نالهی عمو بیا روی لبها شد
دستای تو رو زدن سرت دعوا شد
ای پناه خیمه‌ها حرم تنها شد

پاشو برادرم / که بچه‌ها چشم انتظارن
پاشو برادرم / اینا رحمی به تو ندارن
پاشو برادرم / می‌خوان به خیمه پا بذارن

فدای / سرت، مشکت و دریدن
تموم / حرم بی تو ناامیدن
بمیرم / که دستات و هم بریدن
ابالفضل / ای علمدار من

زمینه شب نهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

قهرمان اباالفضل / پهلوان اباالفضل /
جاودان اباالفضل / یا عباس
آسمان اباالفضل / کهکشان اباالفضل /
بی کران اباالفضل / یا عباس
دل و دلداری / سر و سرداری
تو سپاه عشق / تو علمداری
فدای / آشکای بی آمونت
فدای / چشمای غرق خونت
فدای / حال پریشونت
اباالفضل / یا ابوفاضل مدد

◀ بند دوم

ای ستون محکم / اقتدار پرچم / علمت مُعظم / یا عباس
ای وزیر اعظم / در گرم مُکرم / شافع دو عالم / یا عباس
تو نور عشقی / غرور عشقی
صدای بانگ / حضور عشقی
فدای / وفا و مهریونیت
فدای / قامتِ آسمونیت
از آبرا / باید پرسید نشونیت
اباالفضل / یا ابوفاضل مدد

◀ بند سوم

ای طریقتُ الله / زاهدِ اِلی الله / دست تو یدالله / یا عباس
ای فناءِ فی الله / پناهِ ثارالله / اجرکم عندالله / یا عباس

ماه اربابی / سلطان مآبی
کنار دریا / تشنه‌ی آبی

فدای / مَشک بدون آبت
تو دنیا / حسین شد انتخابت
فدای / مقامِ مُسْتطابت

ابالفضل / یا ابوفاضل مدد

زمینه شب نهم

◀ حسین حمیدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خراب شد رو سرم دنیام
امیر لشگرم بلند شو
یل دلاورم بلند شو
پاشو برادرم بلند شو

بعد تو دیگه تک و تنهام
امید آخرم بلند شو
دلخوشی حرم بلند شو
پاشو برادرم بلند شو

بلندشو / تا که نرفته خیمه ها به غارت
بلند شو / تا که نبردن حرم و اسارت
بلندشو / تا که ندیده زینبم جسارت

من اینجا سرگردون / خواهرت تو خیمه ها سرگردونه
چشام ابر بارون / چشای تو هم مته من گریونه
تو افتادی بی جون / کی من و تا خیمه برمی گردونه

◀ بند دوم

ببین لرزش دستامو
وقتی غمت تو دلم جا شد
می بینی قامت من تا شد
آخر حسین تو تنها شد

می بینی غربت چشمامو
می بینی چی قسمت ما شد
از خونت علقمه دریا شد
آخر حسین تو تنها شد

تو میری / بعد تو از عطش علی می میره
تو میری / رقیه هی بهونهات و می گیره
تو میری / دیگه حرم نداره خواب راحت

می دونی از داغت / دلامون میون سینه می سوزه
دل سنگم حالا / وقتی که منو ببینه می سوزه
میدونی بعد از تو / خیمه تو آتیش کینه می سوزه

◀ بند سوم

دل اهل حرم غوغاس
نرو پناه خیمه گاهم
برادرم پشت و پناهم
نرو علمدار سپاهم

کجایی که ببینی عباس
حال من و تو قتلگاهم
به آسمون می رسه آهم
نرو علمدار سپاهم

کجایی / اون دمی که برادرت میون
یه لشگر / تنها و لب تشنه و نیمه جونه
میدونی / پیرهنش هم می برن به غارت؟

کنار نهر آب / لب تشنه حضرت ماه افتاده
یه گوشه از گودال / تن قطعه قطعه ی شاه افتاده
شرر آروم آروم / سوی دامن حرم راه افتاده

زمینه شب دهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نگهبان / خیمه‌ها عباس
امشب ای یاران / کربلا غوغاس
تماشا کن / چهره‌هاشان را
غرق در نور و / یک به یک زیباس

شهیدان دورهم جمع و / غرق مولا و / مست شیدایی
صدای صوت قرآن / اکبر و قاسم / به چه آوایی

شب عاشورای اربابه
همه تشنن قحطی آبه
رباب می‌خونه لالایی
علی خوابه

◀ بند دوم

ببار بارون / مشکا بی آبه
حنجرا خشکه / چشما بی خوابه
ببار بارون / رو لب اکبر
رو لب اصغر / خیلی بی تابه
میگه ارباب از غم فردا / با عزیزانش / اُف به این دنیا
میگه خواهر صبوری کن / چون سرم میره / بر روی نی‌ها
رسیده وقت وداع امشب
حلالم کن خواهرم زینب
با گریه‌ات میاد عزیزم
جونم رو لب

◀ بند سوم

دل زینب / غرق آشوبه
فکر فردا و / دم غروب
یه چشمش اشک / اون یکی چشم خونه
می‌کشه آه و / سینه می‌کوبه
میگه دورت بگردم ای / مونسِ قلبم / ای برادر جان
نبینم گوشه‌ی گودال / تنها افتادی / با تن عریان
بدون تو بی‌کس و کارم
بمون پیشم یار و غمخوارم
من و تنها نذار عشقم
که بیچارم

زمینه شب دهم

◀ وحید عظیم پور

دریافت فایل صوتی



حالا که میروی
آهسته تر برو
بگذار ببوسم از
زیر گلوی تو
من بی پناهم ای
پشت و پناه من
تکیه م شکسته شد
ای تکیه گاه من

دیگر تنها
اشکم همراهت می آید
تقدیر
ما را دور از هم می خواهد
از دوری
آه ای دل
تو بر نی
من محمل

زمینه شب دهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

حالا که می‌خوای بری
بیا واسه آخرین بار
ببوسم حنجرت و
عزیزم خدانگهدار

من بدون تو چیکار کنم داداش
کاش میشد که از کنار من نری
به خدا بدون تو دق می‌کنم
نمیشه زینب و همراة ببری؟

نرو ای همسفرم
ای امید آخرم
بی تو من در به درم

◀ بند دوم

چند نفر به یک نفر
نزدید برادرم رو
این عزیز مصطفاست
نشکنید قلب حرم رو

نمی‌دونم که چی کار کنم برات
کاش میشد منم پیام بشم فدات
کاش یه نیزه‌ام به قلب من می‌خورد
قربونت برم پر از خونه لبات

پاشو ای برادرم
ای غریب مادرم
بی تو من در به درم

◀ بند سوم

برو شمر بی‌حیا
جون می‌ده حسینم الآن
بس کن این زجر دادن و
راحتش کن تو رو قرآن
انقدر چنگ نزن به پیرهنش
انقدر تیغ نکش به گردنش
بذا بی‌حیا، داره حرف می‌زنه
انقدر نیزه نزن تو دهنش

پاشو که بی‌سپر
اومدن سمت حرم
بی تو من در به درم

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شام و کوفه رو قبضه کردی / با خطبه‌های علی و اورت
علم به دوش این قیام بودی / مٹ عمومی علمداریت
درسته که دستات بسته بود
یه لحظه پرچم رو رها نکردی
با نطق حیدری کنار عمه زینب
یه شهر شام و بیچاره کردی
زین العابدین ایاااا، شه پر سجودم
من عاشقت هستم، از عمق وجودم

◀ بند دوم

پرچم قیام تو اشکه / مقدسه شبیه اعجازه
جهان اسیر پنجه‌ی غفلت / دعا شروع فصل پروازه
مسیر تاریخ با نور تو
نقطه‌ی عطف آگاهی شیعه‌س
شیعه‌ی تو به خواب تاریکی نمیره
دستامو می‌گیره این اشک مقدس
آبروی سجده، ای رهبر گریه
زنده شد دلم از، خاکستر گریه

◀ بند سوم

دست بر قضا از تو گفتن / به تار و پودم گره خورده
دلی که دل بهت نداد مرده / کسی که دل بهت باخت برده
یه لحظه ام لطفت کم نشد
به این غلامی که خونه زاده
غلام تو باید که تاثیر بذاره
هم توو رفیقاش هم خونواده
من به همت ایییین، کوشش غلامی
شیدای توئم با، پوشش غلامی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

میون خاطره با اشکام تنهام تنهام
یه سفر همسفر سر شد بغض چشمام
دلم آروم نمی شه الشام الشام الشام

روزا خورشید / سوز سرما توو شب

من رو مرکب / غرق آتیشی تب

پیش چشم / این شهر لامذهب

بین بازار / رفته عمه زینب

دلم شکسته، نفس بریده

قصه اشکام، به سر رسیده

◀ بند دوم

بعد کربلا شده کارم گریه ناله
روضه خون کربلام هرشب چندین ساله
دل من پیش تنت مونده توو گو داله

توو شهری که / هر لحظه ش آزاره

غیرت درد / این مرد بیماره

وقتی عترت / مابین بازاره

کی واسه این / زخم مرهم داره

غرورمو این، بلا شکسته

هجوم سیلی، دستای بسته



نوحه واحد، دودمه و زمزمه

واحد مناسب تمام دهه محرم

◀ مهدی بُسحاق / رضا سرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

من حسین ابن علی

من علی منجلی

کشته‌ی شهادتم

کشتی نجاتم و

باعث حیاتم و

نور بی نهایتم

من تشنه‌ی جام بلا

توی کربلا، منو کشتن

جلو چشای فاطمه

زیر دست و پا، منو کشتن

بعد از کشتنم

دعا شد سر پیراهنم

بعد از کشتنم

اسبارد شدن از رو تنم

ای وای ای وای

◀ بند دوم

شیعیان بوتراب
وقت نوشیدن آب
از حسین یاد کنید
از غم غربتم و
روضه‌ی شهادتم
داد و بیداد کنید

نواده‌ی پیغمبرم
بی جرم و گناه منو کشتن
دلم براشون می‌تپید
با دل سیاه منو کشتن

بعد از کشتنم
بالا رف روی نیزه سرم
بعد از کشتنم
شد زنجیر و بند سهم حرم
ای وای ای وای

واحدش‌اول

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

از دارالعماره / می بینم تو راهی
برگرد ای عزیزم / حالا که نداری / لشگر یا سپاهی

تو رو جون مادرت نیا
لااقل با خواهرت نیا
روی مسلم و زمین نزن
با دخترت نیا

همه نامه ها / دروغ بود
زدنت صدا / دروغ بود
گفتن بیا / دروغ بود

◀ بند دوم

اینجا آدماشون / از سنگه دلاشون
کوچه کوچه رفتم / از بی مهریاشون / موندم مات و حیرون

با علی اکبرت نیا
لااقل با اصغرت نیا
روی مسلم و زمین نزن
با دخترت نیا

بیقرارتن / دروغه
که کنارتن / دروغه
اینا یارتن / دروغه

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

پراز احساسم و / پرم از نور
پراز آشوبه این / دل زارم
تا هلال شب اول و نبینم / دل بی قرارم
میون این سیاهیا / چشات من و گرفت /
چی بهتر از این
پرچم سرخ کربلا / دستم و گرفت / چی بهتر از این
دلیم برا محرمت لک زده بود
برا سیاهیات / دلیم تنگ شده بود

◀ بند دوم

با حرارت غمت / تب عشقم
من به سمت پرچمت / رو به راهم
راهی که منو به خیمهت می‌رسونه / ای سرپناهم
کاشکی روزای تلخمو / خودت عسل کنی / چی بهتر از این
موقع مردنم بیای / منو بغل کنی / چی بهتر از این
بیا ببین تو کوچهی سینه زنی
دارم داد میزنم / حسین عشق منی

◀ بند سوم

من اسیرت شدم / تا که خوندن
با اذون اسمت و / توی گوشم
متولد می شم این محرّما که / مشکی می پوشم
می ذاری کوله بارم و / بازم بچینم و / چی بهتر از این
من نگم میدی برا / ت اربعینم و / چی بهتر از این
صدای پای آشنا تو گوشمه
منو صدا زده / پیام تا علقمه

واحد شب دوم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیهم السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

و این یکاد بخونید / خیمه‌ی آسمون و
نظر نگیره قد / عموی پهلوون و
جوونا بیاین با هم دعا کنید
جوون کاروون و

هاله نور حائل / ناقه ناموس خدا
چشم غریبه‌ها به دور / زینب رسید به کربلا
آه و واویلا

◀ بند دوم

لحظه به لحظه آشوب / ساعت به ساعته غم
نفس نفس اضطراب / دلشوره‌ها دمام
دلنگرون و بی‌قرار قلب
خواهر شاه عالم

مشکا پر از آبه هنوز / سیراب سیرابه حرم
الهی آتیش نگیره / به دامن خواب حرم
آه و واویلا

◀ بند سوم

روز دهم رسید و / خیمه‌ها پر بلا شد
پای اراذل اوباش / تا دل خیمه وا شد
آرامش ناموس اهل حرم
پر از سر و صدا شد

صاحب حرم رو نیزه رفت / شعله رسید به خیمه‌ها
بازی نیزه دارا شد / آوارگی بچه‌ها
آه و واویلا

واحد شب چهارم

طاهره توحیدی فرد

دریافت فایل صوتی



بند اول

من زینبم نائبة الزهرا
قافله سالارم تو این صحرا
از باد و طوفان‌ها نمی‌ترسم
معنای صبرم در مصیبت‌ها

بعد دیوار و در
بعد داغ حیدر
تکیه‌گاهم بودی
عزیز خواهر

ابا الحیا / پیرهنت رو بردن اشقی الاشقییا
ابا الشهید / کشتنت با قتل صبر اهل جفا
ای باوفا / بی‌پناهم یا غریب الغربا
بی‌پناهم یا غریب الغربا

◀ بند دوم

پنجاه ساله بین خوبی‌هام
حالا میون این حرامی‌هام
دنیا چه بد تا کرد با زینب
که همسفر با شمر و خولی‌هام

سر تو رو نیزه
دل من می‌لرزه
بعد از این می‌خونم
برا تو روضه

ای تشنه لب / کشتنت یه عده بی اصل و نسب
رو نیزه‌ای / ذکر خواهرت همینه روز و شب
خدارو شکر / زیر سایته عقيلة العرب
زیر سایته عقيلة العرب

واحد شب ششم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

هلهله‌ها کمک کرد / تا تورو پیدا کنم
دوروبرت شلوغه / همیشه راه وا کنم
خنده هاشون نمیداره تا که من
گریه‌ام و حاشا کنم

به جای نقل برای تو
به غیر از سنگ نداشتن
کوفیا واسه جشن تو
سنگ تموم گذاشتن
آه و واویلا

◀ بند دوم

دیر برسم تن تو / شبیه اکبر همیشه
لاله به لاله جسمت / با نیزه پرپر همیشه
هرچی نزدیک‌تر میشم به تو عمو
قدت بلند تر میشه

شبیه سرو بلند شدی
شاخه شمشاد حرم
وقت زیادی میبره
نیزه‌ها رو در بیارم
آه و واویلا

◀ بند سوم

تو آغوش گرم خاک / بغل بغل شکستی
با زور نیزه بین / خون و عسل شکستی
معلومه که زیر پای اسبا از
چندین محل شکستی
هلال سوخته‌ی حسن
نعلای داغ خورد به تنت
لخته‌ی خون دخیل شده
به گوشه‌های دهننت
آه و واویلا

واحد شب هشتم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

هرجوری بود رسیدم / شاید که زنده باشی
خدا نکرده شاید / غارت نیزه‌ها شی
شمشیراشون و که دیدم ترسیدم
جدا جدا جدا شی

اومد سرم از هرچی که
برای تو می ترسیدم
سراب نیزه‌ها نبود
تو اون شلوغی می دیدم
آه و واویلا

◀ بند دوم

نیزه به نیزه گشتم / تا جمع کنم تنت رو
نشد که پس بگیرم / جوشن و پیرهننت رو
سخت کردن برای من پیرمرد

تا خیمه بردنت رو
جوونم مونده روی خاک
جوونا به داد رسیدن
خنده لشگر شد بلند
تا اینکه گریه‌ام و دیدن
آه و واویلا

◀ بند سوم

برای غربت من / گریه نکرد آسمون
سخت قد کشیدی / کشتنت اما آسون
دلم موند پیش جسمت که مونده بود
رو سرِ نیزه‌هاشون

خدا خدا کردم بابا
منم بمیرم پیش تو
شاید تا خیمه نرسم
می‌سوزم از آتیش تو
آه و واویلا

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بهشتم، حرم اباالفضل / حیاتم، به دم اباالفضل
ایشالا؛ میمیرم برای / اباالفضل اباالفضل
فدای؛ اباالفضل / فدای اباالفضل

مسیر جنون عاشقارو انتهایی
تو بالاترین سوگند قلب هر گدایی

تا رازِ دو چشمون سیاهت / بر ملا شد
به زلفت کمند آرزو هام / مبتلا شد

تو علامه‌ی آیاتی و دریای کراماتی و
اوج هر مقاماتی یا اباالفضل

تو آیت العظام عشقی و تو والسلام عشقی و
ختم کلام عشقی یا اباالفضل
اباالفضل مولا اباالفضل....

◀ بند دوم

نفس هام ؛ وقف اباالفضل / رو چشمام ؛ حرف اباالفضل
یه روزی ؛ میشنوم صدای / اباالفضل اباالفضل
فدای ؛ اباالفضل / فدای ؛ اباالفضل
سرانجام هر کار با تو خیره ای علمدار
منو تا قیامت زیر این پرچم نگه دار
اباالفضلی بودن شد مدال / سینه ی من
اباالفضلی مردن حاجت دیرینه ی من
تو فتاح فتوحاتی و آیات و اشاراتی و
تو پیر خراباتی یا اباالفضل
تو خورشید فروزانی و تو ماه شبستانی و
تو مظهر بارانی یا اباالفضل
اباالفضل / مولا اباالفضل ...

واحد شب نهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

خبر نداره زینب / پشت منو شکستن
پاشو خودت کمک کن / راه و به خیمه بستن
برای خندیدن به اشک چشم
دور تا دورم نشستن

اگر که پا نشی داداش
گره میفته تو کارم
علم رو بردار دوباره
علمدارم علمدارم
آه و واویلا

◀ بند دوم

می دونستن که پشتم / فقط به تو محکمه
خیمه خبر نداره / چه خبره علقمه
پا نمیشی شاید صدام نمیداد
میون این همه

حرمله خندونه داداش
خیالش انگار راحت
نشسته زل زده ببین
به خیمه چندین ساعته
آه و واویلا

◀ بند سوم

درد چشمت به جونم / چشمت دوی دردم
پا نشدی آخرش / هرچی که خواهش کردم
سخته دل بکنم ازت اگه
میرم و برمی‌گردم
ساقی تشنه‌ی حرم
توون زانوی نیمه جون
از روی نیزه برادرم
مواظب خواهر بمون
آه و واویلا

واحد شب دهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نمیشه عصر فردا / جای تو من بمیرم
فردا تورو می‌کشن / چطور اروم بگیرم
غصه‌ی نبودت کنار حرم
از حالا کرده پیرم

آروم قلب مادرم
حال پریشونم و ببین
لب تشنه بی کس علی
چشمای گریونم و ببین
آه و واویلا

◀ بند دوم

گفتم که مادرم رفت / هنوز حسین و دارم
اگر که حیدرم رفت / هنوز حسین و دارم
آروم بودم اگر برادرم رفت
هنوز حسین و دارم
حالا میخوای تو هم بری
خواهر و تنها بزاری
منو میون این همه
نیزه به دست جا بزاری
آه و واویلا

◀ بند سوم

از سر شب عیان شد / هزار و یک نشونی
دلم می لرزه تا که / اِنَّا اِلَيْهِ مِي خونی
میگی غصه نخور که رو نیزه ها
کنار من می مونی

طاقت خواهر کم شده
غصه تازه بشه شروع
دعام فقط امشب اینه
نکنه فردا صبح طلوع
آه و واویلا

دودمه شب پنجم

◀ متین مدنی

سینه‌ای دارم من از شوق شهادت یا عمو
جان فدایت یا عمو
می‌روی میدان فدای روی ماهت یا عمو
جان فدایت یا عمو

دودمه شب ششم

◀ متین مدنی

سرو بُستانِ حسن دارد به میدان می‌رود
جانِ جانان می‌رود
بر نبرد کفر دارد کل ایمان می‌رود
جانِ جانان می‌رود

دودمه شب عاشورا

◀ متین مدنی

مادرش زهرا به سوز و آه می‌گفت یا حسین
جان فدایت یا حسین
واحسینا واحسینا واحسینا واحسین
جان فدایت یا حسین

زمزمه شب ششم

◀ وحید عظیم پور

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

کشیده شد قدت / مثل عسل قاسم
یه کم منو محکم / بگیر بغل قاسم
کفن شده واست / لباس دومادی
میری روی نیزه / ماه عسل قاسم

چه نامرتب شدی
استخوانات نرم شده غصه‌ی زینب شدی
چه نامرتب شدی
مگه اسیر ضربه‌ی نعلای مرکب شدی
چه نامرتب شدی

◀ بند دوم

یکی یکی دارم / زخمات و می‌شمارم
از دهننت باید / خاکا رو بردارم
اینقده پاهات و / زمین نکش قاسم
ببین که به گریه / کشیده شد کارم

زخم سرت وا شده
سنگای دور و برت اندازه‌ی دریا شده
زخم سرت وا شده
بگو آخه قد تو از سینه چرا تا شده
زخم سرت وا شده



نوحه شور

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ حسین خدادی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

ای سر گذشتم
پای تو از سر گذشتم
جز رد پای عشق تو نیست در گذشتم
ای سر گذشتم

من از همون بچگیام عاشقتم
اینو خودت بهتر از هر کس می دونی
منو به دست تو سپرده پدرم
آخه می دونست تو چقدر مهربونی

دلیل زندگیم حسین
عشق همیشگیم حسین
دلم میخواد صدات کنم
شبیه بچگیم حسین
آقام حسین

◀ بند دوم

ای سرنوشتم
پای شش گوشت بهشتم
خوشبختی یعنی شد عجین با تو سرشتم
ای سرنوشتم

ممنونم آقا که حواست به منه
منی که جز تو به کسی رو نزدم
هیچکی ندونه تو که میشناسی منو
منی که عمری در خونت رو زدم

تموم دلخوشیم حسین
نغمه‌ی چاوشیم حسین
می‌دونم آخرش یه روز
تویی که می‌کشیم حسین
آقام حسین

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شبای دلدادگی، محرمه آی مردم
نماد آزادگی، محرمه آی مردم
شُکوه ایستادگی، محرمه آی مردم

دستای من و، دامانِ حسین
دردای من و، درمانِ حسین
من رعیتم و، سلطانِ حسین
همیشه محتاجِ نگاتم ارباب
بیا و این شبها من رو دریاب

◀ بند دوم

وقتی که جُز مُحرم، دلخوشی ای نداریم
برا مُحرم باید، جونمونم بذاریم
باید برای اون عشق، رو دستا سر بیاریم

آغوش خداس، فی بابِ حسین
خیرِ دو سراس، فی بابِ حسین
هم درد و دَواس، فی بابِ حسین
حالا که دنبالِ نگاتم ارباب
بیا و این شبها من رو دریاب

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

نفس که می کشم / نفس نفس
هر ضربان می گه / حسین حسین
سینه که می زنم / تپش تپش
هر شریان می گه / حسین حسین

دنبال دسته ی عزات / توو کوچه های کربلات /
دربه درم کردی
توو آتیش مخدرات / توو روضه ی مشک و فرات /
شعله ورم کردی

وقتی از حال خودم آشستم آشستم
روی خاک پای تو می افتم می افتم
اگه چشمت و ازم برداری برداری
به خدا می میرم می میرم من گفتم

◀ بند دوم

قدم که می‌زنم / قدم قدم
رو فرش روضه‌ها / حسین حسین
میرم تا وسط / بهشت بهشت
میام تا کربلات / حسین حسین
دین منی عشق منی / علت عاشق شدنی / ای مهربون ارباب
اسم من و خط نرنی / حب الحسین اجنی / تویی تو گوهریاب
مثل قطره تو غمت می‌جوشم می‌جوشم
واسه تو مشکی فقط می‌پوشم می‌پوشم
هر کسی یه جا داره با خاطره‌ش مأنوسه
منی که دیوونه‌ی دیوونه‌ی شیش گوشم

◀ بند سوم

نیاز اولم / حسین حسین
نیاز آخرم / حسین حسین
از هر چی بگذرم / خدا گواهه
از تو نمی‌گذرم / حسین حسین
دونه دونه زخم تنت / اون بدن بی‌کفنت / خون جیگرم کرده
توو قتلگاه کشوندنت / با هر چی می‌شد زدنت / روضه‌ات پیرم کرده
سر پیراهن تو جنجاله جنجاله
نیزه زاره اینجا یا گوداله گوداله
مادرت با قدّ خم اومده تا زیارت
بدنی که بی‌رمق روی زمین بی‌حاله

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ دانیال مهرانى

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

از همون بچگیام تا این سنم
حرف بابام مونده توی گوشم
حالا که بزرگ شدم به هیچ قیمت
به چهارتا وعده‌های دنیایی
من امام حسینمو نمی‌فروشم
ساده اگه بدست آوردمت / ساده ولت نمی‌کنم
من که توو زندگیم به غیر پرچمت
به هیشکی رو نمی‌زنم
ساده ولت نمی‌کنم / ساده ولت نمی‌کنم
ساده ولم نکن حسین، منو به سادگیم ببخش
بزرگی کن بیا منو، بازم به بچگیم ببخش

◀ بند دوم

من باید عمل کنم به تکلیفم
بار تو گذاشتی تو روی دوشم
توی هر لباسی خادمتم هستم
به تمام سر شلوغی دنیا
من امام حسینم نمی فروشم

دستیو که رسید به دامنتم / ساده ولش نمی کنی
گداتو پشت در نیومده هنوز
معطلش نمی کنی

ساده ولش نمی کنی / ساده ولش نمی کنی

معظم نکن حسین، به خواهشتم بها بده
خیلی دلم شور می زنه، زودی یه کربلا بده

شور مناسب تمام دهه محرم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

محلّه محلّه / اسمتو دارن جار می زدن
سر در تکیه ها / پرچم علمدار می زدن

مثل اسپند، رو آتیش
هرم عشقت رو، رسوندی
هم گناهم رو، پوشوندی
هم سر سفرّت، نشوندی

ای تب عشق ای نگارا / مکتب عشق ای دل آرا
شد محرم بیقرارم / یازا یازا یازا یازا
ثارالله ثارالله ثارالله ثارالله

◀ بند دوم

کتیبه کتیبه / شعر محتشم روی دلم
از غم عزای / تشنگیت هنوز مشتعلم

نور این پرچم، سیاه
راه خیمه ت رو، نشون داد
کل عمرش رو، ضرر کرد
هر کی رو خاکت، نیفتاد

روحم از تن پر میگیره، وقتی مشکیتو میپوشم
رنگ و بو می گیره دنیام، وقتی با عشقت میجوشم
ثارالله ثارالله ثارالله ثارالله

◀ بند سوم

محرم محرم / یعنی میشنوی خواهشمو
کاش بشه ببینم / بازم غروب علقمه رو

ای به قریون، اباالفضل
ای نیاز عشق، علمدار
ای عموجون، رقیه
یکه تاز عشق، علمدار

نبض قلب لشگر یار / از یمین و از یسارا
می تپه با یا اباالفضل / جانا جانا جانا جانا
یا عباس یا عباس یا عباس یا عباس

شورشب دوم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

حَتَّى عَلَى الْعِزَا / حَى عَلَى الْبُكََا
أَلَا أَهْلَ الْعَالَمِ / حرم رسید کربلا
خیمه‌ها شد به پا / شروع شد روضه‌ها
وای از دل زینب / حرم رسید کربلا
چه صحرايي / بدون سایبونه
چه آفتابی / گُلا رو می‌سوزونه
خاک اینجا / پُر از بوی خونه
وای / حسین

◀ بند دوم

این وعده‌ی خداس / اینجا پر از بلاس
نُه روز دیگه اینجا / سرها روی نیزه‌ها
فاطمه کربلاص / میون خیمه‌ها
اینجا می‌بینه که / سرها روی نیزه‌ها
حسین اومد / حرمش رو بنا کرد
حسین اینجا / قبله‌گاهی به پا کرد
به این قبله / دلارو مبتلا کرد
وای / حسین

◀ بند سوم

حسین بی پناه / کشید از سینه آه
که با اهل و عیال / رسیده تا قتلگاه
این شاه کم سپاه / در انتهای راه
با کوله بار غم / رسیده تا قتلگاه
امون از اون / موقعی که رو سینه
توو این گودال / شمر لعین می شینه
میاد زهرا / مصیبت رو می بینه
وای / حسین

شورشب سوم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بابای خویم / دردت به جوئم
سرت رو حالا / رو پام می شوئم
مثل یه مادر / برات می خونم

لالا لالا لالا / بابا بابا بابا

بخواب ای گل نازم / پیش من اینجا

دختر عشقشه بابا / وقتی می خوابه شبها
روی شونه‌ی ماهش / میره تا آبرا

◀ بند دوم

وقتی رسیدی / که افتادم من

با زخم پلکات / قلبم رو نشکن

چشمات کبوده / چشم من روشن

موی تو رو کندن / حلقه‌ت رو سوزوندن

دندوناتم که دیدم / چه جور شکوندن

چشم دیدن نداشتن / از تو یه سر گذاشتن

اونم با این وضععت / سالم نداشتن

◀ بند سوم

از کدوم دردم / بگم بابایی
اومد سر من / چه بلاهایی
گم شدم گفتم / بابا کجایی

هی افتادم از پا / جا موندم توو صحرا
تو وحشت بیابون / موندم من تنها

وقتی که زجر آوردم / آره صد دفه مردم
تا که یه کم می بستم / کتک می خوردم

شورشب چهارم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

من زینبم / عقيله ام / از نسلی جلیله ام
خواهر عباس و حسین / شیر زن قبیله ام
من زینبم / شهیده ام / درسته که خمیده ام
ولی تو این همه بلا / جز زیبایی ندیده ام
منم عقيله العرب / منم هاشمی نسب
دختر مرتضی علی / نور منم تو دل شب
کوه بلا کشیدم / وای وای وای وای
چه حرفایی شنیدم / وای وای وای وای
یه روز خوش ندیدم / وای وای وای وای

◀ بند دوم:

من زینبم / کوه دردم / ولی شام و ویران کردم
برا بقای دین جدم / خم به ابرو نیاوردم
من زینبم / غوغا کردم / زن امّا مرد نبردم
برا دفاع از امامم / خم به ابرو نیاوردم
منم حقیقت حیا / معنی ایثار و وفا
بعد ابوفاضل شدم / علمدار کر بلا
دیدم هجوم و غارت / وای وای وای وای
من کجا و اسارت / وای وای وای وای
وای از بزم جسارت / وای وای وای وای

دریافت فایل صوتی



بند اول

من بهشتم زیر بیرق امام حسنه
نه فقط من پدرم عبد و غلام حسنه
من حسینی شده‌ی دست امام حسنم
همه عالم می‌دونن دلم به نام حسنه
آرومه قلبم باشه هر جا اسم حسن جان
زهرا میگه جانم میاد تا اسم حسن جان
اصلا کرم خورده گره با اسم حسن جان

آبرو داره / کم نمی‌ذاره
پرورش یافته‌ی حیدر کراره
سرالاسراره / یابن کراره
مثل باباش یه تنه فاتح پیکاره
یا حسن یا مولا

◀ بند دوم

می خورم من عمری روزی از سر خوان حسن
نان هر سفره حرام است به جز نان حسن
شب و روزم گره خورده به سر زلف کریم
بنویسید که منم عبد و مسلمان حسن

با تو تهی از هر چی خواهش من حسن جان
یک لحظه از تو دست نمی کشم من حسن جان
کاشکی یه روزی قریونت بشم من حسن جان

چه کریمانه / دست احسانه
حسنه که به گدا می بخشه شاهانه
دم اعجازه / داره آوازه
بخدا دوشش دارم بی حد و اندازه
یا حسن یا مولا

دریافت فایل صوتی



بند اول

به خدا روضه‌ی گودال آدم و پیر می‌کنه
بدجوری ذهن و دل آدم و درگیر می‌کنه
شب پنجم شده و باز دوباره عالم بده
روضه‌هاش نوکر و از زنده بودن سیر می‌کنه

تنها / حسین

والا / حسین

اریاب / حسین

آقا / حسین

ای وای / حسین

بند دوم:

به تن اون که غریبه و به دور از وطنه
هر کی از را می‌رسه با هر چی داره می‌زنه
این‌که اینجا رو زمین تنش رها میشه سه شب
این عزیز فاطمه‌اس که آخرش بی‌کفنه

ای جان / حسین

عریان / حسین

زخمی / حسین

عطشان / حسین

ای وای / حسین

◀ بند سوم:

بلا گودال خواهرش از داداشش دل می‌برید
سینه سنگین شده بود حنجره قاتل می‌برید
جلو چشم فاطمه میون گودال بلا
از قفا ضربه می‌زد رگ‌ارو کامل می‌برید

مضطر / حسین

پَرِپَر / حسین

ای وای / حسین

بی سر / حسین

ای وای / حسین

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

با دستای خالی / رفتی قلب لشگر
تو میدونی انگار / حیدر رفته خیبر

حسن حسن بغض صداته
حسین حسین شور رجزهات
عمو عمو روی لباته
تیغ حسن تو برق چشمات

دست بکش بر سر من / ای شهید بی کفن
توو محشرم فریاد می‌زنم / یا عبدالله ابن حسن

◀ بند دوم

با امید و با عشق / رفتی آغوش یار
رفتی پیش بابات / رو سینه‌ی دلدار

درست مئه عمو اباالفضل
طلایه‌دار خیمه‌گاهی
بدون دست پای عشقت
علم به دوش قتلگاهی

ای ستاره‌ی حسن / ماه‌پاره‌ی حسن
تو محشرم فریاد می‌زنم / یا عبدالله ابن حسن

◀ بند سوم

دریا دریا غیرت / تو خونت می جوشه
عاشق وقت دیدار / جوشن نمی پوشه

منم برای عاشقی
محضر ارباب سوا کن
برای عاقبت به خیریم
تو سجده‌هاات من و دعا کن

ای پسر شیر جمل / ای آفتاب انجمن
رو کفتم می نویسن / یا ابدالله ابن حسن

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

کرمش شهره‌ی آفاقه
دوسش دارم من از اعماقی
دلی که عمریه مشتاقه / حسن جانہ
اونی که سفره شہ شاهانہ
داره صفات کریمانہ
اسمی که شور دو چندانہ / حسن جانہ
اسمش شیرین تراز / قند و عسل حسن
یا اَیُّهَا الْکَرِیْم / صَلَّى عَلَی الْحَسَنِ
سَیِّد السَّبَاب / ذکر مستجاب
من حسن حسن می گم / می برم ثواب
شیر باجَنَم / یل بی نقاب
یا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِیْن / یابن بو تُرَاب
جانم حسن جانم حسن جانم حسن

◀ بند دوم

کوه صلابت و ایمانه
یه تنه فاتح میدانه
نیض عالم توی دستان / حسن جانه

اونی که قبله‌ی حاجاته
دلخوشیم تو همه اوقاته
ذکری که باب مناجاته / حسن جانه

نورش فراتر از / ماه و زحل حسن
یا أَيُّهَا الْكَرِيم / صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ

آیت علی / شوکت علی
تو جمل اومده با / هیبت علی
توی بازوهاش / قوّت علی
می جوشه توی رگش / غیرت علی

جانم حسن جانم حسن جانم حسن

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بانی سفره حضرت کریمه
حسن حسن نوای عاشقیمه
گدای بچه‌ها تم ای عزیزم
گدایی تو همه زندگیمه

با حسن می‌گذره همه روزام / اونکه تا
آسمون من و برده
اکثراً نذر قاسمش کردم / گره‌ای که به کار من خورده
کس و کار منه / هم هوادار منه / اونکه دلدار منه /
قاسم ابن الحسنه
بین سنگ تو رو / من به سینه‌ام می‌زنم / شور عاشق شدنم /
قاسم ابن الحسنه
وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا / ابْنُ الْكَرِيمِ

◀ بند دوم

اسیر درد و غصه ها همیشه
اون که امام حسن تو زندگیشه
فدای قاسمش شدن یکی از
دعاهای قنوتمه همیشه

از نگاش امام حسن می باره / از حسن ارث شجاعت داره
به همه تو کربلا ثابت کرد / تو صداش چقد ابهت داره
سراپا حسنه / اونکه داره یه تنه / قلب لشگر می زنه /
قاسم ابن الحسنه
مسیحای حسن / اومده جای حسن / اون که هی سر می زنه /
قاسم ابن الحسنه
وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا / ابْنُ الْكَرِيمِ

◀ بند سوم

هر کسی کربلا رو دیده حتماً
آرزو داره صاحب حرم شی
می شینه وقتی گوشه ی گوهرشاد
می خونه پس صحن امام حسن چی
لحظه ها رو شمرده این دل که / تو وجودش سراسر آتیشه
می رسه اون شبایی که آخر / توی ایوون حسن سر میشه
ایشالا که یه روز / تا مدینه می رسم / توی اون صحن و سرا /
کار دست حسنه
می دونم چی بخوام / از کریم ابن کریم / اربعین کرب و بلا /
کار دست حسنه
وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا / ابْنُ الْكَرِيمِ

شورشب هفتم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

پسرم قندم عسلم / نازنین همه‌ی حاصلم
پاشو از روی نی گل من / عزیزم بیا تو بغلم
لالالالالالالا / مهتاب داره میاد بالا
وقت خوابه عشق مادر / نه روی نیزه‌ها
لالالالالالایی

◀ بند دوم

پسرم شمع سحرم / داغ تو می‌شکنه کمرم
چشات و می‌بینم روی نی / بدجوری می‌سوزه جیگرم
لالالالالالالا / غنچه‌ی خوش بوی زیبا
وقت خوابه عشق مادر / نه روی نیزه‌ها
لالالالالالایی

◀ بند سوم

پسرم عمرم نفسم / نگا کن چقدر بی‌کسم
آخه دردام و با کی بگم / به کدوم غم تو برسم
لالالالالالالا / ماهی بی‌آب دریا
وقت خوابه عشق مادر / نه روی نیزه‌ها
لالالالالالایی

شورشب هشتم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

کجایی ای صاحب عالم کجا؟
یقیناً این شبا میری کربلا
بیا و ما رو هم ببر با خودت
کنار پایین پا

روضه بخون برامون / آقاجون
از اون چشای گریون / آقاجون
از اون لبای تشنه / رو نیزه
از موهای پریشون / آقاجون

از اکبر و از اصغر / آقاجون
از اون همه دلاور / آقاجون
از قاسم و عبدالله / واویلا
از اون گلای پرپر / آقاجون

واویلتا واویلا، واویلا

حسین حسین حسین جان، حسین جان

◀ بند دوم

روضه ی اکبر که میشه جون میدان
پیر و جوونا که این و شنیدن
اونجا باباش دید جوونا اکبر و
روی عبا می چیدن
با خاک شده همنشین / جوونش
بدن پراز نقطه چین / جوونش
بابا شده پیرمرد / خمیده
که پاشیده رو زمین / جوونش
تشنه و زار و خسته / جوونش
استخوناش شکسته / جوونش
پیش نگاه بابا / رو زمین
چشم و لبش رو بسته / جوونش
واویلتا واویلا، واویلا
حسین حسین حسین جان، حسین جان

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بی جهت به تو دلاور نمیگن
میر لشگر نمیگن
بی جهت به تو علمدار نمیگن
شیر کرار نمیگن

هرکس که رزمت و دیده
هم ترسیده و در رفته
دیدن همه با یک ضربه
پیکر مونده و سر رفته
زنده شده علی یا که
عباسم به پدر رفته

توی میدون میری رجز می خونی
نمیشه هیچ کس روبه رو با چشمت
تا وقتی هستی خیمه ها آرومه
رقیه می خوابه به روی دستات
یا ابالفضل یا عباس

◀ بند دوم

بی جهت به تو سپه دار نمیگن
یل پیکار نمیگن
بی جهت به تو که محشر نمیگن
یل حیدر نمیگن

تیغ تو لرزه انداخته
بر جان و پیکر اعدا
بوسیده دستت و حیدر
گوید پسر به تو زهرا
جنگیدنت رو مولا دید
فرموده لافتی سقا

فراری شد لشکر ز برق تیغت
چنان شیری که حمله کرده انگار
همه با حیرت زیر لب می گفتند
ابا الفضل آمد یا علی کزار
یا ابا الفضل یا عباس

شورشب نهم

◀ حسین حمیدی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

وای وای وای / چشمای همه تو انتظاره
وای وای وای / دلا تو سینه بی قراره
وای وای وای / عطش دیگه امون بریده
وای اگه آسمون نباره

نالای بی جون حرم
می پیچه تو ارض و سما
چشمای همه به آسمون
همه حرم دست به دعا

بعد عمو دیگه کسی
برا حرم نمی مونه
میون گهواره یکی
داره با گریه می خونه
واعطشا بکربلا

◀ بند دوم

وای وای وای / دل همه حرم کبابه
وای وای وای / ورد رو لب‌های ربابه
وای وای وای / رحمی به حال و روز بچه‌ام
لب‌تشنه‌ی به قطره آبه

از دل بی‌تاب رباب
غیر خدا بی‌خیره
لالایی بی‌رمقش
از دلا آروم می‌بره

میون خیمه‌ها هنوز
یه نگاهی به علقمه‌اس
یه صدایی بلند میشه
آره صدای فاطمه‌اس

واعطشا بکربلا

◀ بند سوم

وای وای وای / عمه کمی دل نگرone
وای وای وای / هی دعا زیر لب می خونه
وای وای وای / نمی دونه کی بعد بابا
کنار خیمه‌ها می مونه

آتیش این کینه داره
می رسه به پای حرم
می پیچه تو آسمونا
ناله ای وای مادرم

می رسه تا عرش خدا
از توی گودال یه صدا
تموم صحرا می خونه
با لبای خشک بابا

واعطشا بکربلا

شورشب نهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بنداول

قمر بنی هاشم / ماه / روی زمین
قمر بنی هاشم / سرو / أم البنین
قمر بنی هاشم / دستم / به دامت
قمر بنی هاشم / آقا / من و بین

ای با وفا / ابا الفضل
مشکل گشا / ابا الفضل
سقای دشت کربلا ابا الفضل ابا الفضل ابا الفضل

ای ساقی لب تشنگان
ای جان جانانم، سقای طفلانم
ای ساقی لب تشنگان ای جان جانانم، سقای طفلانم

◀ بند دوم

قمر بنی هاشم / ای صاحب اللّوا
قمر بنی هاشم / شیر / شیر خدا
قمر بنی هاشم / ذکر / شور آفرین
قمر بنی هاشم / نور / کتیبه‌ها
ای ساقیا / ابا الفضل
شیرین لقا / ابا الفضل
سقای دشت کربلا، ابا الفضل ابا الفضل ابا الفضل
داغت شکسته پشت من
ای راحت جانم / سقای طفلانم
ای ساقی لب‌تشنگان ای جان جانانم، سقای طفلانم

◀ بند سوم

قمر بنی هاشم / آه از / چشم تّرت
قمر بنی هاشم / وای از / فرق سرت
قمر بنی هاشم / آقا / دستت چه شد
قمر بنی هاشم / چیدن / بال و پرت
فرقِ دوتا / ابا الفضل
ای سر جدا / ابا الفضل
سقای دشت کربلا، ابا الفضل ابا الفضل ابا الفضل
بینم تو را در ابر خون
ای ماه تابانم / سقای طفلانم
ای ساقی لب‌تشنگان ای جان جانانم، سقای طفلانم

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

تو دام عشق / زنجیرم
از غیر تو / دل سیرم
خودم برات / می میرم / می میرم / می میرم
تو پای حرفم نشستی / بُتِ قلمم رو شکستی
در خونهات رویه بارم / رو هیچکس / نبستی
من / قصه‌ی عاشق پیشگی
تو / معلم مردونگی
من / مطیع هر چی تو بگی
تو / زندگی پس از زندگی

◀ بند دوم

من از غمت / دل‌ریشم
لبالب از / تشویشم
برا عزات / آتیشم / آتیشم / آتیشم
تو از سنگ آدم می‌سازی / از آدم مَحرم می‌سازی
تو زندگی نوکرات و / محرم / می‌سازی
من / سرخوشِ این آشفستگی
تو / مقصد این دلدادگی
من / تشنه‌ی روضه خونگی
تو / عشق منی از بچگی

◀ بند سوم

برا دلی / که شیداس
شب جنون / تاسوعاس
رو علم / دل حک شد / یا عباس / یا عباس
اگه می شه که یه بارم / روی پاهات سر بذارم
به غیر از این آرزویی / ندارم / ندارم
من / بنده‌ی سرگردون تو
تو / دنبال کار و بار من
من / تا ابدالذهر مدیون تو
تو / شمع شبای تار من

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دنیا رو جوری که / قلبم بخواد گشتم
از عمق احساسم / من عاشقت هستم
زائر شدم هر بار / تا چشممو بستم

اون که تو رو داره چی کم داره
صاحب نفسام علمداره
خوش به حال اون که تو دنیا
به دام زلفت گرفتاره

هر کی گرفتاری داره / ذکر اباالفضل می گیره
نداره هیچ راه چاره / ذکر اباالفضل می گیره
هر کسی یاری نداره / ذکر اباالفضل می گیره
هر کس نشد / مجنون تو / آخر با درد تنهایی می میره

اباالفضل / ساقی طفلان حسین
اباالفضل / شیرین تر از جان حسین

◀ بند دوم

تسبیح هر روزم / آه نفس هامه
دارایی قبرم / یاقوت اشکامه
آغوش پر مهرت / چیزی که می‌خوامه

نور چشم توی سجاده
عشقت و خدا بهم داده
وقت مردنم بیا آقا
به یاری این زبون ساده
بذار بگم با / زبون ساده
همین حسین حسینم از / سرم زیاده
خدا اجازش و به هر / کسی نداده

شورشب نهم

◀ دانیال مهرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

این اشکا مثل برکه / مهتابی یا اباالفضل
با گریه تو به چشمم / می‌تابی یا اباالفضل

ای نور شبای من اینجا رو ببین
خواهش‌های این دل بیمار و ببین
می‌دونم حوائج کل عالم و
امضا می‌کنی با یه یا ام البنین

حلال درد و / مشکلم اباالفضل
بردی دلم رو / بی دلم اباالفضل
عشقت تموم / حاصلم اباالفضل
از شوق دیدار / سائلم اباالفضل

◀ بند دوم

چشمات کار داده دستم / از آغاز یا اباالفضل
ای که گوشه نگاهت / سلمان ساز یا اباالفضل

از گرمای تو پر از آتیشه دلم
یعنی مبتلای تو کی همیشه دلم
هر شب با یه ذره از نذری عزات
آروم همیشه شعله‌ی تشویش دلم

سردار عشقی / پای کار عشقی
تو رمز فتح / پیکار عشقی
تو تک سوار / اقتدار عشقی
آقای عشقی / اعتبار عشقی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دلبر خوش شمايلم / تویی حل المسائلم
یه عمره کشته مرده‌ی ابوقاضم
کوتاه‌ترین سیر الی الله
مقصود تو هم باب تو هم راه
مهتاب به سایه‌ی تو روشن
ای ماه تراز ماه تراز ماه
حتی نگفتم / جواب دادی تو
یه عمر برکت / بی حساب دادی تو
یه عمر دسته گل / به آب دادم من
یه عمر بی سوال / جواب دادی تو

◀ بند دوم

ای آرزوی مستجاب / عشق تو حُسن انتخاب
برایه بارم که شده به دلم بتاب

دستای تو اعلا تر از اعجاز
بالاتر از اندیشه‌ی پرواز
اسمت که میاد برات می‌میرم
ای نام تو بهترین سرآغاز

لبالب از غم / جنون می‌بارم
به اشک مبتلام / غرق خون می‌بارم
چقد سرخوشم / با این سرمستی
که سر تا به پا / ازت سرشارم

◀ بند سوم

مستندات عاشقی / آیه‌ی متقنش تویی
صفحه به صفحه‌ی جنون سخنش تویی

عهد تو به خون زلف مُحناس
سر خط جنون نور مُطلاس
امید وصال زنده ام کرد
با ظهورت از شارع العباس

از تو به یک نگاه / شرر می‌گیرم
شعله به شعله عشق / بال و پر می‌گیرم
چشات اگه منو / بگین تحویل
بدون فوت وقت / مدام می‌میرم

شورشب دهم

◀ گروه نوحوا علی الحسین علیه السلام

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

شب پرواز و رسیدن به خداس
شب نجوای دلای آشناس
شب شیدا شدن و مست شدن
شب عاشقی شب عاشوراس
بیا انتخاب کن / من رو / ارباب
بنویس اسمم / رو جزو / اصحاب
من و دریاب
آقا جانم، حسین

◀ بند دوم

از غمت سر و به دیوار می زنم
من با داغت خودمو دار می زنم
توی قبرم موقع سؤال جواب
پا میشم عشق تو رو جار می زنم
نذا تنه اشم / توی اون / لحظه
جنت بی تو / دروغ / محضه
نمی آرزو
آقا جانم، حسین

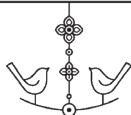
◀ بند سوم

باز دارم دل و به دریا می‌زنم
برگه‌ی جُنون و امضا می‌زنم
جلوی فرشته‌ها با افتخار
دستمالِ گِریه‌ام و هی تا می‌زنم
بیا اشکامو / آوردم / آقا
خودمو دستت / سپردم / آقا
یابن زهرا

شور حضرت امام حسن علیه السلام

◀ مهدی بُسحاق / رضا سرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

سوز روضه‌ها از اشکای حسنه
نور چهره‌ها از سیمای حسنه
شور هیئتاً از غوغای حسنه
این غوغای حسنه

أَبَدِ حَسَنِ / أَزَلَ حَسَنَ / أَدَبَ حَسَنَ / غَزَلَ
حَسَنَ / غَضَبَ حَسَنَ / أَجَلَ حَسَنَ / صَرَبَ
حَسَنَ / قَتَلَ حَسَنَ

تا مجتبی میاد واسه جنگیدن
لشکر ظلمت خودشو می بازه
آوازه‌اش تا همه جا پیچیده
ابن علی مثل علی می تازه
حسن جان

◀ بند دوم

ماه آسمونم شیدای حسنه
کل این جهان خاک پای حسنه
چشم نوکرا به دستای حسنه
این غوغای حسنه

سلیم حسن / قدیم حسن / کمال حسن / حلیم حسن / امام حسن
/ علیم حسن / میگن کریم / می گیم حسن

یه یا علی می گه زمین می لرزه
لشگر دشمن چقدر ترسیده
چه حیدری می جنگه آقا زاده
عطر علی توو معرکه پیچیده
حسن جان

شور حضرت زینب علیها السلام

طاهره توحیدی فرد

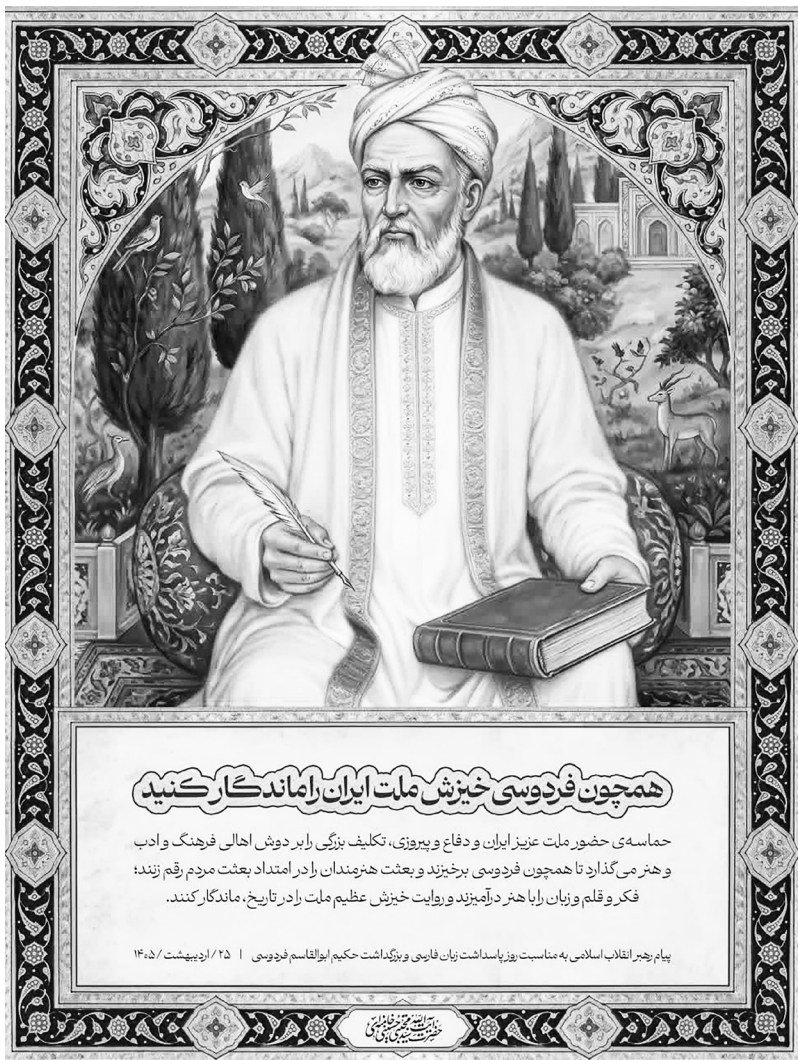
دریافت فایل صوتی



فقامت زینب ایها الناس فقامت زینب
دختر شاه عرب کوه شجاعت زینب
قصد کرده بکشد ریشه‌ی دون را به حقارت زینب
و زمان خیره شده از نسب و از ادب و از وجنات زینب
زینب زینب / زینب زینب
بانگ سر داد که ابن الطلقا
اندکی صبر سحر نزدیک است
وعده داده است خداوند جلی
آخر زندگی تو چقدر تاریک است
زینب زینب / زینب زینب
به گمانت پسر فاطمه را کشتی و پیروز شدی
علم از دست علمدار ربودی و جهانگیر شدی
ایها الکفر بدان سخت زمین گیر شدی
و تو هستی که در این معرکه تحقیر شدی
زینب زینب / زینب زینب
زینب کرارم از دو نفر بیزارم (۲)
جان خود پای ولایت دادن
ارث از حضرت مادر دارم
زینب زینب / زینب زینب



مقاومت و حماسه



همچون فردوسی خیزش ملت ایران را ماندگار کنید

حماسه‌ی حضور ملت عزیز ایران و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ، ماندگار کنند.

پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی | ۲۵ اردیبهشت / ۱۴۰۵

مجلس شورای اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

غزل

◀ فریده حیدری

ما موج خروشیده‌ی دریای کبیریم
حیف است در این راه که بیهوده بمیریم
حیف است اگر از نفس جاده بیفتیم
ما مدّعی خونِ دلِ کودک و پیریم
یک روح مگر در تنمان نیست که آن را
در مِثت بگیریم، و سازش نپذیریم!
ما بال در آورده و پرواز نکردیم
در دست هوا و هوس خویش اسیریم؟!
ما فصل به فصل دلمان ترمه و کاشی‌ست
معماری یزدیم و یلِ کوه و کویریم
گُرد و عرب و آذری و فارس ندارد
سلول به سلول، نه! هم خون و ضمیریم
با پرچم جمهوری اسلامی ایران
با رهبرمان در صف یاران امیریم
ققنوس شو و باز به پرواز درآور
ما عاشق اینیم در این راه بمیریم

غزل

◀ وحید عظیم پور

گفت آن شهید تشنه‌ی مظلوم بی‌کفن
تشنه بمیر، لب به شراب ستم نزن
آزادگی رها شدن از بند جامه نیست
از بند احتیاج به بیگانه دل بکن
در کربلا حسین نماد شرافت است
او دل بُرید از همه حتی ز پیرهن
فرمود تن به ذلت بیعت نمی‌دهم
فرمود و نیزه خورد بر آن نازنین دهن
فردا زنند نغمه‌ی لبیک یا حسین
امروز هم که هلله باشد جواب من
فردای کربلا شده لبیک یا حسین
قوم حسین پا شده لبیک یا حسین

غزل

◀ وحید عظیم پور

هر کس علیه ظلم شهادت نمی دهد
تن را به غیر خواری و خفت نمی دهد
وقت صداقت است صدا قطع می کنی
بعدا دگر کسی به تو مهلت نمی دهد
ما حنجره برای وطن پاره می کنیم
عشق جنون ندیده که لذت نمی دهد
ما با حرام زاده به سازش نمی رسیم
ذات یزید بوی شرافت نمی دهد
هر کس وطن فروش شود کمتر از سگ است
سگ هم به دشمنان خودش خط نمی دهد
قبری برای دشمن ایران نمی کنیم
این خاک پاک تن به نجاست نمی دهد
ایران بچه های علی شهر هرت نیست
سیلی ست حق هر که غرامت نمی دهد

به نام حضرت داور، به نام حضرت دوست
به نام آنکه زمین و زمان ز خلقت اوست
زمامدار سماوات و عرش و چرخِ فلک
از او حیات گرفته‌ست انس و جن و ملک
خدای غیب، خدای خفی، خدای نهران
خدای نور، خدای جلی، خدای عیان
ز هرکرانه‌ی عالم گلی شکفته شود
به نای اوست که در گوش غنچه گفته شود
خلیل را تو رهاندی ز آتش نمرود
کلیم با مدد تو شکافت جوشش رود
علی عالی‌اعلی و حیدرکرار
ابوالعجائب و نفس رسول، لا فرار
به اذن توست به پا کرده صحنه‌ی محشر
ز جای کنده علی درب قلعه‌ی خیبر
هرآنکه در عجب بحر هیبت مانده
مدام نغمه‌ی الله اکبرت خوانده
جهان و کون و مکان را زدی به نام ولی
امور خویش سپردی به دست آل علی
قرار دل، دلمان بی قرار رأفت توست
بریده ایم دگر، راه چاره حجت توست
به پیشگاه رفیع تو می‌کنم عهدی
تمام زندگی ام نذر سرورم مهدی

سلام حضرت داور به محضرت یارا
ببین شکسته و نالان برابرت مارا
سلام ما به هویداترین مقام نهان
سلام ما به امید جهان، امام زمان
به محضرت سر ناقابلی به تن دارم
سرم که سهل، تو جانی بخواه، من دارم!
گرفته گرد و غبار گناه دل هامان
بدون نور نگاهت سیاه دنیامان
چگونه روی گشایم به قصد دیدارت؟
من سیاه شمایل، به نزد آنوارت
بیا به موسم هجران خویش پایان ده
به درد کهنه‌ی این دل پریش درمان ده
به فصل خشک و خزانی، بهار رضوان شو
بیا به دفتر عالم، نگار باران شو
تنیده جور و ستم، تار و پود عالم را
حضور دیو گرفته وجود آدم را
علاج قلب گرفتار و مرهم هر درد
تورا به ام اییها قسم! بیا برگرد
به حال کودک گمگشته در پی طغیان
و تکه تکه شدن زیر چکمه‌ی عدوان
به قلب پاره‌ی آن مردمان آواره
به قتل عام همان ساکنان بیچاره
به دست خالی مظلوم بی کس و بی یار
برابر سپه گرگ و کرکس و کفتار

به جسم لاغر آن کودکی که خفته به خاک
و از نبود غذا و خوراک گشته هلاک
به قشر پیر و جوان و صغیره‌ی غمگین
به آه دخترکان جزیره‌ی ننگین
به اشک دیده‌ی آن داغ‌دیده‌ی بی‌خواب
به خون دختر در خون تپیده‌ی میناب
به استقامت ایرانیان در میدان
به استواری رزمندگان در طوفان
به استغاثه و بی‌تابی محبانت
به خون سید علی، جان فدای ایران
به تلخ‌کامی عالم تویی حلاوت دل
بیا ز پرده‌ی غیبت برون طراوت دل
دوای محنت و اندوه و التیام درد
تورا به زینب کبری قسم! بیا برگرد

مثنوی

◀ منصوره محمدی مزینان

یابن الحسن ای ابر رحمت، روح باران
یابن الحسن ای نور دل، خورشید تابان

ای محرم گنجینه‌ی بسّ الهی
ای آن که بر دل می‌نمایی پادشاهی

ای سر پناه عاشقان دورت بگردیم
ما بی‌شما کوه غم و انبوه دردیم

یابن الحسن، ای سامعُ الاصوات مولا!
ای محرم ذکر و مناجات دل ما

رخصت بده از مردم ایران بگویم
از این خیابان‌ها و از میدان بگویم

از جان فدایانی که پای کار عشقند
از این علمداران که سنگردار عشقند

باید به این مردم خدا قوت بگویم
از رمز ایران ابر قدرت بگویم

دنیا بدان ایران پُر از خَیرُالعباد است
رمز بقای ملّت ما اتحاد است

هرجا که شر و فتنه‌هایی در کمین است
مقصود، حتماً وحدت ایران زمین است

این سرزمین آکنده از یاران مهدی است
جمهوری اسلامی ایران مهدی است

ماییم ماییم امت عشق و شهادت
ماییم ما خونخواه رهبر تا قیامت

هستیم زیر سایه‌ی اولاد حیدر
ما زنده‌ایم از برکت الله و اکبر
پرچم به دستان یل ام‌البنین است
ایران در آغوش امیرالمومنین است
ما رودهای در خروش و بی‌قراریم
ما کوه‌زادان صبور و استواریم
یا بن الحسن در دل غم مهتاب داریم
ما کربلاها در دل میناب داریم
رخصت بده از مادری مضطر بگویم
از زخم‌های غنچه‌ای پرپر بگویم
از روضه‌ی داغ علی‌اصغر بگویم
از روضه‌های کودکی بی‌سر بگویم
از درد پرواز کبوتر دسته دسته
از کودکانی زخمی و پهلو شکسته
از تشنگی کودکان روزه‌دارش
از مادرش از چشم‌های بی‌قرارش
وقت است از فرماندهی ایران بگویم
از سرو سبزی در دل طوفان بگویم
آیا تو می‌دانی چرا در خاک و خون بود؟
دشت شقایق خیز جسمش لاله‌گون بود
فرمانده‌ی ما در اتاق کار بوده
یا با شهیدان در پی دیدار بوده؟!
کشته‌ست ما را گریه کردن در عزایش
کشته‌ست ما را حسرت کرب و بلایش

گویم کمی از بغض‌های بی‌صدایش
باران به باران از قنوت و ربنایش
آقای ما مانند جدش تشنه بوده
او با شهادت این غزل‌ها را سروده
آن کس که تا آغوش قربانگاه رفته
با روضه‌ای سوزنده و جانکاه رفته
مردی که شسته دست از جان و جوانش
هم خود فدای حق شد و هم خاندانش
آخر قرار ما چه بودای جان فداها؟
دیدید او شد عاقبت قربان ماها؟!
ای من به قربان ذبیح خاک ایران
آن ماه در خون خفته‌ی صد چاک ایران
هم وعده کرد و هم به عهد خود وفا کرد
گلزار کشور دوست را کرب و بلا کرد
از رُمی شیطان تا دل سعی و صفا رفت
محرم شد و احرام بست و تا منارفت
مرد خدا بود آنکه در ماه خدا رفت
این‌گونه او روز دهم تا کربلا رفت
با ما بگو که چیست ای دل مرهم داغ؟
ققنوس می‌فهمد که یعنی چه غم داغ!
یک چیز تنها مرهم داغ دل ماست
آن هم بُکا بر روضه‌ی فرزند زهراست
یابن شیبب! فرزند زهرا بی‌کفن بود
بر خاک صحرا بی‌سر و صد پاره تن بود

جد مرا عطشانِ عطشانِ سر بریدند
گرگانِ شب، پیراهن او را دریدند
جز اشک بر زخم دل ما مرهمی نیست
دزیدن پیراهنش درد کمی نیست
جانم فدای خواهر حیدر لسانش
کوهی که بود الا جمیلا بر زیانش
این بود ذکر هر دمِ اولاد حیدر
هَیْهَاتِ مِنَّا الدَّلَّةُ وَاللَّهُ وَاکْبَرُ

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

دیدار به قیامت / ای رهبر فرزانه و رشید قامت
دیدار به قیامت / دل کندی از دنیا رفتی به سلامت
دیدار به قیامت / تو زندگی اسم حسین بوده کلامت

ای رهبر شهید

مثل شاه عطشان، پیکرت توی خون تپید
لحظه‌های آخر ارباب پیش تو رسید
پرکشیدی رفتی و حالا قد ما خمید

آخرین توسلت / یا الله

روی لب‌ت آیه‌ی / انا لله

می‌خونی از عمق وجودت آقا

جونم فدای حضرت / ثارالله

◀ بند دوم

دیدار به قیامت / اسطوره‌ی صبر و ایثار و شهامت
دیدار به قیامت / آقای تو عباس الگوی شجاعت
دیدار به قیامت / شد ماجرا آخر سهم تو شهادت

ای رهبر شهید
تو برای ایران آقا بودی امید
رفتی و یک اُمّت بعد تو چی کشید
خوش به حال لب‌هات شهد عشق و چشید

با لبِ تشنه میگی / یا الله
ذکر لب‌ت آیه‌ی / اِنَّا لَه
لحظه‌ی آخر کلامت آقا
صَلَّى اللهُ يَا ابا عَبْدِالله

زمینه

◀ سیدمسعود احمدی

دریافت فایل صوتی



رفتی و از دوری تو چه بی‌قراریم
مثل ابر بارونی دائم می‌باریم
رفتی ندیدی اشک چشم بچه‌ها تو
تو رو به دستای رقیه می‌سپاریم
به ما یاد دادی
غم اول و آخر زندگی حسین باشه
به ما یاد دادی
چراغ مسیر و ره بندگی حسین باشه
به ما یاد دادی
که آقای ما از همون بچگی حسین باشه
با لب تشنه آقا کردن شهیدت
آخرشم اینجوری شد امام حسین خریدت
این علم پابرجاس
تا خون تو رگ‌های ماس
ندای کل ایران
علی علی یامولاس
به اذن مولا حیدر
و انتقام رهبر
کفن به تن می‌پوشیم
برای فتح خیبر

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

از دهم ماه رمزون
 سیاهه‌ی غم شده احوالم
 سوخته تو این خیمه پر و بالم
 ماه محرم دیر رسیدی من
 بالای صد روزه تو گودالم
 کجا بودی دورت بگردم
 نمی رسیدی دق می کردم
 دیدی آقای مارم زدن محرم
 دیدی مته زینب چقدر دویدیم
 خنجر شمر بازم جلوتر رسید
 دیدی مته زینب دیر رسیدیم
 تو فقط درد منو می فهمی
 نفس سرد منو می فهمی
 آخه من با کی بگم از دردم
 که مته زینب گلی گم کردم
 «گلی گم کرده ام می جویم او را
 به هر گل می رسم می بویم او را
 گل من یک نشانی در بدن داشت
 یکی پیراهن کهنه به تن داشت»
 امون ای دل ای دل ای دل

◀ بند دوم

از دهم ماه رمضون
خیمه‌ی ارباب و به پا کردیم
به سینه‌مون زدیم دعا کردیم
حسین حسین گویان به دریا زدیم
خیابونا رو کربلا کردیم

ایشالا حرمله بمیره
هنوز داره کشته می‌گیره

شب به شب التهاب روی التهاب
کوچه به کوچه شهید پشت شهید
نمی‌تونیم یک ثانیه‌ام بگذریم
از اونا که همدست شدن با یزید

پای این پرچم همه جون دادیم
خون دل خوردیم و جوون دادیم
چقدر سرو و چقدر سردار
ای علمدار این علم و بردار

«خداوندا علمدارم نیامد
یگانه یاور و یارم نیامد
کنار علقمه بابا چه دیدی
عمود خیمه را از چه کشیدی»
امون ای دل ای دل ای دل

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

به الله‌ای که روی پرچم است
دل ما چون شهیدان محکم است
خیابان‌ها سراسر هم صدا
قرار ما خیابان‌ها بیا

بیا ای هم وطن در بین ما تا جان فشانی / مبادا جا بمانی
بیا پرچم بگردان مثل ما تا می‌توانی / مبادا جا بمانی

◀ بند دوم

نمی‌ترسیم ای بیچاره‌ها
نه از موشک نه از خمپاره‌ها
نه از جنگنده‌ی آن مرد جانی
نه از تحریم‌ها و نه گرانی

بیا ای جان به پای خود در این جنگ جهانی / مبادا جا بمانی
خودت را کی به اردوگاه مهدی می‌رسانی / مبادا جا بمانی

◀ بند سوم

اگر ناوی فرستاده نترس
خدا هم وعده‌ای داده نترس

خدا پیروزیت را ضامن است
طبس مأمور نابودی شن است

بخوان تاریخ و عبرت های آن را تا بدانی / مبادا جا بمانی
خدای رود نیل و تنگه‌ی هرمز دو تانی / مبادا جا بمانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

با نصرت حق
ما فاتحیم و
این فتح ما رو
می بینه چشم بینا
إِنَّا فَتَحْنَا
إِنَّا فَتَحْنَا
إِنَّا فَتَحْنَا
لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

فهمیدن ما متحدیم
فهمیدن با کی طرفن
فهمیدن این مردم ما
سَر سپرده های علی شاه نجفن

به یمن خون رهبر
یکی شدیم سرتاسر
ای عاشقای کشور
بلند بگید یا حیدر

یا حیدر

◀ بند دوم

شد وقت پیکار
مثل علمدار
شمشیر و بردار
بگو به کل دنیا
إِنَّا فَتَحْنَا
إِنَّا فَتَحْنَا
إِنَّا فَتَحْنَا
لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

فهمیدن سیلی ینی چی
فهمیدن سجیل ینی چی
فهمیدن ایرانی کیه
فهمیدن اجل چیه عزرائیل ینی چی

به پای خای کشور
ایستاده ایم تا آخر
می گیم تا روز محشر
غلامتیم یا حیدر
یا حیدر

زمینه

◀ مهدی بُسحاق / رضا سرانی

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

قافله رسیده کر بلا

قافله‌ی ایران

به کربلای این زمان

ما همه تو این قافله ایم

همه به فرمان

حضرت صاحب الزمان

یه لشکر جانفدا

به لب دارن پیام

قرار نیست این دفعه

تنها بمونه امام

خروش ما به غم حسینه

شکوه ما به دم حسینه

نبرد ما با یزید دوران

علم همون علم حسینه

◀ بند دوم

می‌رسه میون این غبار
صدا رجزهای
شیر بچه‌های مرتضی
ما همه غیور و استوار
ایستاده رو در رو
با لشکر ظلم و جفا
میاد از کربلا
نسیمی جان فزا
میگه آقام حسین
به عزم ما مرحبا

یک عمره در پناه حسینیم
با افتخار تو راه حسینیم
امروز همون روز عاشورا و
ما همگی سپاه حسینیم

دریافت فایل صوتی



◀ بند اول

بیرق شهیدامون
سرخه رنگ ایمانه
آبروی هر شیعه
آبروی ایرانه

دریا دریا / می باره / اشک چشم عاشقا
محرم اومد / خالیه / جای تموم شهدا

می مونه با محرم
هر کسی مرد مرده
با خون نوشت آقامون
این آخرین نبرده

◀ بند دوم

زیر سایه ی الله
پرچمای حزب الله
می درخشه تو این راه
جان فدای ثار الله

چشمه چشمه / می جوشه / خون این فداییا
محرم اومد / خالیه / جای تموم شهدا

شهید حماسه سازه
تو مکتب حسینی
دلا شده خدایی
با نهضت خمینی

◀ بند سوم

این حماسه و این راه
تا ابد پر از خونه
دست و سر برالیلی
فدیه های مجنونه

دسته دسته / می رسن / اهل روضه و بکا
محرم اومد / خالیه / جای تموم شهدا

به یاد گریه های
رهبر باخدا مون
گریه کنیم برای
زخم تن آقامون

دریافت فایل صوتی



بند اول

شهید خامنه‌ای ای شهید خامنه‌ای
 در سِرای شرف را کلید خامنه‌ای
 امید خامنه‌ای روسفید خامنه‌ای
 ایران جز وفا ز تو ندید خامنه‌ای
 وقار خامنه‌ای ذوالفقار خامنه‌ای
 زده به خرمن دشمن شرار خامنه‌ای
 نگار خامنه‌ای زلف یار خامنه‌ای
 قرار مردم دل بی‌قرار خامنه‌ای

میره بالا / توی دنیا
 پرچم اولاد زهرا بالاتر
 برای ما / بودی آقا
 حالا برا کل دنیا آقاتر

این آغاز پایان
 خنده‌ی خون‌ریزانه
 تا آخرش پا کاریم
 آره اینجا ایرانه

ان شاء الله
 نشه تو این راه / یه روز ببینم / اسیر دنیا
 مثل آقام
 عاش سعیدا / مات شهیدا / همینه رؤیام

◀ بند دوم

امیر خامنه‌ای و کبیر خامنه‌ای
به حفظ بوم و برش مثل شیر خامنه‌ای
بصیر خامنه‌ای دلپذیر خامنه‌ای
ای فرمانروای بی‌نظیر خامنه‌ای

امام خامنه‌ای مستدام خامنه‌ای
رهبر عالی‌قدر نظام خامنه‌ای
قیام خامنه‌ای زنده نام خامنه‌ای
به روی ماه تمامت سلام خامنه‌ای

تا پای جان / پای ایران
قسم به روز عاشورا و ایسادم
راهم اینه / به آیین
اباعبداللّٰه الحسین دل دادم

تنگه توی دستان
یلای تنگستانه

ما نمی‌ترسیم از مرگ
آره این جا ایرانه

تعبیر میشه

به حق زهرا / برای دنیا / تموم حرفام
مثل آقام

عاش سعیدا / مات شهیدا / همینه رؤیام

نشانی‌ها

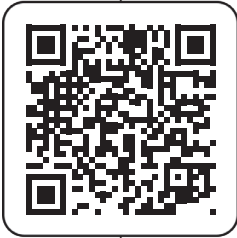
نشانی فایل کتاب صحیفه عاشورا (۲)



نشانی فایل کتاب صحیفه عاشورا (۱)



نشانی کتاب صحیفه عاشورا (۳)



نشانی کتاب سیراب



صحیفہ مقاومت (۲)



صحیفہ مقاومت (۱)



صحیفہ عاشورا (۴)



نشانی صفحات مجازی
صحیفه عاشورا



نشانی صفحات مجازی
حلقه ادبی ریان



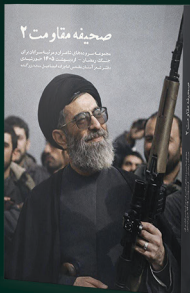
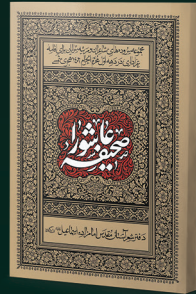
سفارش کتاب



نشانی صفحات مجازی آستان
مقدس امامزاده اسماعیل



سایر آثار منتشر شده:



اتحادیه مجامع و نهادهای اسلامی



سازمان اوقاف و امور خیریه



حائمه ادبی ریان